

سه شنبه مخصوص امور فرهنگی رشد

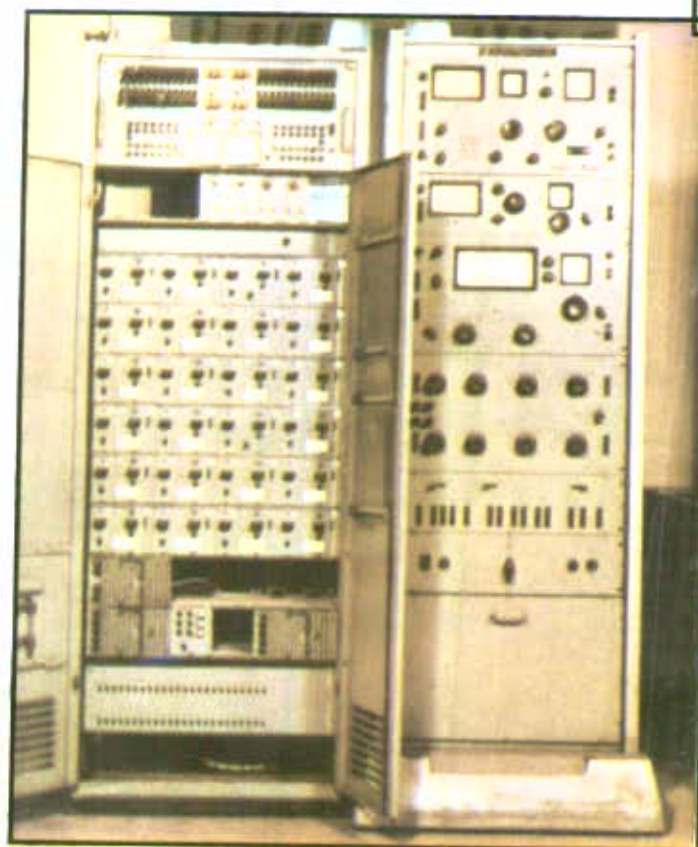
شماره مسلسل ۲۴ - سال هفتم - بهار ۱۳۷۹ - بهار ۱۵۰۰ میلادی

مجموعه آثار و نسخه‌های نادر و گنجینه‌های



موزه‌های ایران

موزه پست



موزه پست گنجینه‌ای کم نظیر از تاریخ پست در ایران و جهان است. به مدیران، مربیان و به‌ویژه دبیران تاریخ توصیه می‌کنیم دانش آموزان خود را به بازدید این موزه ببرند.
موزه پست در تهران خیابان امام خمینی، سر در باغ ملی، واقع و تلفن آن ۶۷۰۱۰۲۸ است.

- ۲ سرمقاله
- ۳ تعلیم و تربیت و توسعه
- ۴ آرایه‌ی تلمیح در کتب فارسی راهنمایی
- ۸ هر چه می‌خواهد ...
- ۱۰ ابن خلدون مورخ و جامعه‌شناس
- ۱۲ تفریح اندیشه
- ۱۴ آموزش جمع و ضرب اعداد ...
- ۲۰ لطایف جامی
- ویژه‌نامه کتاب و کتاب‌خوانی
- ۲۲ اقتراح
- ۲۷ کتاب ... ترین ... ها
- ۲۸ رسالت کتابخانه
- ۳۱ شعرهایی برای کتاب
- ۳۲ کتاب، اما از نوعی دیگر
- ۳۸ کتابخانه مدرسه



طرح پشت روی جلد از پریسا سندسی
روی جلد، کتاب پیوند میان نسل‌ها
پشت جلد، از لوحه‌های سنگی تا کتابخانه‌های اینترنتی

- ۴۴ پیمان شکنی
- ۴۷ چیست، چرا، چگونه؟
- ۵۲ Thomas Alva Edison
- ۵۴ تاریخ جهانی چیست؟ (۲)
- ۵۸ جامعه‌شناسی به زبان ساده (۲)
- ۶۱ آنجا که خانه‌ام نیست

- مدیر مسئول: سید محسن گل‌انصاری
- سردبیر: جعفر ربانی
- مشاوران: محمود امانی طهرانی، منصور ملک‌عباسی
- مدیر داخلی: رحیم شکری‌روشنق
- طراح گرافیک: پریسا سندسی
- چاپ: شرکت افست (سهامی عام)
- نشانی دفتر مجله: تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۱۵۸۵
- تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۹۱۸۱



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک‌آموزشی

دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، این مجله را منتشر می‌کند

رشد کودک (وزنه‌بندی دبستان و دانش‌آموزان کلاس اول دبستان) رشد و آموزش آرایه‌های دانش‌آموزان دوره و سوم دبستان) رشد دانش‌آموز (آرایه‌های دانش‌آموزان چهارم و پنجم دبستان) رشد و جوان (آرایه‌های دانش‌آموزان دوره راهنمایی) رشد جوان (آرایه‌های دانش‌آموزان دوره متوسطه) مجلات رشد معاد، رشد تکنولوژی آموزشی، و آموزش ابتدایی، آموزش فیزیک، آموزش شیمی، آموزش زبان و ادب فارسی، آموزش زبان، آموزش ریاضی، آموزش زیست‌شناسی، آموزش جغرافیا، آموزش معارف اسلامی، آموزش تاریخ آرایه‌های دبیران، آموزگاران، دانش‌آموزان تربیت معلم، مدیران مدارس و کارشناسان آموزش و پرورش

چلچراغ اندیشه و فرهنگ

در اردیبهشت هر سال - تهران شاهد برپایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب است. همایشی باشکوه از جمع نویسندگان، مترجمان، ویراستاران، ناشران، هنرمندان، شاعران، صنفیان، دانش‌آموزان و خریداران سی‌شماره‌ای از هر صنف و طبقه، زن و مرد و پیر و جوان؛ که به تعبیر ساده‌تر، حاکمی چلچراغ اندیشه و فرهنگ ایران است.

مادر این همایش به این نمایشگاه عظیم از یک سو، و انجمن معلمان، و دانش‌آموزان، از سوی دیگر، بخش ویژه این شماره را به کتاب و کتاب‌خوانی اختصاص دادیم. البته به این هدف بکمی یادآور می‌شویم.

اگر همان می‌دانستیم که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰، کتاب‌خواندن در جامعه ما از رونق چشم‌گیر برخوردار بوده تا حدی که این طور می‌نمود، ابتکار در نشر کتاب‌های جیبی روز بروز بیشتر آمدن ترجمه‌های ارزشمند، و فورانی محلات فرهنگی، و از آنجا به مقولر رسیدن به چاپ این کتاب با مقولانی چون دین، سیاست، مسرت و زندگی؛ همه در آن دوره رونق داشت. آن سال‌ها، علی‌رغم وجود جفتان سیاسی که حتی به افصح البلاغه ایا سوءظن می‌نگریست، در پرورش جنبش فرهنگی و جست‌وجوگر، که نهایتاً به عظیم انقلاب اسلامی و آید دولت‌نشینده سپید داشت. اوج خلافت نویسندگان و متفکران چون آ‌ل احمد، مطهری و شریعی و دیگران آن دوره به دهه‌ها هنوز از آن سرمدیه‌هاست که سود می‌بریم.

اما امروزه ما می‌بینیم که این دوره نیز به انتشار کتاب و محله و رونق نام و هدف اصلی این انتشارات، یعنی خواندن داریم. این نسل نوزائیده‌ای که چشمه‌ها بسته دارند و بدون دروغ گفتن از گذشته‌های نوین برآ خود را بیابند. و به کلمب تجربه سبب پیشین نیاز دارند و مسافتی بکمی از راه‌های است که می‌رویم. این تجربه را به او انتقال دهیم. از این گذشته، اندیشه علمی جامعه، می‌تواند که سبب به جو آید و سبب آید. این سبب فرهنگی و فرهنگی سال نباید تا به دهه در آمده علمی و کلمب فناوری، سبک در تجربه اجتماعی نیز متواستاد هگمتانی آید و جرد باشد. کتاب خواندن، بدون شک، یکی از مصادیق وسیع به چنین هدفی است.

دایره این ویژه‌نامه در آیم که جامعه یاد یکی از آموزگاران بزرگ آگاهی و کرامت انسانی، یعنی شهید مرتضی مطهری، را زنگ می‌دارد به شما تقدیم می‌شود. خواهی گفت، شاید، که به یاد او گفتی از نوع و معنای لازم برخوردار نیست. می‌پذیریم. اما در این تجربه فراخ جری این چه می‌تواند که به قول مولوی: اگر بر بزی بحر را در نوره ای چند گنجد؟ قسمت یک ویژه ای

یادآور می‌شویم که کتاب‌ها مشکلاتی که در چاپ و توزیع محلات رشد تحصیلی وجود دارد و از جمله تعطیلات تابستانی مدارس، در نااستان شماره‌ای منتشر خواهد شد و شماره بعدی را در پایان دریافت خواهند کرد. ان شاء الله

میرزا

آموزش و پرورش

تعلیم و تربیت و توسعه

دکتر حسین عظیمی*

فرهنگ سازی برای توسعه اقتصادی نیازمند این است که در خانه و مدرسه درست عمل کنیم و در این مکان ها به طور جدی وارد مرحله الگوسازی فرهنگی شویم. چگونه؟ باید وارد مدرسه، یعنی نظام آموزشی کشور شویم. گفتنی است که بحث کنونی ما بر سر جنبه پرورش نظام آموزشی است و به جنبه آموزشی آن کاری نداریم. در مدرسه می توان حس برابری انسان ها را به کودکان یاد داد یا نداد. در مدرسه می توان احترام به حقوق دیگران، حس نظم پذیری جمعی، احترام به آزادی بیان و ... را به صورت جزئی از شخصیت کودک در وجود او رشد و پرورش داد یا این کار را نکرد. آیا مدارس ما می توانند این باورهای فرهنگی را به کودکان تلقین کنند؟ مطمئن باشید اگر نتوانند به این مهم دست یابند، توسعه اقتصادی جامعه ما سامان نخواهد گرفت. کودکان خصلت نگرش علمی دارند. بچه های دوسه ساله دائماً در حال پرسیدن هستند. به نظر می رسد که معتقدند هر حادثه ای علتی دارد و راه پیدا کردن علت را هم در پرسیدن از بزرگترها می دانند. این نگرش در فطرت بچه ها نهفته است. آیا مدارس ما این کنجکاوی را می کشد و یا آن را تشویق و ترغیب می کند؟ اینجاست که مدرسه می تواند عامل توسعه یا مضر به حال توسعه باشد. مدرسه ای که امکانات محدودی داشته باشد، مدرسه ای که معلمش دچار هزاران مشکل باشد، بیش از پنجاه شصت کودک را در کلاس همین معلم بریزند و مدارس را چند نوبته کنند، ذهن کودک را تحت فشارهای نامتناسب فراوان می گذارد و آن را به ذهن علمی تبدیل نمی کند. این کودک از علم و کتاب گریزان می شود. اگر درسی بخواند و نمره های خوب بگیرد معمولاً به علت ترسی است که از تنبیه در ذهن پاک و دنیای کوچک فکری او ایجاد کرده ایم. این کودک معمولاً چنین بار می آید که وقتی تحت فشار درسی باشد کار می کند و منظم است و به محض کنار رفتن فشار، کار را رها می کند. چنین آموزش دیده است که اگر توانست گلیم خودش را از آب بیرون بکشد و کاری به این که حق و حقوق دیگران چیست نداشته باشد. هیچ گاه به کتاب و مطالعه و به علم و به نگرش علمی علاقه مند نمی شود، بلکه از همه این مقولات گریزان می گردد. به محض این که درش تمام شد و فارغ التحصیل شد، از مطالعه، از تفکر علمی و از نگرش علمی «فارغ» می گردد و لذا تحصیل او صرفاً به مدرک منتهی می شود. و خلاصه این کودک - این سرمایه عظیم انسانی جامعه ما - از نظر توسعه اقتصادی «نامناسب» خواهد شد و توسعه اقتصادی با از دست دادن این منبع عظیم عظیم خواهد ماند.

بدیهی است که اگر به واقع به دنبال توسعه اقتصادی جامعه هستیم یکی از جاهایی که باید قویاً و وسیعاً مورد توجه باشد مدارس ابتدایی و راهنمایی است. در اینجاهاست که باید پول خرج کرد، باید منابع را تخصیص داد، نیروی انسانی دلسوز را در مدارس به کار گمارد، به زندگی و به تعلیم و تربیت معلمان رسیدگی کرد و مدارس را به محلهایی تبدیل کرد که کودکان با ذوق و شوق به آنجا سرایز شوند. باید دانشمندان کشور را به کار تدوین کتب دوره های ابتدایی گماشت و باید وسایل کمک آموزشی فراوان برای مدارس فراهم کرد.

آیا مدارس ابتدایی و راهنمایی خود را به واقع با این دید و نگرش مورد توجه قرار می دهیم؟ در این جا منظور خوب آموختن، خوب خواندن و خوب نوشتن در مدارس نیست؛ بلکه مراد این است که آیا خصایل مورد نیاز برای تشکیل درست شخصیت را در مدارس تقویت می کنیم؟ آیا بچه های مادر کلاس پنجم نگرش علمی بیشتری دارند یا در کلاس اول نگرش علمی بهتری داشتند؟ فرضیه فعلی من، متأسفانه، این است که مدارس ما - علی رغم زحمات دلسوزانه معلمان - در جهت عکس عمل می کنند ...

زیر نویس:
 * اسدالله اقتصاد در دانشگاه های ایران

آینده آموزش

آرایه‌ی

تلمیح

در

کتاب

فلسفی

دانش

آرایه‌ی تلمیح در کتب فارسی راهنمایی

تلمیح (indicating - ellusion) از ریشه «تلمح» در لغت به معنی نگاه کردن به چیزی و به گوشه چشم اشاره کردن است. و در علم تلمیح عبرت از این است که نویسنده یا شاعر برای اثبات سخن خود به آیه، حدیثی، قصه‌ای، مثنی یا شعری مشهور و معروف اشاره کند. پس که از اصطلاحات علوم استفاده کنند بی آن که صریحاً متذکر استفاده خود باشند. شاعران و نویسندگان با الهام و استفاده از قرآن کریم و احادیث پیامبر و ائمه معصومین (ع)، آثار خود را به آنها مزیّن کرده‌اند و بسیاری از اشعار و جملات خود را در قالب تلمیح، اشاره، تضمین، جناس، اقتباس، استیلا و درج بیان کرده‌اند که استخراج این آرایه‌ها از لایه‌ای متحلیان و آثار آنان هر کدام کتابی جداگانه می‌تواند. متون و آثار ادبی ما چون گنجینه‌ای از شاهنامه، مثنوی معنوی، دیوان حافظ و... پر از آیات، احادیث و اقوال عربی است. مثلاً در مثنوی معنوی بیش از هزار آیه و حدیث به تصریح یا تلمیح آمده است به طوری که مزاج «تلمیح از زبان هر زبان و هر اثری جداگانه به نام احادیث مثنوی» بر اساس آن نوشته است.

از آنجا که در کتاب‌های فارسی راهنمایی پاره‌ای تلمیحات نیز وجود دارد تصمیم گرفتیم تا برخی از آنها را به اداره توانا خود برای همکاران جمع‌آوری کنیم. چنان که در افعال عربی آمده است:

ما لا یُذَرُکُ کُلُّهُ لا یُتَرُکُ کُلُّهُ یعنی آنچه همه آن را فریبند همه آن را فرو نمی‌گذارند. و بنا بر

آن دربارا اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید (مولوی)

بر نکته متحلیان و صاحب نظران پوشیده است که استخراج آیه، حدیث، مثل و... برای تلمیحات لزوماً به معنی آن نیست که مقصود شاعر حدیث همان بوده است که مدعی گوئیم. بلکه برخی از آنها صریحاً به منظور اطلاع بر وحدت مقصود بوده است و یا معادل آن اشعار و عبارات است.

دکتر محمد علی



وحده لا شریک له گوید

د: ما سمیعیم و بصیریم و هشیم
با شما نامحرمان ما خامشیم (مولوی)

(۷) به گفتار پیغمبرت راه جوی

دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی (ص ۱۱)

«وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» و آنچه پیامبر

شما را دهد آن را بپذیرید و آنچه شما را از آن باز دارد از آن دست

بدارید. (سوره حشر آیه ۷)

(۸) اگر نیک خواهی به هر دو سرای

به نزد نبی و وصی گیر جای (فردوسی)

حدیث نبوی «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَكْبَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَّى وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ»

(۹) تا خلق ازو رسند به آسایش

هرگز به عمر خویش نیاساید (ص ۲۶)

حدیث «مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمْ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»

(۱۰) تا دیگران گرسنه و مسکین اند

بر مال و جاه خویش نیفزاید

«وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَيْثُ مَسْكِنًا وَبَيْمًا وَاسِيرًا» و خوراک را با

وجود دوست دانشش به بینا و بشیم و اسیر اطعام کنند. (سوره انسان آیه ۸)

(۱۱) قوی و مردانه آن باشد که با خشم خویش برآید (ص ۷۳)

«أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ» (حدیث نبوی)

(۱۲) سخن راست گو مترس که راست

نبرد روزی و نیارد مرگ (ص ۱۱۳)

الف «صِدْقُ الْمَرْءِ نَجَاتُهُ» راستی مرد رستگاری اوست.

(حضرت علی (ع)).

ب «الصِّدْقُ بِنَجْوَى وَ الْكِذْبُ بِزُرَى» راستی رهایی بخشد و دروغ

خواری آرد.

(۱۳) چو دانی که بر تو نماند جهان

چه رنجانی از آرز جان و روان (صفحه ۱۴۲)

بخور آنچه داری و بیشی مجوی

که از آرز کاهد همی آبروی

الف «عَزَّ مَنْ قَنَعَ وَ ذَلَّ مَنْ طَمَعَ» عزیز گشت آن که قناعت کرد و

خوار شد کسی که آرز ورزید. (حضرت علی (ع)).

ب «الطَّمَعُ رِقٌّ مُؤَيَّدٌ» طمع، بردگی جاودان است. (حضرت علی (ع)).

(۱۴) درشتی ز کس نشنود نرم گوی

سخن تا توانی به آزرم گوی

«لَيْنُ الْكَلَامِ قَيْدُ الْقُلُوبِ» نرمی کلام، بند قلوب است.

(۱۵) بیا تا جهان را به بد تسخیریم

به کوشش همه دست تیکی بریم (صفحه ۱۴۴)

نباشد همی نیک و بد پایدار

همان نه که تکی بود پادگار

دیگر این که ممکن است پژوهش گری قطعه، غزل یا قصیده یا

بیتی را بخواند و از زوی آن سرسری بگذرد، ولی دیگری همان اشعار

را بخواند و از تأثیر شاعر یا نویسنده آن از قرآن مجید و احادیث

معصومین نشانی بدهد.

در هر حال آنچه اهمیت دارد این است که بدانیم با اطلاع از تلمیح

به کار رفته مفهوم بیت و یا جمله برای ما روشن تر می شود.



فارسی اول

(۱) ای نام تو بهترین سرآغاز

بی نام تو نامه کی کنم باز

حدیث نبوی «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يَبْدَأْ بِهِ بِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ آبِرٌ» هر

کاری مهم که با نام خدا آغاز نشود بریده و ناقص است.

(۲) ای یاد تو مونس روانم

جز نام تو نیست بر زبانم

«أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَظْمِينَ الْقُلُوبِ» (سوره رعد آیه ۲۸)

(۳) ای کارگشای هر چه هستند

نام تو کلید هر چه بستند

حضرت علی (ع) در دعای کمیل می فرماید: «يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ

و ذِكْرُهُ شِفَاءٌ»

(۴) هم قصه نانموده دانی

هم نامه ناتوخته خوانی

«عَالَمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ» (سوره زمر آیه ۴۶) و در فارسی دوم

«داننده آشکار و نهان است» ص ۱.

(۵) ای عقل مرا کفایت از تو

حسن ز من و هدایت از تو

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» و کسانی که در راه ما

کوشیده اند، آنان را به راه های خاص خویش رهنمون می شویم.

(سوره عنکبوت آیه ۶۹)

(۶) بلبلان را شنیدم که به نالش درآمده بودند از ... (صفحه ۶)

«تَسْبِيحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ» و لکن لا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» آسمان های

هفت گانه و زمین و هر که در آنهاست برای او تسبیح می گویند و

هیچ چیز نیست مگر آن که شاکرانه او را تسبیح می گوید ولی شما

تسبیح آنان را در نمی یابید. (سوره اسراء آیه ۴۴)

بیت های زیر نیز تلمیحی از همین آیه اند:

الف: توحیدگوی او نه بنی آدم اند و بس

هر بلبلی که رزمه بر شاخسار کرد

ب: کوه و دریا و درختان همه در تسبیح اند

نه همه مستمعی فهم کند این اسرار (سعدی)

ج: هر گیاهی که از زمین روید



همان گنج دینار و گنج بلند

بحر اهدادن مرئوس را سودمند

الف) «فَمَا الزُّيْدُ قَدْ هَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَبِمَكْتُ فِي

الارض» (سوره زمر آیه ۱۷)

و اما کف بر باد می رود و آنچه به مردمان سود می رساند بر روی

زمین باقی می ماند

ب) «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ» روزی که مال و پسران سود ندهند

(سوره شعراء آیه ۸۸)

ج) «وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالتَّيْبَةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

يُعَذِّبُهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (سوره توبه آیه ۳۴)

و کسانی که زر و سیم می سود و سود و آن را در راه خدا خرج

نمی کنند، ایشان را از عذاب دردناک خبر ده.

۱۶) به داد و دهش یافت این نیکویی

نو داد و دهش کن فریدون تویی

الف) «بِالْأَفْضَالِ يَعْظُمُ الْأَقْدَارُ» به بخشدگی مردی تری می گیرد.

ب) «السَّخِيُّ لَا يَدْخُلُ النَّارَ»

سخاوت کن که هر کس که سخی بود

روا سود که گویم دور حق بود

۱۷) دل شود گر به علم بیننده

راه جوی به آفریننده (صفحه ۱۶۱)

«يَا عَلِيُّ إِذَا تَقَرَّبَ النَّاسُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِأَنْوَاعِ الْبِرِّ فَتَقَرَّبَ أَنْتَ

بِعَقْلِكَ وَعِلْمِكَ حَتَّى تَسْبِقَهُمْ» ای علی مردم با انواع نیکوکاری به

سوی خدا تقریب می جوید اما تو با دانش و خرد خویش تقریب جوی

تا بر آنها صیقت یابی.

۱۸) آنچه در علم پیش می باید

دانش ذات خویش می باید

«مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» حضرت علی (ع) و پیامبر اکرم (ص)



فارسی دوم

۱) عیب گشت منکر و احسان خویش

دیده فرو به گریبان خویش (صفحه ۱۲۱)

الف) «الْكِبَرُ الْعَيْبُ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ» بزرگ ترین عیب آن است

که عیبی را که خود نیز داری بر دیگران عیب شماری. (حضرت علی (ع))

ب) «مَنْ نَظَرَ فِي عَيْبِ نَفْسِهِ اشْتَغَلَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ» هر کس بر عیب

خود بگرداند دیدن عیوب دیگران باز می ماند. (حضرت علی (ع))

۲) هر که به نیکی عمل آغاز کرد

نیکی او روی بند و باز کرد

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمِنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا» هر کس که کاری

نایسته پیشه کند به سود خود اوست و هر کس کاری بد پیش گیرد نه

زیان خود اوست (سوره فصلت آیه ۴۶)



۳) گفت چشم تنگ دنیا دار یا

یا قناعت پُر کند با حاکم گوی (صفحه ۱۲۶)

الف) «مَنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ الْعِلْمِ وَطَالِبُ الْمَالِ» دو کس

سیر نشود طالب علم و طالب دنیا

ب) توره چشم حریصان پر شد

نه صدف قناعت شد پُر دُر شد (مولوی)

۴) هزار کوه گرت سدره شوله سرو

هزار رده گرت از یاد افکند بایست (صفحه ۱۷۷)

فاستقم کما أمرت و من تاب معك» (سوره هود آیه ۱۱۲)

پس همچنان که دستور یافته ای پایداری کن و نیز هر کس که بایست

روزی به سوی خداوند آورده است [چپ شد]

۵) تا جهان بود از میرا دم قرار

کس نبود از زانو داشت می نیاز (صفحه ۱۷۷)

داشت اندر دل چراغ روشن است

روز همه نادر تن تو جوشن است

الف) «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»

(سوره مجده آیه ۱۱)

خدا مقام اهل ایمان و دانشمندان را رفیع می گرداند

ب) «الْعِلْمُ نُورٌ يُنْقِذُكَ اللَّهُ فِي قَلْبٍ مِنْ يَشَاءُ» دانش نوری است

که خدا آن را ببرد از هر کس که بخواهد یا بدارد (حدیث)



فارسی سوم

۱) فضل جدای را که تو اسد شمار کردی

یا کیست آن که شکر یکی از هزار کردی (صفحه ۱)

«وَأَنْ تَعْبُدُوا لِعِمَّةِ اللَّهِ لَا تُحْضَوْهَا» (سوره البخل آیه ۷۸)

و اگر بعبادت الهی را بشمارید نمی تواند آن را شمارش کنید.

۲) هر کار عمل نکرد و عبادت امید داشت

دانه نکشت امانه و دخل انتظار کرد

«مَنْ بَزَرَ الشُّوكَ لَا يَحْضُدُ بِهِ عَيْدًا» کسی که خار بکار داند آن نمک

درو نکند

۳) بخشدگی و ساقطه لطف و رحمتش

ما را به حسن عاقبت امیدوار کرد

الف) «صَبَّغَتْ رَحْمَتِي غَضَبِي» رحمت من بر غضب پیشی گرفت

است (حدیث قدسی)

ب) «لَا تَقْظُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ

الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (سوره زمر آیه ۵۳)

از رحمت الهی تو امید مناشید چرا که خداوند همه گناهان را

می بخشد که او آمرزگار مهربان است.

۴) ناد در سج گنج میسر نمی شود

مزد آن گرفت جان بر آید که کار نبرد (صفحه ۱۲)



«وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (سوره نجم آیه ۳۹)

و این که برای انسان هیچ چیز نیست مگر آنچه برایش کوشیده است.

۵) بعد از خدای هر چه پرستند هیچ نیست

بی دولت آن که بر همه هیچ اختیار کرد

الف) «وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا» (سوره نساء آیه ۱۱۹)

و هر کس که شیطان را به جای خداوند دوست گیرد آشکارا زیان کار شده است.

ب) «مَاذَا وَجِدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ»

چه دارد آن که تو را ندارد؟ و چه ندارد آن که تو را دارد؟ (دعای

امام حسین (ع) در روز عرفه)

۶) صدای عشق در این گنبد دوار می ماند

کسی نشنیده زین فریاد فریادی رساتر را (صفحه ۱۱)

حافظ گوید: از صدای سخن عشق ندیدم خوش تر

بادگاری که در این گنبد دوار می ماند

۷) وطن پر شاخسار سبزه گهر دارد امام ما

خدا را ما بگیرد سایه طوبای رهبر را

الف) «عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى» در نزدیکی سدره المنتهی (سوره نجم آیه ۱۴)

می گویند در جایی است در بهشت یا در آسمان هفتم.

ب) «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ»

(سوره رعد آیه ۲۹)

کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند خوشا

بر ایشان و نیک سرانجامی است.

طوبی: (معرب عربی، سُرِیالی tovari شادی، خوبی) سعادت،

خیر و خوشی، در جایی است در بهشت.

۸) یک نصیحت بیشتر از من کاندلر آن نبود غرض

چون کسی رای مهمی تجریت از پیش کن (صفحه ۱۸)

الف) «الْفُكْرُ فِي الْأَمْرِ قَبْلُ مَلَائِئِةٍ مُؤْمِنٍ الزَّلْزَلُ» (حضرت علی (ع))

اندیشیدن درباره کاری قبل از پرداختن به آن آدمی را از خطا و

لغزش در امان نگه می دارد.

ب) «قَدِمَ الْخُرُوجُ قَبْلَ الْوُلُوجِ» بیرون آمدن را بر داخل شدن مقدم

بدار، مقصود آن که نخست آن را پیش بینی کن «التَّجَارِبُ لِقَاحُ

الْعُقُولِ» هر تجربه ای عقل را زیاد می کند.

۹) آب در حلق کریمان از کرم چون نوش ریز

موی بر اندام خصم از بیم همچون نیش کن

الف) «اشْدَأْ عَلَى الْكَفَّارِ رُحْمَاءُ بَيْتِهِمْ» (سوره فتح آیه ۲۹) بر

دشمنان سخت گیر و با خودشان مهر باند.

ب) با بدان بد باش و با نیکان نگو

جای گل گل باش و جای خار خار

۱۰) گرتکبر می کسی با خواجگان مقله کن

و ر تواضع می کنی با مردم درویش کن

«التَّكَبُّرُ مَعَ الْمُتَّكِبِ صَدَقَةٌ» تکبر با متکبر صدقه است.

(چهارمقاله، نظامی عروضی، مقاله اول)

۱۱) آنچه ندارد عوض ای هوشیار

عمر عزیز است، غنیمت شمار (صفحه ۹۵)

الف) «إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ» (حضرت علی (ع)) از دست دادن

فرصت اندوهی گلوگیر است.

ب) «الْفُرْصُ تُمْرٌ مَرَّ السَّحَابِ» فرصت ها چون گذشتن ابر

می گذرد (حدیث)

ج) «مَنْ اسْتَوَى يَوْمًا فَهُوَ مَغْبُونٌ» کسی که دو روزش مانند هم

باشد باخته و ضرر کرده است.

د) «مَا فَاتَ مَضَى وَمَا سَبَّأَتْكَ قَابِنٌ

فَمُ فَاغْتَنِمِ الْفُرْصَةَ بَيْنَ الْعَدَمَيْنِ»

(منسوب به حضرت علی (ع))

شعر سعدی معنی یت است:

سعدیای رفت و فردا همچنان معلوم نیست

در میان این و آن فرصت شمار امروز را

۱۲) از درون خستگان اندیشه کن

وز دعای مردم پرهیزگار (صفحه ۱۰۲)

الف) آنچه یک پیرزن کند به سحر

نکند صد هزار تیر و تبر (سنایی)

ب) آه مظلوم در سحر به یقین

بتر از تیر و ناوک و زوبین

ج) دلا بسوز که سوز تو کارها بکند

دعای نیم شبی دفع صد بلا بکند (حافظ)

۱۳) خداوندا، ما را از آنان مگردان که ایشان را به خود باز گذاشتی

تا به تیغ هجران خسته گشتند.

«اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ» خدایا مرا لحظه ای به نفس

من وامگذار (صفحه ۱۵۷)

۱۴) اگر بازجویی خطا از صواب

نیایی یکی هم نشین چون کتاب (فارسی اول صفحه ۶۸)

الف) «وَوَيْلٌ لِلَّذِينَ فِي الزَّمَانِ كِتَابٌ» نیکوترین همشنان در هر

زمان کتاب است.

ب) «نِعْمَ الْمُحَدِّثُ الدَّفْتَرُ» نیکو سخن گویی است دفتر و کتاب.

منابع:

۱- امثال و حکم، مرحوم دهخدا، ۲- تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، دکتر

علی اصغر حلی، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۳- کتاب معلم (روش تدریس) اول

و دوم راهنمایی، ۴- قرآن کریم، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی و ترجمه الهی قمشه ای.

۵- دانش نامه، ویژه کتاب های فارسی راهنمایی، جعفر ربانی، نشر داناف، ۱۳۷۶.

۶- احادیث و امثال مشهور شریف، عبدالباقی گولینارلی (شش دفتر) و کلیله و دمنه،

مجلی مسوی، ۷- نهج البلاغه.

زیر نویس:

۱- «التَّمْلِیحُ»، هُوَ أَنْ يُشَارَ فِي قَوْلِي الْكَلَامِ إِلَى آيَةٍ أَوْ حَتَرٍ أَوْ قِصَّةٍ أَوْ شِعْرِ مِنْ غَيْرِ

أَنْ تُذَكَّرَ صَرِيحًا (جرجانی، تعریقات، ۵۸)

برادر گرامی نامه محبت آمیزت رسید. آنرا نوشیدم و سر زده جای یاد می رانستی که نامه عزیزان چون صاحب آن گرامی و بی ارزش است، زمان کوتاهی فاصله‌ها را معیوم می سازد. آدم، برادرش، دوستش، پدرش، یا مادرش را میباید که یوسف روی نویسنده و اگر هم صحبت کردن است، دیرور نامه آن را می خواند هم حس می کند، مگر با آن قیافه بشاشی یا مری صحبت می کنی، در نامه پیشین وضع تحصیل و پیشرفت مرا در دروس، خواسته بودی و در این نامه می توانم به تو مرز و بدهم که با معدنی خوب قبول شدم و به واسطه آن که قبلاً از من خواسته بودی در رشته موفقیت ارضیج، کوشش مضایقه بکردم و امیدوارم سال آینده نیز بتوانم با کمال تویر از سهرابی در امتحانات موفق و پیروز گردم و پدر و مادر ارحم بکرا خرسند بکارم و اگر روی آنرا که هر چه زودتر با دیدارت خوشوقت شدم.

امیدوارم کشتن محبتت در ساحل دریای لنگر اندازد.

نامه به برادر رضا بخش علی دارد.

رضا جان، سلام!	و اما آن نکته‌ها:	ساده و زیبا بیان کرده بودی. آفرین!
نامه‌ای را که به برادرت نوشته بودی خواندیم!	۱- یکی از راه‌هایی که خواندن یک نوشته را راحت‌تر می‌سازد، رعایت نمودن اصل جدانویسی است.	نوشته بودی: «دیروز نامه‌ها را می‌خواندم. حس می‌کردم که با آن قیافه بشاش، یا من صحبت می‌کنی»
چرا نوشتیم «خواندیم» در صورتی که باید می‌نوشتیم «خواندم»؟! نامه‌ها را دو نفر می‌خوانند.	مثال:	هـ- به آخرین سطر نامه‌ها دقت کن، نوشته‌ای که:
من و دوستم، به این خاطر بود که نوشتیم «نامه‌ای را که به برادرت نوشته بودی، خواندیم»	به جای این که بنویسیم «آترا»،	«و آرزوی آنرا که هر چه زودتر با دیدارت خوشوقت شدم»
آقا رضا!	بهرتر است که بنویسیم «آن را»	اگر یک بار دیگر جمله‌ی بالا را بخوانی متوجه اشتباهت خواهی شد و این طور خواهی نوشت:
هر نامه‌ای که از سوی تو به ما برسد، تیکوترین ره آورد است. اگر ترا از نزدیک ببینیم، چه بهتر! از ماهدش کرج، یا تهران و خبابان ایرانشهر شمالی، راهی نیست عزیزم!	۲- در نامه‌ها نوشته بودی «از هیچ کوشش، بهتر است که بنویسی «از هیچ کوششی»	«به آرزوی آن که هر چه زودتر با دیدارت خوش وقت شوم»
دل من می‌خواهد یک بار دیگر، با دقت نامه خودت را بخوانی و پس از آن با دقت بیشتر به نکته‌های زیر توجه کنی. نامه تو گرچه کوتاه است، اما زیباست. نکته‌ها را بخوان و با توجه به تجربه تازه، بار دیگر، نامه‌ای بنویس به برادر خوب و نازنینت.	۳- بهتر است به جای کلمه «مضایقه»، بنویسی «کوتاهی»	د- هر وقت مطلبی نوشتی، یک بار با دقت و با حوصله، آن را بخوان. منتظر نامه‌های ساده، رسا و زیبایی هستم.
رمای خوب و مهربان!	در حد امکان، از کلمه‌های فارسی استفاده کن.	خداوند یار و نگهدار تو.
ما که ترا دوست داریم، اما، «چه خوش بی، مهربونی هر دوسری» یعنی: چه خوش است و چقدر خوب است که هر دو طرف نسبت به هم مهربان باشند.	۴- احساس خوب خودت را از خواندن نامه برادرت، با یک تشبیه	

هر چه می‌خواهد...

فارسی

ایرانشهر

من یک روز در مزرعه بودم و رفتیم به پیش یکی از دوستانم. در راه یک پرنده را دیدم که در خاک کنار رودخانه سیمین رود گیر کرده بود و نمی توانست پرواز کند زیرا پرهايش خیس شده بود و با زحمت برداشتم همش پر می زد و می ترسید که ما به او نزدیک شویم ما نیز آن را برداشتم و آن را با خود به مزرعه بردیم در آنجا بچه ها فوتبال بازی می کردند در پشت کوه صداهاي عجیبی شنیده می شد بچه ها هر یک نظری می دادند یکی از بچه ها به نام معصم گفت که این صدای هواپیما است که شاید در آنجا حمله باشد من گفتم که بحیر این هواپیمای مسافرکشی است. وقتی که نزدیکتر آمد شکمش به هواپیماهای جنگی می خورد. هم بچه ها می کردند و مرتب سرو صدا می کردند و با دست ها به او اشاره می کردند بعد هم بچه ها رفتیم تا گهی از آن بر رودخانه هندوانه بچینیم و بخوریم و وقتی می خواستیم از آب عبور کنیم مرد باغبان به ما حمله کرد و می خواست ما را کتک بزند و ما نیز به روستای خودمان حمله کردیم سپس او به خانه ما آمد و به پدر و مادرمان گفت و ما نیز شب یک کتک درست و حسابی خوردیم.

رحمان میکائیلی

۱- در سطر ۱ جمله: «رفتیم به پیش یکی از دوستانم» را به «نزد (پیش) یکی از دوستانم رفتیم» اصلاح می کنیم: زیرا اولاً «به» در جمله زائد است چون پیش خودش حرف اضافه است ثانیاً جلی فعل در زبان فارسی آخر جمله است نه ابتدای جمله. البته اگر قصد تأکید بر فعل باشد می توان آن را ابتدای جمله نیز قرار داد. در زبان محاوره معمولاً فعل را ابتدای جمله می آورند. در جملاتی که شکل گفتاری نقل می شود (مثلاً در داستان ها و...) ایرادی ندارد که همان شکل گفتاری را بیاوریم در غیر این دو صورت هیچ گاه نباید فعل را در ابتدا یا وسط یک جمله بیاوریم. جای فعل آخر جمله است.

۲- در سطر ۱ «در راه یک پرنده» در زائد است. یکی از کلماتی که فراوان در نوشته به کار می رود ولی نقشی ندارد یک است. می توان نوشت پرنده ای را دیدم.

۳- سطر ۳ نوشته ای «... ما نیز آن را باز حمت برداشتیم» شما چند نفر بودید که پرنده برداشتید. ظاهراً خودت این کار را کرده ای و کسی همراهت نبود. پس ضمیر جمع «ما» لازم نبود بکار رود باید بنویسی: من آن را برداشتم. نکته دیگر این که ضمیر من نهاد اختیاری است یعنی می توانیم آن را بیاوریم و اگر در جمله نیاید بهتر است. پس لازم نیست من نیز آورده شود می نویسیم: آن را باز حمت برداشتم. حالا در تمام انشایت «ها» را به «من» تبدیل کن.

۴- در سطر ۳ «همه ش» شکل عامیانه است. درست است بنویسیم همه اش

حسن ذوالفقاری

فرزند عزیزم، رحمان میکائیلی
سلام به تو که از بوکان یاد ما کرده ای. به مردم عزیز و بزرگوار بوکان، سلام می رسانیم؛ من و دوستم دکتر ذوالفقاری. او اهل دامغان است و من، اهل آبادان و تو اهل بوکان. تو و من و او و همه ما فرزندان ایرانیم!

رحمان عزیزم!

تو باید دانا شوی و داناتر. تو با آن ریشه های پاک، با آن همه خوبی ها، می توانی برای فردای بهتر بوکان، انسانی شوی دانا و مفید. نوشته کوتاه تو را خواندم. بال های خیس آن پرنده، هواپیمای جنگی، حمله مرد باغبان، اینها همه مرا به روزگار کودکی و نوجوانی خودم می برد. در آبادان سال های دور، من، همه آن خاطره ها و خیال ها را نوشته ام!

رحمان خوبم!

تو هم بنویس! اگر کتاب های خوب و مناسب به دستت رسیده، بخوان.

علی قرخ مهر

دولت های قبل از زمان مؤلف سوییژه حکومت های موجود در مغرب عربی (شمال افریقا) است. گزاره نخواهد بود اگر گفته شود که نام این خلدون با نام مقدمه او مترادف شده است. به تعبیر دیگر اگر مقدمه نبود، تاریخ این خلدون و نام او فقط در ردیف بسیاری از آثار و نام های مورخان عالم اسلام مطرح می شد و جهت تاریخ او از نظر اهمیت به پای آثار بزرگان این رشته چون طبری، مسعودی و ابن اثیر نمی رسید؛ ولی موضوعی که وی در مقدمه از جهت میانی سطرهای تاریخ، شمدن و عمران (جامعه شناسی) آورده، اثر او را از آثار دیگر ممتاز کرده است.

این خلدون در مقدمه، ارتباط دانش عمران با تاریخ را روشن می کند. منظور او از دانش عمران (علم العمران) علم جامعه شناسی است. به نظر او مورخان باید تا دیدنی جامعه شناختی، تاریخ را بنویسند. به صراحت می گوید که مورخ باید اخبار را در چارچوبه علم عمران عرضه کند و می نویسد: تاریخ دارای ظاهری و باطنی است. تاریخ در ظاهر اخباری است دربارۀ روزگاران و دولت های پیشین و معمولاً برای تمثیل و تزیین کلام به کار می رود. اما در باطن تفکر و تحقیق دربارۀ حوادث و مصادی آنها و جست و جوی دقیق برای یافتن علل آنهاست و چون از کیفیات و قایع و موجبات و علل حقیقی آنها بحث می کند «علمی» است سرچشمه گرفته از حکمت و سراسر

که از دانش های آن شمرده شود.

این خلدون هر فصلی از مقدمه را با نقل یکی از آیه های قرآنی پایان می بخشد. بنابر این گفته اند که او عقل و عرفان هر دو را باهم داشته و هر دو را به کار برده است. این خلدون عوامل بسیاری را که در جوامع بشری باعث جهش و ترقی می شود نام می برد. یکی از این عوامل **عصبیت** است. **عصبیت** به مفهوم همبستگی اجتماعی است. همبستگی که او از آن یاد می کند، **عصبیت** دورۀ جاهلی نیست بلکه همبستگی های عقلانی است که بعد از دورۀ جاهلی باعث ایجاد دولت و ملت واحدی در محدوده جغرافیایی خاص می شود. جامعه شناسان معاصر، ابداع مفهوم ناسیونالیسم در جوامع بشری را در اصل از ابتکارات این خلدون می دانند که آن را در قرن چهاردهم میلادی به صورت **عصبیت** عنوان نمود. این خلدون کلید شناخت علمی تاریخ را در گروه شناخت علم عمران (جامعه شناسی) می داند. به همین جهت است که می گوید: «انسان دارای سرشتی مدنی است، یعنی ساکن زیر است اجتماعی زیست کند که در اصطلاح آن را مدنیت گویند و معنی عمران همین است.»

این خلدون از علل انحطاط و سقوط اقوام نیز بحث می کند و می گوید: توحش، همزیستی، عصبیت ها و انواع جهان گشائی های بشر و چیرگی گروهی بر گروه دیگر، در ترقی و انحطاط ملت ها تأثیر مستقیم دارد. به همین دلیل است که این خلدون را مؤنسسکبوی جهان عرب می گویند، زیرا مؤنسسکبوی نیز، پس از ابن خلدون، از دید تاریخی علمی درباره انحطاط رومیان نظریاتی داده است که مورد تأیید همه مورخان قرار گرفته است. با ملاحظه همه جوانبی که این خلدون در مقدمه رعایت کرده می توان ادعا کرد که این اثر در زمینه تاریخ نگاری در دنیای اسلامی ابداعی منحصر به فرد و پدیدآورنده آن در میان تاریخ نگاران مسلمان یک استثنا و در زمینه فکر تاریخی در میان مورخان پیش از خود بی مانند است.

الدیشه و روش نوغ آمیز این خلدون نه تنها در زمان خود بلکه تا قرن ها به صورتی شایسته مورد ارزیابی و نقد و داوری قرار نگرفت و چون تخمسی در شوره زار، بی حاصل ماند تا این که بخش هایی از مقدمه او در سال ۱۸۰۶ میلادی به وسیله سیلومستر دوساسی به زبان فرانسه ترجمه شد و در همان ایام نیز هامرپورگشتال مورخ اتریشی این خلدون را مؤنسسکبوی جهان عرب نامید. از آن زمان بود که دانشمندان اروپا از نوغ این متفکر بزرگ در شگفت شدند و بر تقدم او بر دانشمندان اروپایی در طرح موضوعاتی چون

جامعه‌شناسی، فلسفه تاریخ و اقتصاد سیاسی از آن‌ها برخاسته. مقدمه‌ای به خلدون و چنان انقلابی در افکار دانشمندان قرن نوزدهم ایجاد کرد که به این عقیده رایج شد که این تاریخ‌نویس، غسطلان چهار قرن پیش از ویگو (Vico)ی ایتالیایی تاریخ‌نویس است و فلسفه آرموستکیو در باره علم محیط‌مدان حدس‌ها گفته‌اند است. اهمیت دانشمند آمریکایی گفته است که: «این خلدون در دانش جامعه‌شناسی به مقدمی قابل‌توجه است که حتی آگوست کنت در نیمه دوم قرن نوزدهم بدان آرموستکیو است»

آرتور لودلوین بی مورخ معاصر امریکایی
بیرونی گوید: مقدمه خالوی درک و ابداع
فلسفه ای برای تاریخ است که در خارج خود و
در همسایه و نزدیکان از بزرگی ترین کتابهای
فکری بشر است

در واقع جهان اسلام هم از طریق اروپا
با این جهل و انباشتی مجدد یافت
این جهل و انباشتی در فرهنگ جدید جایگاه
شایسته‌ای دارد. او به آنها است به زمان
خود انباشتی جلوه می‌دهد. که اسان‌های
و تفکر و زبان و این جهان پیدا دارد. نه از
آن که به نظر است او را در مورد جامعه
معاصر حکایت دارد. بلکه این جهت که
تحلیل‌های او بر این پایه‌های تاریخی
به جامعه ما شده است. او تفکر تاریخی

زایه موجوداتی نور سبید و نارنجی و سی
از صورت و اشعه نوری پیشین نه شکلی نور
علمی نه قیاسی نه تعقلی نه ادراکی

ترقی نظریات تاریخ نویسی تم حسیته
معاظم الزواله نویسی و جامعه شناسان
معرفی چون پیرام سور و کیس و دیگر
اندیشمندان و نویسی و تجربگی و وی در ارائه
نظری های جامعه شناسانه و پژوهش های
تاریخی و فزاینده عصر خویش حرکت کرده
است. این خلدون و اوست و سیمون دی کامپن
شکل و در اشاره به حولات مکانی و زمانی
جوامع به ذکر می برده است. شاید این از نظر
وی علم تحول و تطور و با جامعه شناسی
(علم العمران) در پیوسته علمی خویش به تاریخ
مربوط بوده. (پیر این علم طریقه ای برای
بررسی و تریک تاریخ بوده است. این خلدون
در تشریح روابط پویای جوامع جاذب نشیمن
قبیله ای و سیاسی و شهری نشان داده
چگونه جوامع از سازمان های اجتماعی ساده
به سوی سازمان های اجتماعی پیچیده
حرکت می کند. عضویت و همبستگی
گروهی و پیوستگی اجتماعی در میان جوامع
قبیله ای محکوم است. به این ترتیب او
به وجود انواع جامعه اشاره می کند. جامعه
بدوی و اولیه (جامعه البادیه)، جامعه میتمدن
و پیچیده (جوامع الحاصره)، جامعه میتمدن
که از شهر نشینی ناشی می شود و سه خاصیت
منکر است: جمعیت، منابع طبیعی و کیفیت

حکومت را نظر او توسعه نهاده و سعی
پسرفت علمی بر حسب استعداد
است، بلکه پادشاه را عوامل اجتماعیه
و طباعته و فرهنگی را سعی شد تا
تداوم و تشبیه توسعه در جامعه
باشد و برای این کار به تحصیل
قدرت از سدای حاکمه و پادشاهی
افزایش مصرف غیر ضروری و
تجملات، انوار غصب اجتماعی و
پیشگیری اجتماعیه، رشد فرهنگی
و توسعه اجتماعی در جامعه
این خدایان خلاص اولیه فرهنگی
افزایش و شهری و توسعه
می آید. امروز پس از قرن
تأسیسات علوم اجتماعیه و
تجربیه های جامعه شناسانه
از وقت و اعتبار بسیار

2. **المسألة الثانية**

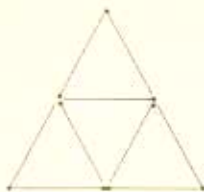
1992, 1993, 1994, 1995, 1996, 1997, 1998, 1999, 2000, 2001, 2002, 2003, 2004, 2005, 2006, 2007, 2008, 2009, 2010, 2011, 2012, 2013, 2014, 2015, 2016, 2017, 2018, 2019, 2020, 2021, 2022, 2023, 2024, 2025, 2026, 2027, 2028, 2029, 2030, 2031, 2032, 2033, 2034, 2035, 2036, 2037, 2038, 2039, 2040, 2041, 2042, 2043, 2044, 2045, 2046, 2047, 2048, 2049, 2050, 2051, 2052, 2053, 2054, 2055, 2056, 2057, 2058, 2059, 2060, 2061, 2062, 2063, 2064, 2065, 2066, 2067, 2068, 2069, 2070, 2071, 2072, 2073, 2074, 2075, 2076, 2077, 2078, 2079, 2080, 2081, 2082, 2083, 2084, 2085, 2086, 2087, 2088, 2089, 2090, 2091, 2092, 2093, 2094, 2095, 2096, 2097, 2098, 2099, 2100, 2101, 2102, 2103, 2104, 2105, 2106, 2107, 2108, 2109, 2110, 2111, 2112, 2113, 2114, 2115, 2116, 2117, 2118, 2119, 2120, 2121, 2122, 2123, 2124, 2125, 2126, 2127, 2128, 2129, 2130, 2131, 2132, 2133, 2134, 2135, 2136, 2137, 2138, 2139, 2140, 2141, 2142, 2143, 2144, 2145, 2146, 2147, 2148, 2149, 2150, 2151, 2152, 2153, 2154, 2155, 2156, 2157, 2158, 2159, 2160, 2161, 2162, 2163, 2164, 2165, 2166, 2167, 2168, 2169, 2170, 2171, 2172, 2173, 2174, 2175, 2176, 2177, 2178, 2179, 2180, 2181, 2182, 2183, 2184, 2185, 2186, 2187, 2188, 2189, 2190, 2191, 2192, 2193, 2194, 2195, 2196, 2197, 2198, 2199, 2200, 2201, 2202, 2203, 2204, 2205, 2206, 2207, 2208, 2209, 2210, 2211, 2212, 2213, 2214, 2215, 2216, 2217, 2218, 2219, 2220, 2221, 2222, 2223, 2224, 2225, 2226, 2227, 2228, 2229, 2230, 2231, 2232, 2233, 2234, 2235, 2236, 2237, 2238, 2239, 2240, 2241, 2242, 2243, 2244, 2245, 2246, 2247, 2248, 2249, 2250, 2251, 2252, 2253, 2254, 2255, 2256, 2257, 2258, 2259, 2260, 2261, 2262, 2263, 2264, 2265, 2266, 2267, 2268, 2269, 2270, 2271, 2272, 2273, 2274, 2275, 2276, 2277, 2278, 2279, 2280, 2281, 2282, 2283, 2284, 2285, 2286, 2287, 2288, 2289, 2290, 2291, 2292, 2293, 2294, 2295, 2296, 2297, 2298, 2299, 2300, 2301, 2302, 2303, 2304, 2305, 2306, 2307, 2308, 2309, 2310, 2311, 2312, 2313, 2314, 2315, 2316, 2317, 2318, 2319, 2320, 2321, 2322, 2323, 2324, 2325, 2326, 2327, 2328, 2329, 2330, 2331, 2332, 2333, 2334, 2335, 2336, 2337, 2338, 2339, 2340, 2341, 2342, 2343, 2344, 2345, 2346, 2347, 2348, 2349, 2350, 2351, 2352, 2353, 2354, 2355, 2356, 2357, 2358, 2359, 2360, 2361, 2362, 2363, 2364, 2365, 2366, 2367, 2368, 2369, 2370, 2371, 2372, 2373, 2374, 2375, 2376, 2377, 2378, 2379, 2380, 2381, 2382, 2383, 2384, 2385, 2386, 2387, 2388, 2389, 2390, 2391, 2392, 2393, 2394, 2395, 2396, 2397, 2398, 2399, 2400, 2401, 2402, 2403, 2404, 2405, 2406, 2407, 2408, 2409, 2410, 2411, 2412, 2413, 2414, 2415, 2416, 2417, 2418, 2419, 2420, 2421, 2422, 2423, 2424, 2425, 2426, 2427, 2428, 2429, 2430, 2431, 2432, 2433, 2434, 2435, 2436, 2437, 2438, 2439, 2440, 2441, 2442, 2443, 2444, 2445, 2446, 2447, 2448, 2449, 2450, 2451, 2452, 2453, 2454, 2455, 2456, 2457, 2458, 2459, 2460, 2461, 2462, 2463, 2464, 2465, 2466, 2467, 2468, 2469, 2470, 2471, 2472, 2473, 2474, 2475, 2476, 2477, 2478, 2479, 2480, 2481, 2482, 2483, 2484, 2485, 2486, 2487, 2488, 2489, 2490, 2491, 2492, 2493, 2494, 2495, 2496, 2497, 2498, 2499, 2500, 2501, 2502, 2503, 2504, 2505, 2506, 2507, 2508, 2509, 2510, 2511, 2512, 2513, 2514, 2515, 2516, 2517, 2518, 2519, 2520, 2521, 2522, 2523, 2524, 2525, 2526, 2527, 2528, 2529, 2530, 2531, 2532, 2533, 2534, 2535, 2536, 2537, 2538, 2539, 2540, 2541, 2542, 2543, 2544, 2545, 2546, 2547, 2548, 2549, 2550, 2551, 2552, 2553, 2554, 2555, 2556, 2557, 2558, 2559, 2560, 2561, 2562, 2563, 2564, 2565, 2566, 2567, 2568, 2569, 2570, 2571, 2572, 2573, 2574, 2575, 2576, 2577, 2578, 2579, 2580, 2581, 2582, 2583, 2584, 2585, 2586, 2587, 2588, 2589, 2590, 2591, 2592, 2593, 2594, 2595, 2596, 2597, 2598, 2599, 2600, 2601, 2602, 2603, 2604, 2605, 2606, 2607, 2608, 2609, 2610, 2611, 2612, 2613, 2614, 2615, 2616, 2617, 2618, 2619, 2620, 2621, 2622, 2623, 2624, 2625, 2626, 2627, 2628, 2629, 2630, 2631, 2632, 2633, 2634, 2635, 2636, 2637, 2638, 2639, 2640, 2641, 2642, 2643, 2644, 2645, 2646, 2647, 2648, 2649, 2650, 2651, 2652, 2653, 2654, 2655, 2656, 2657, 2658, 2659, 2660, 2661, 2662, 2663, 2664, 2665, 2666, 2667, 2668, 2669, 2670, 2671, 2672, 2673, 26

$\frac{d}{dt} \left(\frac{1}{2} m v^2 + U(r) \right) = 0$

* زيادة المعرفة في استخدام الحاسوب واستخدام الإنترنت

وحيثما كان المصالحات في حكمه (مكرر) (أما المصالحات)

● شکل ایجاد کرد؟ با برداشتن لا اقل چند چوب کبریت می توان ۲ مثلث متساوی الاضلاع مساوی ایجاد کرد. آنها کدام یک از چوب کبریت ها هستند؟

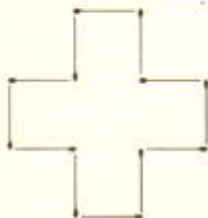


● از دوست خود بخواهید تا یک عدد سه رقمی را که ارقامش از چپ به راست کوچک می شوند بنویسد. سپس معکوش را از خود عدد کم کند. عدد حاصل را با معکوش جمع کند. نتیجه همیشه برابر عدد ۱۰۸۹ خواهد بود. به مثال توجه کنید. خودتان نیز اعدادی را آزمایش کنید.

$$\begin{array}{r} 765 \\ - 567 \\ \hline 198 \\ + 891 \\ \hline 1089 \end{array}$$

● اعداد ۱ تا ۱۲ را در دایره ها طوری قرار دهید که مجموع اعداد واقع در راستای هر ضلع مثلث ها برابر عدد ثابتی شود. سعی کنید روشی برای پیدا کردن ترتیب عددها بیابید.

● شکل زیر از ۱۲ چوب کبریت ساخته شده است و مساحت آن ۵ واحد است. (هر واحد مساحت برابر است با مربعی به ضلع یک چوب کبریت.) با جابه جا کردن چوب کبریت ها شکلی بسازید که مساحت آن ۴ واحد باشد.



● بین رقم های عدد نهصد و هشتاد و هفت میلیون و ششصد و پنجاه و چهار هزار و سیصد و بیست و یک، چند علامت جمع و در کجا قرار دهیم تا حاصل برابر ۹۹ شود؟ (این مسأله ۲ پاسخ دارد.)

● یک پدر و دو پسر روی هم ۲۰۰ کیلو وزن دارند که وزن هر بچه ۵۰ کیلو و وزن پدر ۱۰۰ کیلو است. آنها می خواهند با کشتی که فقط ۱۰۰ کیلو وزن را حمل کند از دریاچه ای عبور کنند. آنها چگونه می توانند از دریاچه بگذرند؟

● این دو ساعت هر چند که دقیق کار می کنند ولی چون میزان نشده اند، در نتیجه ساعتی را که یکی نشان می دهد برابر با دقیقه های دیگری است، حداقل بعد از چه مدتی دوباره چنین ویژگی، با ارقام دیگر مشاهده خواهد شد؟



● جهان گردی که با موتور سیکلت سفر می کند، در یکی از روستاها نیاز به ۲ لیتر بنزین پیدا می کند برای خرید بنزین به مغازه ای که تنها دو پیمانه ۵ و ۸ لیتری دارد مراجعه می کند چگونه ممکن است مغازه دار با استفاده از دو پیمانه ای که دارد ۲ لیتر بنزین به جهان گرد بدهد؟

● محمود با پدرش قرار گذاشت که هر روز نمره خوب بگیرد، ۵۰ ریال از پدرش بگیرد و هر روز نمره خوب بگیرد ۵۰ ریال به پدرش بدهد. او پس از ۲۰ روز ۲۸۵ ریال پول داشت. تعیین کنید چند روز نمره خوب و چند روز نمره بد گرفته است.

● خانم لخته داری می خواهد مقداری شیر را به مدت ۱۵ دقیقه حرارت دهد. برای کنترل وقت، تنها دو عدد ساعت شنی در اختیار دارد که یکی از آنها ۷ و دیگری ۱۱ دقیقه زمان را می ستجند. چگونه می تواند با استفاده از این دو ساعت شنی شیر را دقیقاً مدت ۱۵ دقیقه حرارت دهد؟

● در شکلی بالا که با ۹ چوب کبریت ساخته شده است، چگونه می توان با برداشتن ۲ چوب کبریت ۲ مثلث متساوی الاضلاع در

تشریح آزاد ریشه

ریاضی

گردآورنده: موسی ربانی، با استفاده از مجلات ریاضی برهان

شرح المسألة

— *Journal of the American Medical Association*, 1997

والی به خط سبزه کلمه می کند. و بعد در آن کلمه را به خط
قرمز می کشد و به خط سبزه می کشد. و بعد در آن کلمه را به خط
قرمز می کشد و به خط سبزه می کشد.

(المادة ٦) هي "بمعنى" لا تعني "في" جمع "في" و"في" بالجمع

ضرب در اعداد صحیح

وقتی به حساب در آمدن صحیح می رسیم این امر به نفع است
معنا و در این مقاله می شود مشاهده کرد.

[illegible]

این شعبه از اموال که قالسی و قوامی و خدای سبحان

آن استاد پیش از آنکه در این مبحث ریاضی در هر سه کتاب توجه و سعی
معلم صرف آموزش تکنیک و محاسبه می شده، از این جهت حائز
قدرت و معلمی که در تصدیق و تردید و حقیقت با دلی داشت.

1	1	2	3	4	5
1	1	2	3	4	5
2	2	4	6	8	10
3	3	6	9	12	15
4	4	8	12	16	20
5	5	10	15	20	25

1000

2	9	5	4	9	5
9	29	12	18	29	9
5	12	19	24	95	50
4	18	24	59	52	40
9	29	95	52	40	90
50	90	50	40	90	50

المقدمة

وئی معینی که به حساب خود، در وقت صرافه جوانی می گردید
هر دو جدول را در صراف یک هفته مطرح می گردید و دانش آموز
مختار می گردید که جدول را در خانه حفظ کند و در مدرسه به معلم
در صراف جواب دهد. حالا اینکه ۵۰۶۳۰ به چه مفهوم - معانی
روشن نمی شد. اما امروز در آموزش ریاضی از هشتاد و سه تا از
اندازی مفهوم را هم آموزش می دهند و تقریباً پنجاه پنجاه وقت صراف
مفهوم و تکنیک می شود، برای نمونه در کتاب سوم ابتدایی از جدول
صراف در فصل ۵ از ۶۰ صفحه از کتاب آموزش داده شده است.
پولیارمی ذات حساسی معتقد است که دانش آموز باید بفهمد مفهوم
و اگر از ۵۰۶ را ببیند که جدولی که چه وقت می رسد است
که هیچ اشکالی بر او نمی شود این شود آموزش هم - مفهوم
همه را است هم - تکنیک و اگر از ۵۰۶ مفهوم را می رسد بر

امور اقصیٰ



بعضی از خواص جمع - در جمع عدد «+» را عضو بی اثر می خوانیم و اگر a یک عدد صحیح باشد $-a$ را قرینه a می خوانیم - همچنین دانش آموز در کلاس های ابتدایی یاد گرفته است که $a+b=b+a$ و $a+(b+c)=(a+b)+c$ در زیر سایر خواص جمع را بررسی می کنیم:

سایر خواص جمع

- ۱- صفر منحصر به فرد است.
- ۲- قانون حذف، از طرفین تساوی دو مقدار مساوی قابل حذف است و برعکس.
- ۳- عضو قرینه منحصر به فرد است.
- ۴- قرینه صفر یا صفر برابر است. $0=0$
- ۵- قرینه قرینه یک عدد برای خود عدد است. $-(-a)=a$
- ۱- می دانیم «+» دارای این خاصیت است که هر عددی با آن جمع شود، باز همان عدد به دست می آید.

$$a+0=0+a=a$$

اگر «+» هم صفر باشد طبق آنچه گذشت:

$$(1) \quad 0+0=0 \quad (2) \quad 0+0=0$$

با مقایسه (۱) و (۲) نتیجه می شود $0=0$

۲- می دانیم که قرینه x برابر $-x$ است به قسمی که

$$(1) \quad x+(-x)=(-x)+x=0$$

در قانون حذف، می خواهیم بگوییم:

$$(2) \quad a+x=b+x \xrightarrow{\text{حذف } x} a=b$$

برای این منظور می نویسیم:

طبق فرض (۱):

$$\begin{aligned} a &= a+0 \\ &= a+x+(-x) \\ &= (a+x)+(-x) \end{aligned}$$

طبق فرض (۲):

$$\begin{aligned} &= (b+x)+(-x) \\ &= b+(x)+(-x) \\ &= b+0 \\ &= b \end{aligned}$$

مردود است یعنی در آموزش مقیاسات یک جدول بنویسیم که مثلاً سانتی متر برابر 10^6 میلی متر و یا متر برابر 10^3 سانتی متر یا 10^3 میلی متر و ... است این جدول را دانش آموز در طول سال های تحصیلی خود «ا» بار می بیند و حفظ می کند ولی باز در سال آخر متوسطه در محاسبات مسائل فیزیکی شک می کند که متر چند سانتی متر است؟ یا متر مربع چند سانتی متر مربع است؟

و یا در آموزش مساحت ها، جدولی را به دانش آموز بدهیم و از او بخواهیم که آن را حفظ کند.

مساحت	شکل
(ارتفاع × قاعده) $\frac{1}{2}$	مثلث
ارتفاع × قاعده	متوازی الاضلاع
عرض × طول	مستطیل
...	...

امروز این شیوه مقبول نیست بلکه امروز در آموزش اولیه این مفاهیم سعی بر این است که خود دانش آموز یک مستطیل بکشد و با روش تقسیم به مربع های واحد مساحت تقریبی مستطیل را حدس بزنند و پس از چندبار آزمایش با مستطیل های متفاوت به این نتیجه برسند که مساحت مستطیل برابر حاصلضرب طول در عرض است برای این که ضرب علامت در اعداد صحیح معنا و مفهوم پیدا کند اول لازم است خود دبیران محترم محتوای ذهنی خود را از آموخته های قبلی شفاف نمایند، چه به طور مستقیم بیشتر مطالب مطرح شده در این مقاله را همکاران خوانده اند یا به طور پراکنده شنیده اند.

عمل «+» و «×» دو عمل اساسی است که تفریق و تقسیم نتیجه برگشت آنهاست:

$$\begin{cases} 5+4=9 & \Leftrightarrow & 9-4=5 \\ 15 \times 3 = 45 & \Leftrightarrow & 45 \div 3 = 15 \end{cases}$$

در زیر عمل «+» دو عدد a و b تشریح شده است.



که عکس مطلب هم درست است یعنی:

$$a=b \Leftrightarrow a+x=b+x$$

برای این منظور می نویسیم: $a=b \Leftrightarrow a+0=b+0$ به جای صفر قرار دادیم.

$$\Rightarrow a+(x)+(-x)=b+(x)+(-x)$$

از قانون حذف نتیجه می شود:

$$a+x=b+x$$

۳- قرینه عدد را بر آورده است اگر b هم قرینه a باشد طبق تعریف قرینه داریم:

از مقایسه (۱) و (۲) می شود: $a+(-a)=a+b \Rightarrow a+(-a)=b$

$$\Rightarrow (-a)=b$$

آنگاه داریم:

$$\begin{aligned} (-a)+a &= a+(-a) \\ (-a)+a &= a+(-a) \\ \Rightarrow -a &= b \end{aligned}$$

از این جهت صفر علامت ندارد

شماره قرینه x برابر $(-x)$ است لذا داریم:

$$(-x)+x=0 \quad (۱)$$

قرینه x هم برابر $-x$ است: (۲)

با مقایسه (۱) و (۲) نتیجه می شود:

قانون حذف:

$$(-x)+x=0 \Rightarrow (-x)+x=0$$

$$(-x)+x=0$$

که شهود آن در کتاب به صورت زیر تدریس شده است:



عمل تفریق: هرگاه a و b دو عدد صحیح باشند عمل تفریق را به صورت زیر تعریف می کنیم:

$$a-b=a+(-b)$$

قرینه مجموع: هرگاه a و b دو عدد صحیح و $-a$ و $-b$ قرینه آنها باشند داریم:

مجموع دو عدد $a+b$

قرینه مجموع $-(a+b)$

مجموع قرینه ها $a+(-b)$

می خواهیم ثابت کنیم: $(a+b)+(-a-b)=0$

اثبات: قرینه هر شیی ریاضی را قسراً دادن علامت $-$ در جلوی آن حاصل می شود.

لذا قرینه $(a+b)$ برابر $(a+b)$ است و مجموع دو عدد قرینه صفر است:

$$(a+b)+(-a-b)=0$$

از طرفی داریم:

$$(a+b)+(-a-b)=(b+a)+(-a-b)$$

بعوض پذیری

$$=b+a+(-a-b)$$

شرکت پذیری

$$=b+(-a)+(-b)$$

شرکت پذیری

$$=0$$

(۲)

با مقایسه (۱) و (۲) و این که عضو قرینه منحصر به فرد است نتیجه می شود:

$$(a+b)+(-a-b)=0$$

نتیجه:

$$(a+b)+(-a-b)=0$$

اثبات طبق تعریف تفریق داریم:

$$a-b=a+(-b)$$

و طبق قرینه مجموع:

$$=-(a+b)$$

که شهود آن در کتاب به صورت زیر آمده است:



تعریف: $a+b$

تعریف: $a+(-b)$



تعریف: $a+(-b)$

و بالاخره میدان مساوی آنها:



$$(a+b)+(-a-b)=0$$

با مقایسه (۱) و (۲):

عمل ضرب

در عمل ضرب هم خواص شرکت پذیری و بعوض پذیری



بعضی از اثبات ها

اثبات ۱ - الف - اثبات به یکی از دو شیوه زیر است:
شیوه اول استفاده از قانون حذف

$$\begin{cases} x \cdot 0 = x \cdot (0 + 0) \\ = x \cdot 0 + x \cdot 0 \\ 0 = x \cdot 0 \end{cases}$$

توزیع پذیری

قانون حذف

شیوه دوم

$$\begin{cases} x \cdot 0 = x \cdot (1 + (-1)) \\ = x - x \\ = 0 \end{cases}$$

در شیوه دوم نکته ۵ باید قبلاً مطرح گردد و در هر دو شیوه از قانون توزیع پذیری ضرب بر جمع استفاده شده است.

$$a \cdot (b + c) = ab + ac$$

اثبات بند ۲ با توجه به ۱ و برهان خلف صورت می گیرد اگر $xy \neq 0$ پس $xy = 0$ لذا $y = 0$ و این خلاف فرض است در

در اثبات ۴ می نویسیم:

$$-1(1 + (-1)) = -1 \times 1 + (-1)(-1)$$

عدد ۱ عضو بی اثر عمل $\times$ است:

$$-1 \times 0 = -1 + (-1)$$

$$0 = -1 + (-1)$$

$$1 = (-1) \cdot (-1)$$

اثبات ۵. می دانیم قرینه x برابر $-x$ است و داریم:

$$x + (-x) = 0 \quad (1)$$

از طرفی با توجه به توزیع پذیری داریم:

$$x + (-1)x = x(1 + (-1)) \quad (2)$$

$$= x \cdot 0$$

$$= 0$$

با مقایسه (۱) و (۲) و منحصر به فرد بودن عنصر قرینه نتیجه می شود: $(-1)x = -x$.

اثبات ۶ با استفاده از ۴ و ۵ است.

طبق ۵:

$$\begin{cases} -x = (-1)x \\ -y = (-1)y \end{cases} \Rightarrow (-x)(-y) = (-1)x(-1)y$$

$$= (-1)(-1) \cdot xy$$

شرکت پذیری ضرب

وجود دارد و عضو بی اثر عمل ضرب عدد ۱ است و مقابل ضربی با معکوس عدد a که صفر نیست، عددی مثل b است به قسمی که $ab=1$ و یا $h = \frac{1}{a}$ که معمولاً آن را با a^{-1} نمایش می دهند و آن را معکوس a می خوانند $a^{-1} = \frac{1}{a}$

سایر خواص ضرب

۱ - عضو بی اثر، یعنی ۱ منحصر به فرد است

۲ - قانون حذف در ضرب هم برقرار است

$$x \neq 0, a \cdot x = b \cdot x \Rightarrow a = b$$

۳ - عضو معکوس منحصر به فرد است

۴ - معکوس معکوس هر عدد برابر خود آن عدد است

$$a \neq 0, (a^{-1})^{-1} = a$$

نتیجه ها - الف - $1^{-1} = 1$ - ب - $(-1)^{-1} = -1$

ج - $\frac{1}{\frac{1}{x}} = x^{-1}$ - د - $(-x)^{-1} = -(x^{-1})$

معکوس حاصل ضرب دو عدد متناظر به تساوی،

$$-(x+y) = -x-y \text{ در جمع تساوی: } (xy)^{-1} = y^{-1}x^{-1} \text{ در ضرب}$$

$$\text{است که معکوس حاصل ضرب می باشد: } (x \cdot y)^{-1} = y^{-1} \cdot x^{-1}$$

اثبات آن نیز درست نظیر اثبات $-(x+y) = -x-y$ است.

تعریف تقسیم = هرگاه a و b دو عدد صحیح و b مخالف صفر

باشد عمل تقسیم را به صورت زیر تعریف می کنیم:

$$a + b = \frac{a}{b} = a \times \frac{1}{b} = ab^{-1}$$

بعضی از قضایای کلیدی ضرب

هرگاه x و y دو عدد باشند همواره داریم:

$$x \cdot 0 = 0 \quad \text{الف - ۱}$$

$$y \neq 0, \frac{x}{y} = 0 \Rightarrow x = 0 \quad \text{ب - ۱}$$

$$x \neq 0, y \neq 0 \Rightarrow xy \neq 0 \quad \text{الف - ۲}$$

$$xy = 0 \Rightarrow x = 0 \text{ یا } y = 0 \quad \text{ب - ۲}$$

$$x \neq 0 \Rightarrow x^{-1} \neq 0 \quad \text{۳ -}$$

$$(-1)(-1) = 1 \quad \text{۴ -}$$

$$(-1)x = -x \quad \text{۵ -}$$

$$(-x)(-y) = xy \quad \text{۶ -}$$

$$(-x)y = -xy \quad \text{۷ -}$$



طریق ۲ = ۱,۸۸
عضو بی اثر = ۸۷

نتیجه کلی: اکنون، با توجه به مطالب فوق، خود ما معنایی نتیجه می گیریم که از نظر علمی قوانین حاکم بر اعمال جمع و ضرب اعداد صحیح به صورت فوق و کاملاً دقیق است هر گونه شهود یا تمثیل یا شکل باید در چارچوب این قوانین انجام بگیرد و حتی دبیر نکته ریاضی پشت حکم ساده منفی در منفی می شود مثبت یا منفی در مثبت می شود منفی را توجه کرد آن گاه در بیان شهود دقت بیشتری خواهد داشت.

شهود جدول ضرب علامات: جدول علامات که معمولاً در کتاب محترم از دانش آموزان خود می خواهند حفظ کنند به صورت زیر است

×	+	-
+	+	-
-	-	+

خرج پول یا ریاضی دان و متخصص آموزش ریاضی متکر بیان این شهود از طریق مخزن آب است. بیان های دیگر این شهود اقتضای از فکر پولی و همان طرف آب است. در زیر هر یک از چهار شهود معروف آمده است:

۱- شهود منتهی قرارداد

الف- علی کار می کند یا علی دریافت می کند یا درآمد دارد را با علامت + قرارداد می کنیم

ب- علی بی کار است یا دریافت نمی کند یا خرج می کند را با علامت - قرارداد می کنیم

ج- بعد از، حادثه را با علامت - قرارداد می کنیم
د- قبل از، حادثه را با علامت + قرارداد می کنیم
حال به الگوها توجه کنید:

۱- احمد روزی ۵۰۰۰ تومان کار می کند او بعد از ۴ روز کار چقدر دریافت می کند؟

حل: روزی ۵۰۰۰ تومان کار می کند یعنی $+5000$
بعد از ۴ روز کار یعنی $+4$
در نتیجه:

$$+20000 = (+5000) \times (+4)$$

مثبت در مثبت می شود مثبت، $(+) \times (+) = +$

۲- علی روزی ۵۰۰۰ تومان کار می کند او ۴ روز بی کار بوده است چقدر دریافت نکرده است؟



حل: روزی ۵۰۰۰ تومان کار می کند: $+5000$
۴ روز بی کار: -4
در نتیجه:

$$-20000 = (-5000) \times (-4)$$

منفی در مثبت می شود منفی، $(-) \times (+) = -$

۳- رضا روزی ۵۰۰۰ ریال خرج می کند بعد از ۴ روز او چقدر خرج کرده است؟

حل: طبق قرارداد روزی ۵۰۰۰ ریال خرج می کنند: -5000
بعد از ۴ روز: $+4$
در نتیجه:

$$-20000 = (-5000) \times (+4)$$

مثبت در منفی می شود منفی، $(+) \times (-) = -$

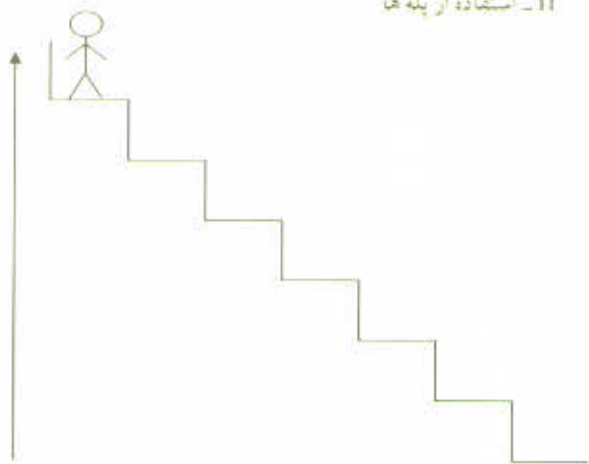
۴- محمود روزی ۵۰۰۰ ریال خرج می کند چهار روز قبل او چقدر بیشتر پول داشته است؟

حل: روزی ۵۰۰۰ ریال خرج می کند: -5000
چهار روز قبل: -4
در نتیجه:

$$+20000 = (-5000) \times (-4)$$

منفی در منفی می شود مثبت، $(-) \times (-) = +$

II- استفاده از پله ها



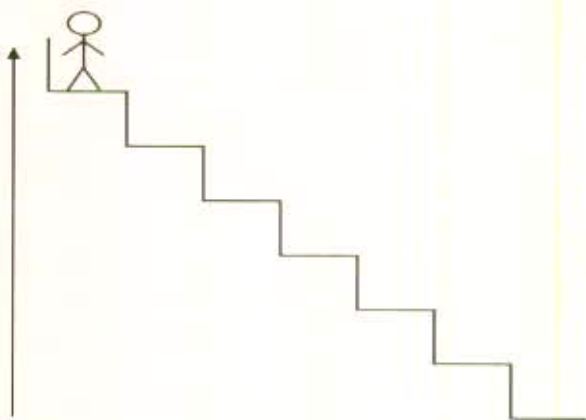
قرارداد

- ۱- بالا رفتن از پله ها یا بالا بودن را با +
- ۲- پایین رفتن از پله ها یا پایین بودن را با -
- ۳- بعد از، حادثه...
- ۴- قبل از، حادثه...



به الگوها توجه کنید:

۱- احمد در هر ثانیه ۲ پله بالا می آید، بعد از ۳ ثانیه چند پله بالا آمده است؟



حل: ۲ پله بالا می رود:

بعد از ۳ ثانیه:

در نتیجه:

$$+3 \times +2 = +6$$

مثبت در مثبت می شود مثبت: $(+) \times (+) = +$

۲- علی در هر ثانیه ۲ پله بالا آمده است ۳ ثانیه قبل او چند پله پایین تر بوده است؟

حل: ۲ پله بالا آمده:

۳ ثانیه قبل:

در نتیجه:

$$(-3) \times (+2) = -6$$

منفی در مثبت می شود منفی: $(-) \times (+) = -$

۳- رضا در هر ثانیه ۲ پله پایین می آید بعد از ۳ ثانیه او چند پله پایین می آید.

حل: ۲ پله پایین می آید:

بعد از ۳ ثانیه:

در نتیجه:

$$(+3) \times (-2) = -6$$

مثبت در منفی می شود منفی: $(+) \times (-) = -$

۴- احمد در هر ثانیه ۲ پله پایین رفته است ۳ ثانیه قبل او چند پله بالاتر بوده است؟

حل: ۲ پله پایین رفته است:

۳ ثانیه قبل:

در نتیجه:

$$(-3) \times (-2) = +6$$

منفی در منفی می شود مثبت: $(-) \times (-) = +$

III - استفاده از مخزن آب

حالا با توجه به روند و شیوه روش های I و II درک مطلب کتاب در صفحات ۳۱ و ۳۲ کتاب ریاضی دوم راهنمایی آسان می شود در کتاب نیز قرارداد زیر را دارد:

آب وارد مخزن می شود یا موجودی در بعد از ظهر:

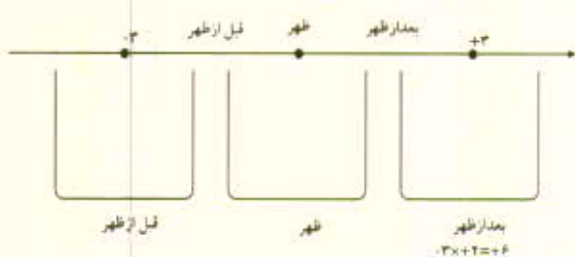
آب از مخزن خارج می شود یا موجودی در قبل از ظهر:

بعد از ظهر (یا در ساعت معین):

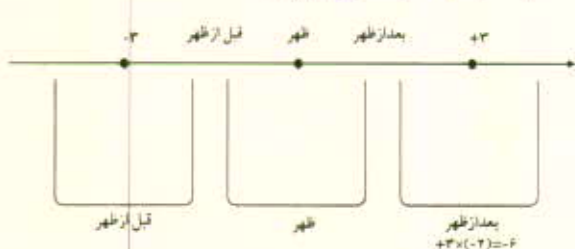
قبل از ظهر (یا در ساعت خاص):

ظهر یا ساعت معین مبدأ:

الف - آب وارد مخزن می شود:



ب - آب از مخزن خارج می شود:



IV - استفاده از مخزن آب و فیلم

در اینجا نیز قرارداد می کنیم:

- وارد شدن آب به مخزن:

- خروج آب از مخزن:

- جلو بردن فیلم:

- عقب برگرداندن فیلم:

در این مثال، حالت منفی در منفی خوب قابل توجه است یعنی: اگر آب در حال خروج از مخزن باشد (-) و فیلم را به عقب برگردانیم (-) دیده می شود که آب دوباره به مخزن وارد می شود (+) $(-) \times (-) = (+)$



لطایف جامی

لها یوم ای

لطایف

من الطیبن الطاهرین نیز می گویم و تو از آن نیرویی

چون تو دم از طبات می زنی و طیبی

گو صفت طیبین یا صفت طبات؟

• بهلول به هارون الرشید در آمد. یکی از وزیران گفت: شازد ناد میر

نو را ای بهلول که امیر المؤمنین تو را بر قرده و جنا بر سر دار گم داند.

بهلول گفت: گوش نه من دار و فرمان من به جانی از که این جسمه

رعایای منی

• پیری را بر سبند که می خواهی پدر تو بمیرد تا میراث و بی

نگیری؟ گفت: ای، اما می خواهم او را نکشد تا چنان که میراث

وی بگیرم خون بهای نیز بننام.

• خلیفه با اعرابی بی از بادیه طعام می خورد. در آن اثنا نظری

بر لقمه وی افتاد. مویی به چشم وی در آمد. گفت: ای اعرابی آن

موی را از لقمه خود دور کن. اعرابی گفت: بر مانده کسی که چندان

در لقمه خورنده نگردد که مویی را بپند طعام توان خورد. دست از

طعام باز کشید.

• روباه بچه ای نامدار خود گفت: مرا حبیبه ای بی مورد که چون

به کشاکش سنگ در مسم خود را از او برهانم. گفت آن را حبیله فراوان

است اما بهتر آن است که در خانه خود باشی. نه او تو را ببند و نه تو

او را ببی.

دیرویس

• عبدالرحمن جامی (۸۹۸-۹۸۷) شاعر، عارف و دانشمند عصر تیموری

است. به لحاظ اخلاقی جامی بر ادبیات فارسی، پادشاهی او، اندک سعدی آخرین

شاعر از شعران بزرگ کلاسیک ایران می دانند. در زمینه عرفان نیز از نظر توانایی

و به شرح معضلات تصوف و عرفان او را در صفت بزرگترین مؤلفان و شاعران

عارف و صوفی مشرب پارسی گو قرار می دهد. جامی لطایف از کتاب «بهشتیان»

جامی برگزیده است. بهشتیان را جامی به عقیده از کسب معنی، به شرف و بهشت

نوشته است و البته می داند که هیچکس چنین کسب معنی را به سر نرساند

و هیچکس را و به نوشته است.

• نایبانی در شب تاریک چراغی در دست و سویی بر دوش در

راهمی می رفت. فصولی به وی رسید و گفت: ای نادان روز و شب

پیش تو یکسان است و روشنی و تاریکی در چشم تو برابر. این چراغ

را فایده چیست؟ نایبان خندید و گفت: این چراغ نه از مهر خود است.

از برای چون تو که در دل بی جرد است تا تا من بهلو بزندی و سویی

مرا بشکند.

• حاحظ گوید: هرگز خود را چنان حجل ندیدم که روزی زنی

مرا بگرفت و به دکان استاد ریخته گرد برد که: همچنین! من متحیر

شدم که آن چه بود. از آن استاد پرسیدم. گفت: مرا فرموده بود که

تمثالی بر صورت شیطان برای من بساز. من گفتم نمی دانم که بر چه

شکل می باید ساخت. تو را آورد که یعنی بدین شکل.

• ظریفی شخصی را دید که موی بسیار بر روی او دیده بود.

گفت این موی ها را بکن پیش از آن که روی تو سر گردد.

خواجہ روزی اکثر نه مو چینه

از رخ خود نه موی بر گیرد

چند روزی چو بگذرد روی

رویش از موی، حکم بر گیرد

• معاویه و عقیل بن ابیطالب با هم نشسته بودند. معاویه گفت:

ای اهل شام هیچ شبیده اید قول الله تعالی را، آنجا که می گوید: ثبت

بدا ای لیه و تب؟ گفتند آری. گفت: ای لیه عم عقیل است.

عقیل گفت: ای اهل شام هیچ شبیده اید قول الله تعالی را آنجا که

می گوید: و امراته حماله الحطب؟ گفتند آری. گفت حماله الحطب

عصه معاویه است.

چون نیست در تو منفعتی عیب دیگری

کردن به آن نه قاعده مرد با هوش است

• عنویی شخصی در انبای خصوصت گفت: مرا چون دشمن

می داری، و حال آن که تو مأموری به آن که در هر نماز بر من صلوات

فرستی و بگویی: اللهم صل علی محمد و علی آل محمد. گفت:

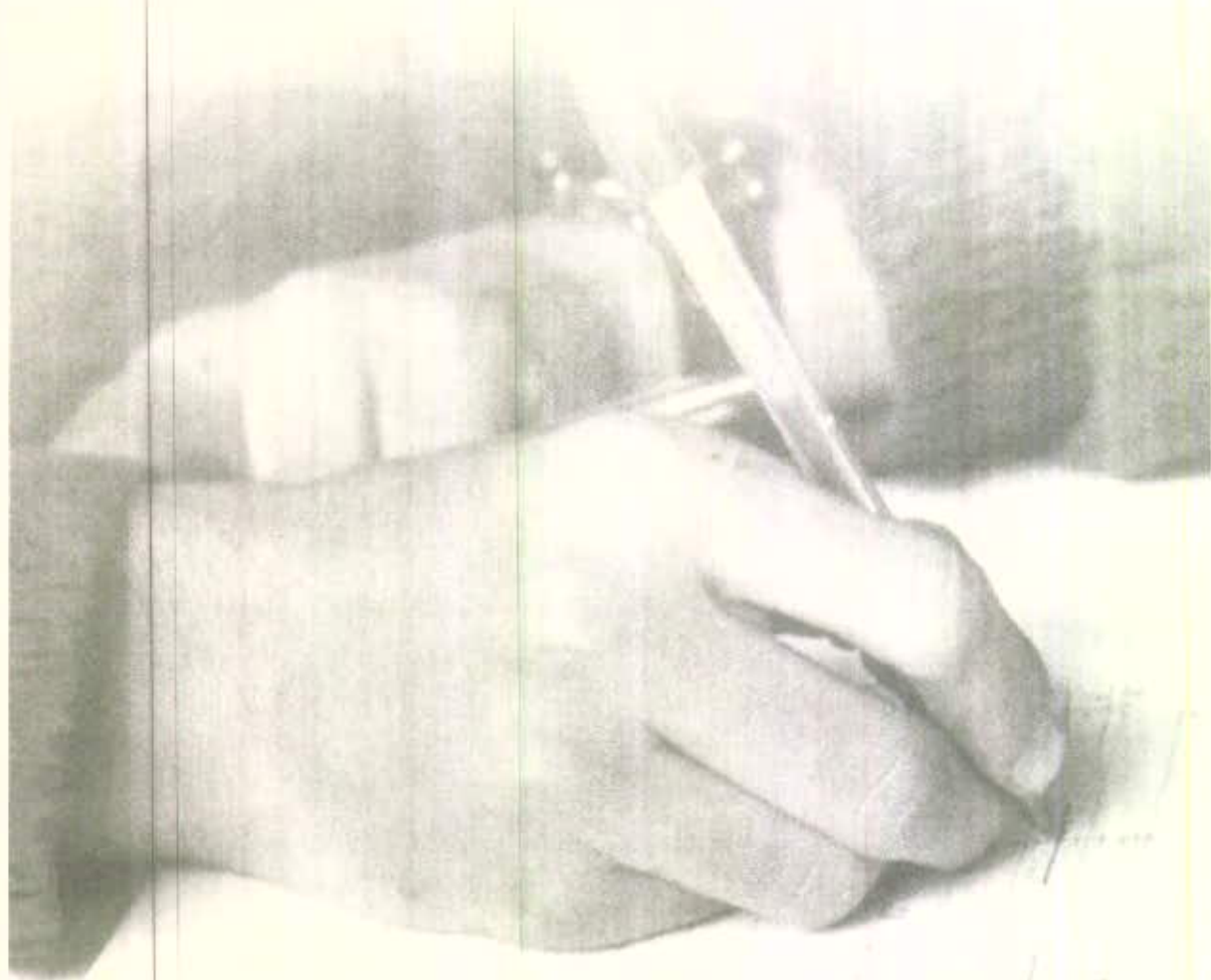
ایستاد
نوشته
لطایف

به تسلل جدید پیاموزید که کتاب ها را همچون دست افزار های طبیعی به کار برند، و آسان و راحت در کتابخانه ها به کتاب های مورد نظر و کتاب های مرجع، مراجعه کنند و بتوانند کتاب های مطابق ذوق و سلیقه خود را بیابند و بخوانند و از آنها لذت ببرند.

وظیفه آموز شگاه تنها آن نیست که کلمات را به شاگردان پیاموزد، بلکه باید برای ایشان فرصت هایی فراهم کند که در انواع فراوان خواندنی ها، صاحب ذوق و سلیقه و حسن تشخیص شوند. کمال موفقیت هر تعلیم و تربیت در آن است که دانش آموزان عشق به خواندن پیدا کنند و بدانند که چگونه می توانند پیوسته کتاب هایی برای خواندن به دست

آورند. هدف چنین تربیتی باید آن باشد که خوانندگانی با حس تمیز و تشخیص فراهم آورد، تا چنان باشد که خواننده، برای آن که درباره کتابی قضاوت کند، خوب مدارک و اسناد را بسجد، در استدلالات نظر کند و واقعیت ها را از غریبال انتقاد بگذراند.

نی. بی. شپرد
ترجمه: احمد آرام



اقتراحات

○ مطالعه داستان های اساطیری و افسانه ای چه تأثیری بر روحیه و رفتار دانش آموزان دارد؟ آیا شما خواندن آنها را توصیه می کنید؟

□ محمدرضا مسگری قصه ها و داستان ها، پرواز گاه تحلیلی، فرصت انصاف خود و دنیای خود با فرهنگ مان و شخصیت ها و طیفی مناسب برای نو شدن ارزش ها، قصصیت ها و شایسته ها و دایسته ها به مخاطب هستند.

بایگه و جایگاه قصه آن چنان رفیع است که کتاب الله (قرآن) با ۴۸ قصه، به النقیال و القای پیام های خویش پرداخته است. اولین کتاب شریف در آیه ۳۰ سوره بقره - دومین سوره - به اولین قصه خود - داستان آدم - می رسد و تا ماجرای اصحاب قیل، آخرین قصه خود را به فرجام و سرنجام می رساند.

پیش از پاسخ به پرسش مطرح شده و پس از این مقدمه لازم، باید دقت کرد که مفهوم «اسطیر» در قرآن با مفهومی که در گستره ادبیات می بینیم آمیخته و یگانه نشود. چرا که اسطیر در قرآن خلقتی می شود و منظور از اسطیر، بافته ها و ساخته ها و پرداخته های ذهنی در هیئت داستان یا جز داستان است که نه قصه سرگرمی محض با تخیل و تخریب ذهن و ضمیر به کار می گیرند.

اگر اسطیر از جنس شاهنامه و افسانه ها از جنس کلیله و دمنه باشند و به قول فردوسی،

شاید

اشاره:

اقتراح در لغت به معنی «خواستن، آرزو کردن، بی اندیشه سخن گفتن» به قریحه خود امری تازه آوردن اختیار کردن و در اصطلاح به معنی «مسئله ای را در معرض افکار دیگران گذاشتن و نظر آنان را خواستن» [فرهنگ معین] است. و ما در این اقتراح پاره ای از مسائل مربوط به کتاب و کتاب خوانی را در معرض نظر و پاسخ گویی تنی چند از صاحب نظران و مسئولان فرهنگی گذاشته ایم. شبیه ما چنین است که سؤال های متعددی را مطرح کرده ایم ولی درباره هریک با توجه به موقعیت علمی و اجرایی یکی از حاضران در اقتراح، پاسخ آن را خواسته ایم. ضمن تشکر از این عزیزان، توجه شما را به آن جلب می کنیم.

دکتر محمد علی باقری



سید محسن گلدانفار، مدیر کل دفتر کمک آموزشی

محمد رضا سنگری:
باید دقت کرد که مفهوم
«اساطیر» در قرآن با
مفهومی که در گستره ادبیات
می‌یابیم آمیخته و یگانه
نشود، چرا که اساطیر در
قرآن تخطئه می‌شود و منظور
از اساطیر، بافته‌ها و ساخته‌ها و
پرداخته‌های ذهنی در هیئت
داستان یا جز داستان است



محمد رضا سنگری، نویسنده و کارشناس ادبیات

از همه هدف‌های فوق‌مهم‌تر و به عبارتی بیان تمامی هدف‌های فوق در یک جمله، «مطالعه کتاب‌های غیرداستانی دانش‌آموزان را برای ورود به دنیای آینده و یادگیری مادام‌العمر آماده می‌سازد». کسی که عادت به خواندن این گونه کتاب‌ها می‌کند، اطلاعات خویش را همواره تازه و زنده نگه می‌دارد.

○ به نظر شما نقش خانواده‌ها در ترغیب فرزندان به مطالعه یا بازداشتن آنان از این فعالیت چگونه است؟

□ محمد سید اخلاقی: اتفاقاً با دوستی که خودش اهل مطالعه است گفت و گو می‌کردم، صحبت از پسرش شد. به او گفتم «راستی پسر کتاب می‌خواند؟» خیلی سریع پاسخ داد: «ای بابا، همان درس هایش را بخواند ما کلا همان را به هوا می‌اندازیم.»

بیشتر بچه‌ها اوقات فراغت خود را در تابستان به دیدن کارتون یا بازی‌های کامپیوتری می‌گذرانند.

والدین این بچه‌ها اغلب رغبتی به مطالعه ندارند، یا اگر هم دارند فرصت ندارند کتاب مناسبی برای خود و فرزندانشان انتخاب کنند. البته انتخاب کتاب مناسب برای هر مقطع سنی کار چندان ساده‌ای نیست. اما به نظر بنده لازم نیست برای این کار وقت زیادی صرف کرد. چون در حال حاضر

۳- خود دانش‌آموزان در این زمینه فعال شوند؛ البته با هدایت و جهت‌دهی مناسب دبیران، به ویژه دبیران زبان و ادبیات فارسی
۴- افسانه‌ها و اساطیر ملل دیگر نیز چه در کتاب‌های درسی و چه مجلات و نشریات دانش‌آموزی مطرح شود.

○ ضرورت خواندن کتاب‌های غیر داستانی (non fiction) برای دانش‌آموزان چیست؟

□ محمود امانی: بستر کتاب‌های درسی، بستری تنگ و کم‌انعطاف برای برآورده ساختن تمامی نیازهای اطلاعاتی، مهارتی و نگرشی دانش‌آموزان است. زیرا:
۱- دانش‌آموزان به اطلاعات فراوانی نیاز دارند که عموماً در قالب کتاب درسی ارائه نمی‌شوند.

۲- اصولاً پرکردن اوقات فراغت نوجوانان با اموری مفید و سودمند، خود یک هدف آموزشی و تربیتی و الا محسوب می‌شود. کتاب‌های غیرداستانی می‌توانند این دو هدف را به نحو بسیار مطلوبی برآورده نمایند.

۳- علاوه بر دو هدف فوق‌الذکر، کتاب‌های غیرداستانی زمینه مناسبی را برای رشد توانایی‌های فردی هر دانش‌آموز در زمینه‌های خاص مورد علاقه او (با توجه به تفاوت‌های فردی و علایق متفاوت دانش‌آموزان با یکدیگر) فراهم می‌سازد.

ضرورت رمزپایی و رمزگشایی نباید، آن‌گاه دیگر اساطیر و افسانه تحذیر این است که مجال پرورش و بالندگی ذهن و ذوق و شیوه بسیار مطلوب در القای مفاهیم و مضامین از جملد و سازنده خواهد بود.

وقتی افسانه‌های گذشته با این حمله آغاز می‌شد که یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچ‌کس نبود؛ وقتی مثنی و ماجرایی حوادث، به مرگ دیو و پایان‌باهی و سیاهی می‌انجامید؛ وقتی قهرمان افسانه برخاسته از محروم‌ترین طبقات جامعه بود و در نهایت داستان به موفقیت می‌رسید آیا حاصل و ره‌آورد این افسانه‌ها و اساطیر، القای روحیه امید، شتم‌ستیزی، کوشش و جوشش و جست‌وجوی راه‌های اندامی و ابتکاری برای موفقیت نیست؟

امروز نیز می‌توان به افسانه و اساطیر پرداخت. بسیاری از کارتون‌های موجود در سینما و فیلم‌هایی مانند گودزیلا، عنصر پنجم نیتی، جنگ ستارگان در سینما و سینما از این دست افسانه‌پردازی و اسطوره‌سازی هستند. حتی لایه‌های تخیلی از این ویژگی نیستند پیشنهاد می‌شود (برای دانش‌آموزان):

۱- افسانه‌ها و اساطیر گذشته را بازی، بازپردازی و بازآفرینی شوند.

۲- به افسانه‌های تازه توسط نویسندگان کودک و نوجوان پرداخته شود.



محمود امانی - کارشناس علوم

محمود امانی:
اصولا پرکردن اوقات فراغت
نوجوانان با اموری مفید و
سودمند، خود یک هدف
آموزشی و تربیتی والا محسوب
می شود. کتاب های
غیر داستانی می توانند این دو
هدف را به نحو بسیار مطلوبی بر
آورده نمایند.



داود غفارادگان، نویسنده

مطالعه بسیار مؤثر هستند. تا همین سگانه، دفتر انتشارات کمک آموزشی از سال ها قبل انتشارات مدرسه را راه اندازی کرده است که حاصل یک دهه تلاش این بخش نزدیک ۸۰۰ عنوان کتاب چاپ اول در موضوعات مختلف است (در سال ۷۸ حدود ۱۲۰ عنوان کتاب چاپ اول و ۱۵۰ عنوان تجدید چاپ داشته است) علاوه بر این بخش دیگری در دفتر عهده دار تولید کتاب شده است که حاصل این تلاش، در زمانی حدود دو سال، انتشار مجموعه کتاب های چلچراغ، جهره های درخشان و فرزندگان در معرفی شخصیت های علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، ادبی، هنری و ورزشی کشور از گذشته های دور تا به امروز است. به تازگی و انتشار مجموعه ایران شناسی در معرفی تصویری ایران و به لاخره تاریخ امام حسین (ع) علاوه بر این ها، فرهنگنامه قرآن کریم برای جوانان و طرح های متنوع دیگری نیز در دست اجراست آنچه به اختصار آمد فعالیت هایی است که دفتر مستقیماً عهده دار تولید آن است اما طرح دیگری به عنوان سامان بخشی کتاب های آموزشی (غیر درسی) تهیه شده است که هدف آن تشویق، حمایت و هدایت بخش خصوصی در تولید کتاب های آموزشی است. بر اساس این طرح هر ساله چشم اندازی به اثر کتاب های آموزشی منتشر می شود و کتاب های برگزیده آن مورد حمایت قرار

برخورند. آن وقت مترجمی که به جز کتاب های رشته تحصیلی اش حتی دو خط شعر نخوانده است بپایند و ببینند از چه تعبیر و عباراتی استفاده می کنند. در حالی که همین مترجم محترم اگر برای امراحت هم که شده مدتی از وقت خود را به مطالعه خاطرات سیاسی یا تاریخی و حتی چند زمانه ساده اختصاص می داد سفر خروج، باب دوم را به مهاجرت بنی اسرائیل از مصر به کنعان، فصل ۲، ترجمه نمی کرد یا به جای کمیوجه ضبط لایسنس آن کامپیوتر را نمی گذاشت.

(۲) دفتر انتشارات کمک آموزشی تاکنون چه اقدامات مؤثری - به جز انتشار مجلات رشد برای گسترش فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در میان دانش آموزان، معلمان و خانواده ها انجام داده است؟

۱- میدمحسن گلستان سازایی یکی از گام های مهمی که برای گسترش فرهنگ مطالعه باید برداشته شود تولید متنوع کتاب در شمارگان زیاد است با هر گروه به فرخور نیاز، سلیقه یا استعدادش. کتاب های مناسب را انتخاب کند و از آن بهره مند شود. متأسفانه مشکلات فراوانی وجود دارد که به رغم تلاش های مداوم و مستمر مسئولان فرهنگی کشور، رسیدن به این هدف را به کندی مواجه کرده است و چون از سوال شما فاصله می گیریم از پرداختن به آن می گذریم ولی باز تأکید می کنم که نوع در تولید کتاب و شمارگان زیاد از عوامل گسترش فرهنگ

نه جز کتاب تعداد زیادی مجله و روزنامه مخصوص کودکان و نوجوانان منتشر می شود. این کار یعنی کتاب خوانی را می توان با همین مجله ها شروع کرد و به آن بیشتر جنبه تفریحی داد تا تکلیفی و اجباری. بنگرانی عمده والدین از کتاب غیر درسی متنی بر این استلال است که خواندن این گونه کتاب ها فرزندشان را از درس و مشق و مدرسه باز می دارد و جذابیت های کاذب برخی از این کتاب ها، مخصوص در دوره نوجوانی و بلوغ مشکل آفرین است. برخلاف این استدلال، تجربه نشان داده است که مطالعه خارج از دروس نتایج مفیدی دارد. چون هم نوعی استراحت ذهنی است و نوجوان را برای مراجعه مجدد به کتاب درسی آماده تر می کند و هم از لحاظ کاربری واژگان و اطلاعات عمومی به یقین یک سر و گردن از همسالان خود بالاتر خواهد بود. اصلاً چرا دور برویم، حداقل مزیتی که این دسته از کتاب ها دارد این است که در درس دیکته و آتش این افراد نسبت به بقیه موفق تراند. شاهدهی برای مثال مترجمان آثار علمی و فنی اند. بعضی از این مترجمان تا آنجا که صحبت از فرمول و معادله و واکنش شیمیایی و ... اینهاست بسیار روان متون اصلی را ترجمه می کنند. اما خدا نکرده در جایی از متنی به یک مطلب توصیفی یا تاریخی یا مفهومی که در حوزه آن رشته نیست

آموزش و پرورش



علی عبدالقایی مدیرکل امور فرهنگی و هنری

به میزان ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ویژه دوره راهنمایی بود.

ب- در دست اقدام

۱- چاپ فهرست کتاب های مناسب ویژه دوره راهنمایی با ۲۰۰ عنوان کتاب مشتمل بر خلاصه کتاب و اطلاعات مورد نیاز دیگر

۲- تشکیل شورای ترویج فرهنگ کتابخوانی و ایجاد کتابخانه در مدارس و مراکز آموزشی و فرهنگی. این شورا با عضویت افرادی صاحب نظر در آینده تشکیل خواهد شد و در واقع مرجع تصمیم گیری در خصوص کتابخانه های مدارس خواهد بود.

○ تجربه شما از کتاب خوانی، از کودکی تا به امروز، به طور خلاصه چیست؟

□ داود غفارزادگان: اولین کتابی که به دستم افتاد، خلاصه بسیار کوتاهی از یک رمان معروف بود. احتمالاً کلاس سوم یا چهارم ابتدایی بودم. گوشه خلوتی گیر آوردم و با ولع شروع کردم به خواندن. می خواستم هر چه زودتر از پایان ماجرا سردر بیاورم. عجله داشتم و از روی کلماتی که بلد نبودم، می پریدم. وقتی کتاب را بستم، دنیای تازه ای پیش رویم گشوده شده بود. رفتم و عضو کتابخانه تازه تأسیس شهرمان شدم. بعد از آن دیگر کتاب از دستم نیفتاد تا حالا که چهل سال را پشت سر گذاشته ام. اما درس هایی که در این مدت یاد گرفته ام، شنیدنی ست:

احمد سمیعی:

اگر ما علاقه داشته باشیم به حرفه خودمان، واقعاً میدان بسیار وسیعی هست؛ و این برای مطالعه خود ما هم جالب است. از بچه ها بروزاتی خواهیم دید که انتظارش را نداشتیم و همین معنی است که درس زبان و ادبیات فارسی را جذاب می کند.



احمد سمیعی کبلائی نویسنده و مترجم

می گردان شاء الله. اولین جشنواره کتاب های آموزشی برای دوره ابتدایی در پاییز سال ۷۹ برگزار خواهد شد، در همین راستا برای آگاهی معلمان، خانواده ها و دانش آموزان اولین کتابنامه رشد در معرفی حدود ۳۰۰ عنوان کتاب مناسب و مرتبط با مفاهیم درسی دوره ابتدایی در بهمن ماه ۷۸ منتشر شد و امید است هر ساله فهرستی از کتاب های مناسب ناشران کشور منتشر شود.

○ اهم اقداماتی که اداره کل امور فرهنگی و هنری جهت توسعه فعالیت های کتابخوانی و فرهنگ مطالعه انجام داده یا در دست انجام دارد چیست؟

۱- عبدالقایی: الف- اقدامات انجام شده
۱- برگزاری طرح جشن کتاب در کلبه مدارس راهنمایی کشور

این طرح، هم زمان با هفتمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران (آبان ماه سال ۱۳۷۸) با هدف ترویج فرهنگ مطالعه و توسعه و تجهیز کتابخانه های مدارس و جذب و جلب مشارکت های مردمی اجرا گردید.

۲- مسابقه سرآسمانی میلاد

این مسابقه، به مناسبت یکصدمین سال میلاد حضرت امام خمینی (ره) و به منظور آشنایی دانش آموزان با اندیشه ها و زندگی نامه امام راجل برگزار گردید که مرحله اول آن با شرکت ۱۰۳۹۶۶۳ نفر در

مدارس سراسر کشور انجام شد.

۳- چاپ و توزیع حواله های خرید کتاب به منظور توسعه و تجهیز کتابخانه های مدارس ده میلیارد ریال حواله خرید کتاب چاپ و در سطح مدارس کشور توزیع گردید که ۳۰٪ این حواله ها به ارزش ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مدارس راهنمایی اختصاص داشت و مدارس در هفته کتاب ضمن مراجعه به نمایشگاه های کتاب وزارت آموزش و پرورش نسبت به خرید کتاب های مناسب اقدام نمودند.

۴- گزینش و انتخاب کتاب

به منظور ورود کتاب های مناسب دانش آموزان به کتابخانه های مدارس فهرست توصیفی کتاب های مناسب در قالب یک جلد کتاب با عنوان «کتاب نما» چاپ و در سطح مدارس کشور توزیع گردید که ۱۵۰ عنوان آن کتاب های ویژه دوره راهنمایی است. این کتاب کار مدیران، مربیان و معلمان مدارس را در انتخاب کتاب تسهیل خواهد کرد.

۵- قبوض کمک به کتابخانه های مدارس

طرح چاپ و توزیع قبوض کمک به کتابخانه های مدارس به منظور جذب مشارکت های دانش آموزان، اولیا، نهادها و ارگان ها انجام شد و به میزان ده میلیارد ریال قبض در انواع ۵۰۰ ریالی، ۱۰۰۰ ریالی و ۲۰۰۰ ریالی چاپ و توزیع شد که ۳۰٪ آن

داود غفارزادگان:

روزی کتابی می خواندم که در آن به یک سؤال اساسی رسیدم. از یک ریاضی دان که در سن جوانی جایزه نوبل گرفته بود، پرسیده بودند که چه طور در آن سن به این مرحله از دانش پیچیده ریاضی رسیده است.

جواب داده بود: فقط کتاب استادها را خواندم.

این برای من که می خواستم داستان نویس بشوم، درس بزرگی بود.

محمد سید اخلاقی:

مطالعه خارج از درس نتایج مفیدی دارد. چون هم نوعی استراحت ذهنی است و نوجوان را برای مراجعه مجدد به کتاب درسی آماده تر می کند و هم از لحاظ کاربری و ازگان و اطلاعات عمومی به یقین یک سر و گردن از همسالان خود بالاتر خواهد بود.

داشتم گرمی خورشید، آبی آسمان و نشاط بازی را احساس می کردم و می دیدم هیچ کتابی برتر و بالاتر از خود زندگی نیست. ۲. روزی کتابی می خواندم که در آن به یک سؤال اساسی رسیدم. از یک ریاضی دان که در سن جوانی جایزه نوبل گرفته بود، پرسیده بودند که چه طور در آن سن به این مرحله از دانش پیچیده ریاضی رسیده است. جواب داده بود: فقط کتاب استادها را خواندم.

این برای من که می خواستم داستان نویس بشوم، درس بزرگی بود.

۳. به عنوان یکی از مؤلفان کتاب های فارسی راهنمایی پسر مایید برای تشویق شاگردان به مطالعه چه باید کرد؟

۴. احمد سمعی برای راحت ساختن دانش آموزان به مطالعه راه های گوناگونی وجود دارد. کتابچه در این زمینه نقش بسیار مهمی دارد. البته کتابخانه ای که کتاب بخاریه بدهد. من یک وقت خانه مان در تهران، طرف خیابان زاله اشهدا و آنجاها بود کامیونیتی اسکول (مدرسه آمریکایی ها) هم در یکی از کوچه های آن وجود بود. بچه های خارجی (انگلیسی زبان) در آنجا درس می خواندند. من می دادم وقتی رنگ مدرسه می خورد و اینها می آیند بیرون، هم کدام یک بار کتاب زیر بغل دارند. این کتاب ها را از کتابخانه گرفته بودند. یعنی معلوم به ایستادگی تکلیف کرده بود مثلاً مشخصاتی از فلان کتاب را شب بخواند و بعد بیاورد سر کلاس و درباره آن صحبت کنند. اگر کسی نمی خواند در

۱. اوایل هر چه دستم می رسید، می خواندم. انتخابی در کار نبود و فقط می خواستم بخوانم. روزی یکی به من گفت: مگر کلمات معرزه سماری ست که هر چی دستت می رسد توی آن می ری؟ راستش آن موقع این حرف به من بر خورد. رفتم جلو معرزه سماری دم محل مان ایستادم. معرزه ای در بگ و دراز بود و هزار رقم آب اشغال و خرده ریز در آن آلوده شده بود. همه چیز در هم، به درد نخور، اسقاط و غبار گرفته بود.

من هر اچر حسادم و از آن جا دور شدم. نمی خواستم داخل کله ام یک همچین جایی باشد.

۲. چند سالی گذشت. حالا شده بودم کرم کتاب. در ساعت ورزش بچه ها در حیاط مدرسه بازی می کردند ولی من در کلاس می نشستم و کتاب می خواندم. دیگر هر کتابی را هم نمی خواندم. به اصطلاح یک خط سیری برای مطالعه در نظر گرفته بودم. در آن سال از قصه معلم ورزش آمد که به قول بچه های امروزی به ادم گیر می داد. بچه ام را چسبید که تو هم باید مثل دیگران در ساعت ورزش، ورزش کنی. هر چه عذر و بهانه آوردم، به خر حش ترفتم. ناچار کتاب را گذاشتم کنار و رفتم حیاط. اما من چیزی بلد نبودم و از هیچ رشته ورزشی سر رشته نداشتم و فقط توی کتاب ها زندگی کرده بودم و در بیرون از کتاب ها ادم دست و پا چلفتی سی بودم. دستم رو شده بود و در بد مخصوصه ای افتاده بودم. کم کمک فانی بچه ها شدم. تازه

کلاس تو می رفت و رسوا می شد. چون نمی توانست در مذاکره شرکت کند بابت سؤالات معلم جواب بدهد. معلم باید دانش آموزان را وادار کند که کتاب بخوانند و با کتابخانه آشنا شوند. بچه های فوق برنامه مثل منطوقه، خواندنی الی در جمع، دکلاماسیون و برنامه دیواری هم می توان آنها را تشویق کرد. آنها را پرورش فوق و علاقه مند ساختن به نوشتن بسیار مؤثر است. همچنین اسباحت در کلاس و کلاس را جدی در گرفتار و زنده کردن. مثلاً متنی را بخوانند آن وقت و آیه نکته ها و دقیقه هایش را از آنها پرسش و در جهشان را به ریزه کاری ها جفت کنند. بگ سلسله کتاب درسی زدن و اسه می خور آید که گزارش آن را به آموزش و پرورش دادم. در آنها دیدم که مثلاً داستانی می آورد بعد می پرسند که فردا فلانی که آمد در آن که در را برایش باز کرد چه برخوردی داشت؟ این برخورد را بوسلده با چه عذرتی بیان کرده است؟ یا مثلاً وقتی فلان خدشه روح داد رنگ و روی فلان کس چه گونه بود؟ یا توجیه می دهد که نویسنده یا چه فوت و فن هایشی فضاسازی نموده یا چیزی را توصیف کرده است. یعنی عملاً نویسندگی را یاد می دهد. بنابراین اگر ما علاقه داشته باشیم به حرفه خودمان، واقعاً میدان بسیار وسیعی هست و این برای مطالعه خود ما هم جالب است. از بچه ها برواتی خواهم دید که انتظارش را نداشته ام و همین معنی است که درس زبان و ادبیات فارسی را جذاب می کند.

از کتب و مجله های
مدرسه و کتابخانه

کتابخانه

ویژه نامه کتاب و کتاب خوانی

اولین کتاب

اغلب بر این عقیده اند که اولین کتابی که با دستنگاه چاپ، نه چاپ رنبد، انجیلی به نام انجیل گوتنبرگ است و در حدود سال ۱۴۵۴ میلادی در شهر ماینز آلمان توسط یوهان هته روم گنش فلایش زورلادن که همان «گوتنبرگ» است به چاپ رسید.

کوچک ترین کتاب

کوچک ترین کتابی که به صورت صحافی شده در معرض فروش قرار گرفته پادشاه کول پیر نام دارد که به اسعادی یک میلی متر در یک میلی متر در ۱۹۸۵ در اسکاتلند به چاپ رسید.

بزرگ ترین کتاب

بزرگ ترین کتاب جهان معروف به سوپر بوک به ابعاد ۳/۰۷ متر در ۲/۷۴ متر و وزن ۲۵۲/۶ کیلوگرم در ۳۰۰ صفحه در سال ۱۹۷۶ در شهر دنور آمریکا چاپ شد.

قدیمی ترین کتاب

قدیمی ترین کتاب خطی که تا به امروز سالم باقی مانده نسخه ای از «فرامیر داود» به زبان قطی است متعلق به ۱۶۰۰ سال پیش و در سال ۱۹۸۴ در مصر کشف شد.

جامع ترین دایرة المعارف

جامع ترین دایرة المعارف به زبان انگلیسی اینسایکلوپدیا بریتانیکا (Encyclopaedia Britannica) است که در حال حاضر در ۳۰ جلد و ۳۳۱۴۱ صفحه

چاپ و منتشر می شود و ۴۲۷۷ نفر در به وجود آمدن آن همکاری داشته اند.

پر تیراژترین کتاب

گفته اند که از کتاب جلد قرمز «برگزیده آثار مائوتسه تونگ» - رهبر انقلاب چین - معروف به کتاب سرخ در فاصله ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱، حدود ۸۰۰ میلیون نسخه فروخته یا توزیع شده است.

پرکارترین نویسنده

از میان پرکارترین نویسندگان جهان باید سوهو توکوتومی (۱۸۶۳ - ۱۹۵۷) اهل ژاپن را نام برد که تالیف یک مجموعه ۱۰۰ جلدی کتاب تاریخ را در ۴۲۹۴۲۵ صفحه طی ۳۵ سال کار مداوم به پایان رساند. و از رمان نویسان نیز خاتم کانلین لیتلی (۱۹۷۳ - ۱۹۰۳)، اهل افریقای جنوبی، با ۶ نام مستعار، در دوران زندگی اش ۹۰۴ رمان نوشت.

خردسال ترین نویسنده

دنيس والمراهل ایالت اوکلاههای آمریکا هنگامی که فقط ۶ سال داشت کتابی نوشت به نام جاشوا حرف گوش نمی دهد، که در سال ۱۹۸۷ در مسابقه ملی کتاب خردسالان برنده جایزه شد.

با سابقه ترین ناشر

با سابقه ترین ناشر جهان انتشارات دانشگاه آکسفورد انگلستان است که از ۱۴۶۸ تا امروز (۵۳۲ سال) بی وقفه مشغول کار بوده است.

بزرگ ترین کتابخانه

بزرگ ترین کتابخانه، کتابخانه کنگره در شهر واشنگتن آمریکا است با ۸۰ میلیون جلد کتاب و جزوه و نشریه و ... (سال ۱۹۸۴).

سطح زیربنای آن ۲۶/۱۴ هکتار و طول قفسه های آن ۸۵۶ کیلومتر است.

بزرگ ترین کتاب فروشی

بزرگ ترین کتاب فروشی بارنز اند نوبل، واقع در نیویورک است با ۱۴۳۳ مترمربع زیربنا و ۲ کیلومتر طول قفسه ها.

بیشترین تیراژ روزنامه

روزنامه ژاپنی یومیوری شیمبون ژاپن که تیراژ آن در آوریل ۱۹۸۹ به نزدیک ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ نسخه رسید پر تیراژترین روزنامه جهان است.

بیشترین تیراژ مجله

پر تیراژترین هفته نامه جهان تی وی گاید (راهنمای برنامه های تلویزیونی) چاپ امریکاست که تیراژ آن در سال ۱۹۷۴ به مرز یک میلیارد نسخه در سال رسید؛ یعنی به طور متوسط هفته ای ۱۶/۳۰۰/۰۰۰ نسخه.

بزرگ ترین جدول کلمات متقاطع

بزرگ ترین جدول کلمات متقاطع که تاکنون در جهان به چاپ رسیده در کانادا تهیه شده که ۱۲۴۸۹ مورد در قسمت افقی و ۱۳۱۲۵ مورد در قسمت عمودی آن گنجانده شده است و حدود ۳/۵۵ مترمربع مساحت آن بود.

بزرگ ترین چاپخانه

بزرگ ترین مؤسسه چاپ کتاب در جهان شرکت آر. آره دانیل و پسران در شیکاگو است که در سال ۱۸۶۴ تأسیس شده و دارای ۱۵ مرکز چاپ در سراسر امریکاست. گردش مالی آن سالانه ۴/۱ میلیارد دلار است، سالانه بیش از ۱۳۳۰۰۰ تن مرکب چاپ و ۱/۶۴۵/۰۰۰ تن کاغذ و مقوا مصرف می کند.

آر. آره دانیل و پسران



رسالت کتابخانه*

آندره موروا

ترجمه اسماعیل سعادت

خواندن

تعمدن ما حاصل دانش ها و یادگارهای بر جانها ده تسل هایی است که پیش از ما رسته اند. ما نمی توانیم در این تمدن شرکت جویم، مگر آن که با اندیشه تسل های گذشته آشنا شویم. یگانه وسیله ای که مدارایه این مقصود می رساند و میر انجام مردمی تربیت یافته بار می آورد خواندن است. هیچ چیز نمی تواند جایگزین خواندن شود. نه سخنی که در لفظ بیاید چشیدن قدرت تریبی دارد و نه تصویری که بر پرده سما تابد. راست است که تصویر برای نمایان تر کردن نوشته و مینه پر از شی است، ولی در ساحتی

تصورات کلی چندان توانا نیست. فیلم نیز مانند نطق و خطابه زودگذر و فناپذیر و باز یافتن آن کاری دشوار و بلکه محال است، اما کتاب در سراسر زندگی پیوسته همدم ما می ماند. مونس می گفت که نمی تواند پیوند از سه چیز بگسلد: عشق و دوستی و کتاب؛ و این هر سه کم و بیش همانندند. با کتاب ها هم می توان دوستی ورزید؛ کتاب ها در دوستی همیشه ثابت قدم و وفادارند. من کتاب ها را چه بسا قرزانه تر و دل آویز تر از نویسندگانشان یافته ام. زیرا نویسنده از وجود خود آنچه را بهتر است به آثارش می بخشد و هنگامی که با او گفتگو می کنیم سخنانش، هر چند لبریز از معنی باشند، می گیرند و از میان می روند، اما از راز کتاب همیشه می توان پی جویی کرد. گذشته از این، میلیون ها تن می توانند کتاب یا کتاب هایی را دوست بدارند، بی آن که این دوستی مشترک روشنی میانشان برانگیزد. آثار بالزاک و دیکنز و تولستوی و سروانتس و گونه و دانه و ملویل پیوندهای شگفتی میان مردمی که به کلی از هم جدا نیستند پدید می آورند. من و یک ژاپنی یا یک روسی یا یک آمریکایی، هر چند باهم بیگانه ایم، اما دوستان مشترکی مانند ناتاشای جنگ و صلح و فابریس صومعه پارم و میکاویر دیوید کاپر فیلد داریم.

کتاب وسیله ای است که ما را از حد خود فراتر می برد. هیچ کس خود آن اندازه تجربه ندارد که دیگران و خود را به خوبی بشناسد. همگی در این جهان بیکران و فرو بسته خود را تنها می یابیم و از آن رنج می بریم؛ بیداد زمانه و دشواری های زندگی آزارمان می دهد. کتاب ها می آموزند که مردمی بسیار بزرگ تر از ما نیز چون سارترج برده اند و در جستجوی حقیقت کوشیده اند. آنها درهای گشوده ای بر اندیشه های دیگر و بر ملت های دیگرند. به یاری آنها، ما می توانیم از تنگنای جهان کوچک خود بگریزیم؛ از برکت آنها، ما از تفکر درباره خودمان رهایی می یابیم. شبی را در کار خواندن کتاب هایی بزرگ به سر آوردن برای جان همان قدر سودمند است که گردش در کوهستان برای تن. آدمی از این ستیغ های بلند یا سینه و سری شسته از آلودگی ها و نیرومندتر و آماده تر بازمی گردد تا با سختی هایی که در دشت های زندگی روزانه می باید دلیوانه پیکار کند.

کتاب بیگانه وسیله شناختن اعصار گذشته و بهترین وسیله وقوف بر احوال اجتماعی است که از دست رس مایرون است. تئاتر فدریکو گارسیا لورکا نکته هایی از روح پنهان اسپانیا را بر من آشکار می کند که اگر بیست بار به رسم جهان گردان به آن دیار سفر کنیم، یکی از آنها را نخواهم آموخت. جحوف و تولستوی جلوه های راستین روح مردم روسیه را، که امروز نیز همچنان باقی است، به من بازمی شناسانند. «خاطرات» من سیمون آن قراتسه ای را، که دیرگاهی است که مرده است، برای من باز دیگر زنده می کنند، همان گونه که داستان های هاو ثورن یا مارک تواین آمریکای کهن را در تصورم می آورد و من وقتی که شباهت های شگفت انگیزی میان این جهان ها، که زمان و مکانشان از ما دور است، با جهانی که اینک

در آن زندگی می کنیم، می یابم، خوشحالیم صد چندان می شود. مردمان همه در خلق و خوی به هم شبیهند. هنگامی که من برای دانشجویان کاتزاس سیتی از مارسل پروست سخن می گفتم، روستا زادگان آمریکایی خود را در آیین قهرمانان فرانسوی بازمی شناختند. خلاصه آن که بیش از یک نژاد وجود ندارد، و آن هم نژاد آدمی است. مردان بزرگ با ما تنها از جهت قدر و منزلت فرق دارند و گر نه نهادشان با ما یکی است، از این روست که سرگذشت آنها برای ما این همه دلپذیر است.

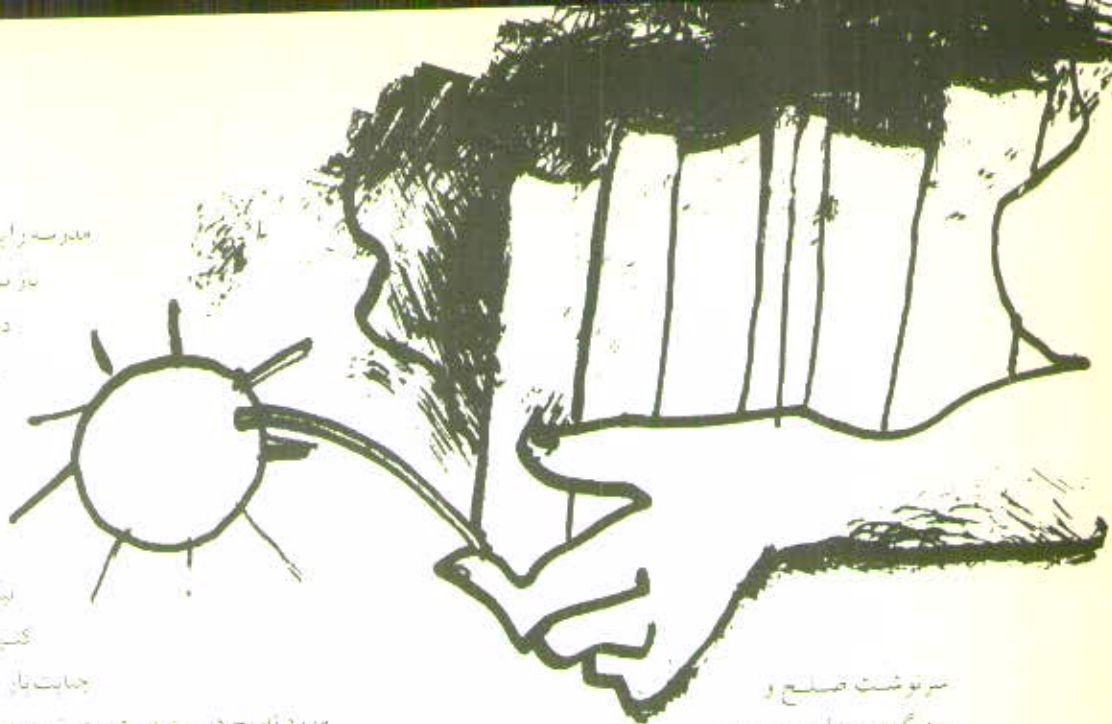
هر چند ما تا اندازه ای برای آن کتاب می خوانیم که از حد زندگی خود در گذریم و از زندگی دیگران آگاه شویم، با این همه، سبب شادی و نشاطی که از خواندن کتاب به ما دست می دهد تنها در این نیست. ما در زندگی روزانه خود آنچنان در حوادث غرقه ایم که نمی توانیم این حوادث را آشکارا ببینیم، و آن قدر دست خوش هیجانات روحی خویشیم که مجال لذت بردن از این هیجانات را نمی یابیم. زندگی بسیاری از ما خود داستانی است که از داستان های دیکنز و بالزاک چیزی کم ندارد، ولی ما نه تنها خود از این زندگی لذت نمی بریم، بلکه پیوسته از رنج آن نالانیم. هنر نویسنده در آن است که تصویر راستینی از زندگی پیش چشم ما می گذرد، ولی آن را در چنان فاصله ای از مانگه می دارد که ما، بی اندک بیم و احساس مسئولیتی، از آن لذت می بریم. کسی که رمان یا سرگذشت بزرگی می خواند در کشاکش حادثه بزرگی زندگی می کند، بی آن که صفای خاطرش از آن شوریده شود. همچنانکه سانتایانا گفته است، هنر چیزی را به تماشا می گذارد که آدمی در عمل نمی باید و آن زندگی است که همراه با آرامش باشد. خواندن کتاب های تاریخی سلامت اندیشه می آورد و درس اعتدال و تساهل می آموزد و نیز نشان می دهد که ستیزه جویی هایی که آتش جنگ های خانگی یا جهانی را برافروخته است امروز دیگر مشاجرات مرده ای بیش نیست، و این درسی است که ما را به فرزاندگی می خواند و به نسبی بودن ارزش ها معتقد می کند. کتاب خوب خواننده را آنچنان که پیش از خواندن بود نمی گذارد، بلکه او را به صفات نیکوتری می آراید.

کتابخانه

بنابراین، برای مردم جهان هیچ چیز مهم تر از آن نیست که این وسیله های گریز از خود و شناخت دیگران، که افق اندیشه ها را می گشاید و زندگی را یک باره دگرگون می کند و ارزش اجتماعی فرد را افزایش می دهد، در دست رس همگان قرار گیرد. یگانه راهی که این مقصود را بر می آورد ایجاد کتابخانه های عمومی است.

ما در زمانی زندگی می کنیم که در بسیاری از کشورها، که شماره شان رو به فزونی است، همه مردم از حقوق مساوی برخوردارند و در سازمان حکومت شرکت می جویند و افکار عمومی آنان است که از راه تأثیر در اعمال زمام داران، در آخرین مرحله،





مدرسه رایج پادشاهی، از حرکت
دروسی هستند، بلکه تاریخ پیوسته
در کار پیدا نموده است و هر
زمان مسائلی پیش می آید که
میراثت جهانیان به اهدایت
پیدا شده، اگر بر این
مسائل واقف باشیم
چگونه می توانیم از این دری
لیکو هواخواهی و پنداری
کنیم، به دلبستگی های
جهاندار به دستور و حاکم

مورد تاریخ درست است، در زمینه های اقتصاد سیاسی و همه
رشته های علوم و فنون نیز صدق می کند. در طی پنجاه سال گذشته
مردم جهان به دانش های تازه ای دست یافته اند و سان دانش های
کهن را در هم ریخته اند. چه کسی مردان و زنان این دگرگونی ها،
که حاکم بر زندگی و بهروزی الان است، آگاه است؟ اینها چه
کسی به آنان مجال خواهد داد تا، بی آن که از کار و رواج عقاید
کنند، با تازه ترین اکتشافات جهان دانش و همه آینه شوند؟ کتاب
و تنها کتاب

کتابخانه عمومی باید به کودکان و جوانان و مردان و زنان امکان
دهد تا در همه زمینه ها به پای همان گام پرورانه رسید تا کمال
بی غرضی و خیرخواهی اناری را در دست بی آن بگذارند و خود
صاحب نظر شوند و در کارهای عمومی پیش نهادی و سازنده خود
را به کار درازند. کتابخانه عمومی استعدادهای نهفته را نیز بیدار
می کند. صاحب ذوق و استعداد، که مجال پرورش خود نیافته اند،
با خواندن آثار بزرگان به سوی دانش و دست و پا می گیرند و به سهم
خود بر خدای گنجینه مشترک فرهنگ و تمدن جهان می افزایند.

بالاخره از همه بالاتر آن که کتابخانه ای که به خوبی مجهز و
درهای آن به روی همگان باز باشد قدر زندگی جوانان گسترده را بالا
می برد. در زمان ما، که ماشین نا جتنی جای گزین آدمی شده و وقت
فراتر افزایش یافته است، باید که این وقت ها هر چه بیکو تر در کار خیر
و صلاح افراد و اجتماع صرف شود. بی گمان ورزش و تفریح و مسیر به
این مقصود یاری می کند، اما هیچ چیز بهتر از خواندن کتاب نمی تواند.
مردمی به دانش آرمسته و جوانان موز و خیرخواه بار آورند. همان گونه که
کتاب های تاریخی و علمی اندیشه های توانا می سازند، دانش و
نمایش نامه بردل های مهربان می آفریند. جوانان که به نویسندگان بزرگ
کشوری را نیک می شناسد، حتی اگر به آن سرزمین برهنه باشد، حتی اگر
به زبان مرده آن کشور سخن بگوید، دیگر در آنجا بیگانه نیست.

از نویسنده

به انتخاب این مقاله را دانش آموزان در کتاب فارسی سال اول راهنمایی می خوانند
نوجه دبیران محترم فارسی را به مقایسه این دو متن جلب می کنند.

میراثت صلح و
جنگ و عدل و منعم و
خلاصه زندگی یک قوم یا عهد

جهاندار را تعیین می کند. این قدرت ملت، که همان دموکراسی
است، مستلزم آن است که نوده ها، که اینک سر چشمه قدرتشند، از
همه مشکلات بزرگ جهان آگاه شوند. من قبول دارم که باید این
مردم رفته رفته در مدارس دانش هایی فراگیرند، ولی اگر کتابخانه
به یاری مدرسه برنخیزد، چنین آموزشی راه کمال نخواهد پیمود.

گوش فرا دادن به درس شایسته ترین معلمان نیز نمی توانست به
نتایج زوایای روشن برورد. دانش آموز باید پندیشد و هر نکته ای
را به زرفی ببیند. نقش معلم در آن است که قالب های استواری بسازد
تا سپس خود آموزی آنها را پر کند. این خود آموزی جز با خواندن
حاصل نمی شود. هیچ دانش آموز به دانش جوی، هر قدر هم شگفت
و کارآمد باشد، نمی تواند به دلخواهی آنچه را جهان پس از هزاران
سال به متاعمان رسانیده اند از نو بسازد. هر تفکر و تعمق استواری،
پیش از هر چیز، تفکر و تعمق در اندیشه نویسندگان بزرگ است.
تاریخ، اگر به نقل وقایع و بیان اندیشه هایی اکتفا می کرد که معلم
می توانست در طی اندک ساعاتی بازگوید، چیزی می ارزشی می بود.
ولی اگر دانش جوی به راهنمایی معلم، در یادداشت ها و گزارش
شاهدان و امرها در جستجوی خود مواد و مصالح تاریخ برآید، آنگاه
این دانش نکته های گرانمای از زندگی به او خواهد آموخت.

خواندن تنها ورزش نیروبخش برای اندیشه نیست، بلکه آدمی
را از اثر پنهان حقیقت آگاه می کند، چرا که حقیقت هرگز ساده و
پیداخته به دست نمی آید و باید حقیقت خو خود آن را در پرتو کار و
تصیریت و پاکدلی دریابد. کتابخانه مکمل لازم مدرسه و دانشگاه
است. من بارها ترم می گذارم و از روی ایمان می گویم که آموزش
فقط کلیدی است که درهای کتابخانه را می گشاید.

این نکته بیش از همه در مورد آموزش بزرگسالان صادق است.
جوانی که می خواهد و طایف خود را با هشباری تمام به جا آورد باید
در سراسر زندگی یکدم از آموختن بیاماید. جهان، آن روز که مت

آموزش و تفریح

شعرهایی برای کتاب

مردمان کتاب خوان گویند
هر کتابی به راستی گنجی است
گنج با رنج می شود پیدا
لیکن این گنج، گنج بی رنجی است

✱

دوستان گر چه مهربان هستند
هیچ کس مهربان تر از او نیست
دوست هر قدر با خرد باشد
همچو او رهنما و ره جو نیست

✱

می شود بر تو باز روی جهان
نا شود بر کتاب چشمت باز
بر خطوطش که راه دانایی است
سفری در جهان کنی آغاز

✱

ننوالی شناخت مردم را
تا که خود را نخست شناسی
تا نخوانی کتاب های درست
خویش را در ست شناسی

البس گنج تنهایی کتاب است
فروغ صبح دانایی کتاب است
بودی مژده و منت اوستادی
زدانت بخشدت هر دم گشادی
درویش همچو غنچه از ورق پر
به قیمت هر ورق زان یک طبق در
ز یک رنگی همه هم روی و هم پشت
گر ایشان را زند کس بر لب انگشت
به تقریر لطایف لب گشایند
هزاران گوهر معنی نمایند
گاهی اسرار قرآن باز گویند
که از قول پیمبر راز گویند
گهیت از رفتگان تاریخ خوانند
که از آینده اخبارت رسانند

عبدالرحمن جامی

محمود کیانوش

چو بگشودم کتاب بسته خویش
چنین آرام با من گفت و گو کرد
درون سینه ام گنجی است پنهان
خوش آن کس که در من جست و جو کرد

✱

مرا لب بسته و خاموش مگذار
سخن ها با تو گویم در خموشی
ز من آموز آسان علم و اخلاق
نه فریادی بر آرم، نه خروشی

✱

چو دستی برگ بر گم می گشاید
همان دم دوستی آغاز گردد
سخن ها، قصه ها گویم به او باز
چو با من لحظه ای دمساز گردد

✱

کتابم! دوستدار بی زبانی!
که دارم صد زبان چو با تو هستم
چو می بندی، نشینم چشم در راه
که باز آیی و برگیری به دستم

✱

میر از یاد خود این آشنا را
که همراه تو می آید شب و روز
گرامی تر ز من یاری نیایی
ز من با مهربانی دانش آموز

پروین دولت آبادی

کتاب ای آشنای مهربانم
به تنهایی رفیق و همزیانم
تو را در دست می گیرم شبانگاه
کنی روشن به پیش چشم من راه
چه آرام از تو می آموزم ای دوست
سخن هایی که شیرین است و نیکوست
تو خاموشی ولی در گفت و گویی
چنان آینه با من رو به رویی

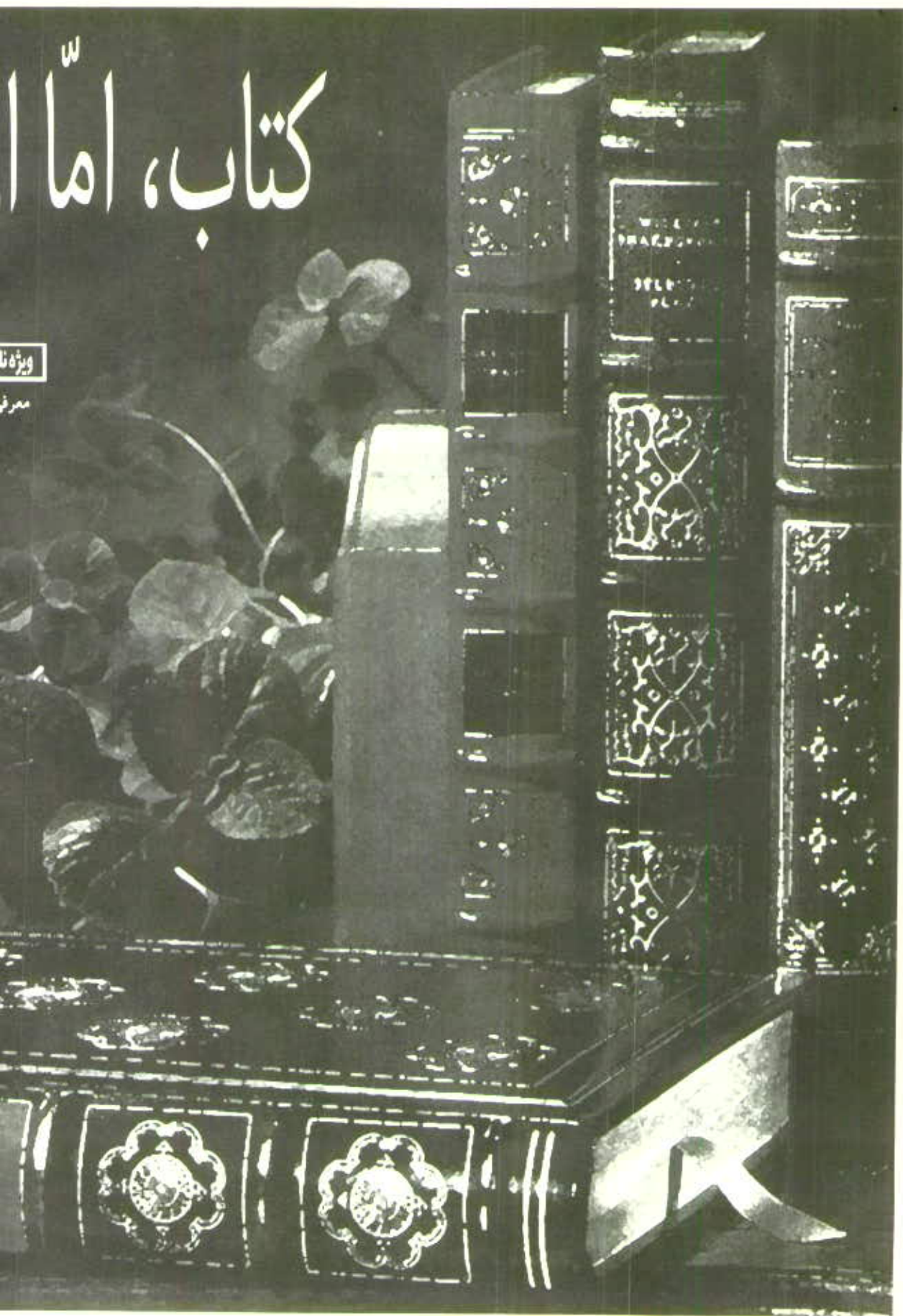
پروین دولت آبادی

دوستداران کتاب

کتاب، اما

ویرانه‌ها

معرفی



وعی دیگر!

محمود امانی طهرانی

خوان

« و پیشینه دوره

ACU مرکز فرهنگی یونسکو در آسیا و اقیانوسیه است. مرکز، یک سازمان غیرانتفاعی است که در راستای اصول یونسکو به فعالیت های منطقه ای می پردازد و در جهت ایجاد یک فهم مشترک و همکاری فرهنگی در بین مردم این منطقه تلاش می کند. «ACCU» در سال ۱۹۷۱ تأسیس شده و مرکز دائمی آن در ژاپن است. «ACCU» سه بخش اصلی دارد:

۱. بخش بهبود و توسعه کتاب و سواد (Book and Literacy Development Division)

۲. بخش روابط فرهنگی (Cultural affairs Division)

۳. بخش امور عمومی (General affairs Division)

فعالیت های بخش بهبود و توسعه کتاب به طور عمده عبارت است از:

● چاپ مشترک کتاب در آسیا و اقیانوسیه

این فعالیت از سال ۱۹۷۰ شروع شده و هدف آن، تهیه کتاب های با کیفیت، اما با قیمت پایین در کشورهای آسیایی است.

تاکنون در این رابطه، کتاب های «درخت»، «آب»، «خورشید» و «زمین» درباره محیط زیست در ۴۲۰۰ نسخه (به زبان انگلیسی) به چاپ رسیده و برای ۳۶ کشور آسیا و اقیانوسیه ارسال شده است.

● دوره های آموزشی درباره تولید کتاب

این فعالیت از سال ۱۹۶۶ شروع شده و هر ساله لااقل یک دوره آموزشی با شرکت متخصصان در زمینه های مختلف مربوط به تولید کتاب در توکیو برگزار می شود. سی و دومین دوره آموزشی «ACCU» از ۲۶ اکتبر تا ۹ نوامبر ۱۹۹۹ درباره نحوه تولید کتاب های غیرداستانی در توکیو برگزار شد.

● ارسال کارشناس برای برگزاری دوره های آموزشی در زمینه تولید کتاب

● اهدای جایزه تصویرگری کتاب؛
● چاپ نشریه ABD (درباره بهبود وضعیت کتاب در آسیا و اقیانوسیه)؛
● همکاری با برنامه «APPREB»؛
سوادآموزی و بهبود کتاب یونسکو در آسیا و اقیانوسیه است.

از نکات مهم این که:

● بودجه «ACCU» عمدتاً توسط دولت ژاپن (۹۰ درصد) و کمک های بخش خصوصی (۱۰ درصد) تأمین می شود و در سال مالی ۱۹۹۹ معادل ۳۹۷ میلیون یین بوده است. (حدود

۳/۷ میلیون دلار).

● سایت رایانه ای اینترنت «ACCU» در ژانویه ۲۰۰۰ گشایش خواهد یافت و اطلاعات مربوطه را به سهولت در اختیار کشورهای منطقه قرار خواهد داد.

اشاره: دانش آموزان در دوره راهنمایی، چندان عادت به کتابخوانی ندارند و کتابخوانی زمانی اندک از اوقات فراغت ایشان را به خود اختصاص می دهد. همین زمان اندک نیز عمدتاً صرف خواندن کتاب های داستان می شود. این در حالی است که کتاب های غیرداستانی به لحاظ اهمیت آموزشی و قابلیت اتصال به موضوعات درسی می توانند نقش اساسی تری را در برنامه های مدارس به خود اختصاص دهند. واقعیت این است که اگر دانش آموزان بتوانند در ارتباط با هر موضوع درسی و همچنین در ارتباط با موضوعات مورد علاقه خود کتاب هایی را در کتابخانه مدرسه بیابند که اطلاعات ایشان را در آن زمینه فزونی بخشد و به لحاظ سطح و محتوای آموزشی نیز برای ایشان مناسب باشد، در کتابخانه مدرسه اقبال بیشتری نشان خواهند داد.

مقاله ضمیمه گزارش یک کارگاه آموزشی است که درباره تولید کتاب های غیرداستانی در ژاپن به وسیله مرکز فرهنگی یونسکو (ACCU) برگزار شده است. امیدواریم چاپ این مقاله سبب شود که از این پس، موضوع کتابخوانی در مدارس مورد توجه جدی تر معلمان قرار گیرد و ناشران نیز به تولید کتاب های مناسب برای گروه های سنی نوجوان و جوان توجه عمیق تری بنمایند.

رشد



مذهبی، ادبی و ...): دفتر انتشارات کمک آموزشی

۴. مجموعه فرهنگ نامه کودک و نوجوان

(که تاکنون پنج جلد از آن انتشارات کمک آموزشی منتشر کرده است)

۵. کتاب های علمی کودکان و نوجوانان با اشعار مختلف که اکثر آنها جمیع کتاب های خارجی هستند

۶. مجموعه کتاب های مربوط به حفاظت از محیط زیست: سازمان حفاظت از محیط زیست ایران

۷. مجموعه کتاب های فرهنگ ای دک و نوجوان (تاریخی) توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی

۸. کتاب آفریننده دیابت چه می دانیم؟! توسط انجمن دیابت ایران برای نوجوانان دبلی

۹. پاره ای از کتاب های کتابخوانی فکری کودکان و نوجوانان در مورد هوش دینی و ...

۱۰. کتاب های مذهبی کودکان که برای جوانان و نوجوانان نوشته می شده است. انتشارات دیگر کتاب های بیشتر این گونه را می پردازند. این گونه کتاب ها که چه تحت عنوان کتاب های مذهبی منتشر می شوند و یا صرفاً جنبه فلسفی و جالب یادآوری از موضوع های اجتماعی، شخصی، اخلاقی، تربیتی و حتی بهداشتی را برای بچه پویش قرار می دهند

با این حال شاید آنچه اهمیت دارد در میان کتاب های فوق، پاره ای از زمینه ها است که شاید بتوان گفت از اهمیت بیشتری برخوردارند. پایه کلی معقول واقع شده اند و بنا به کتاب های منتشر شده در مورد آنها به دسترس جد قابل قبول است. موضوع های مسی

کتاب های غیرداستانی (Non-Fiction)

به طور کلی، کتاب های که موضوع آن ها را مسائل واقعی و غیرتخیلی تشکیل می دهد، کتاب های غیرداستانی نامیده می شوند. این گونه کتاب ها برای گروه های مختلف می تواند در دسترس دو ساله گرفته تا افراد مسنند جامعه منتشر می شوند و بدینوسیله است که هر کتاب، گروه می مخاطب خاص خود را دارد. زمینه های اصلی تولید کتاب های غیرداستانی عبارت است از: علوم طبیعی؛ علوم اجتماعی؛ مذهب و عقاید؛ ورزش و تفریحات؛ هنر؛ اخلاق؛ تجارت؛ محیط زیست؛ روابط اجتماعی؛ زندگی نامه؛ مسائل اجتماعی و ...

* اهمیت کتاب های غیرداستانی (به ویژه برای جوانان)

اصولاً آماده سازی جوانان برای ورود به دنیای بزرگ سالان، مسئولیتی مهم برای تمام دولت امروزیان نظام رسمی و غیررسمی تعلیم و تربیت محسوب می شود. کتاب های درسی نمی تواند به تنهایی این مسئولیت را به انجام رساند. جوانان نیازمند آن هستند که در سبزی مواد دانش و اطلاعات لازم برای داشتن زندگی بهتر و گذار سالم از دوران جوانی به دوران بزرگسالی را در اختیار داشته باشند. کتاب های غیرداستانی می توانند این نیاز اساسی را با چندین روش برآورده کنند. به ویژه در زمینه هایی که نیاز بیشتری احساس می شود و رسانه های دیگر نمی تواند نقش چندانی را به طور مستقیم بر عهده بگیرد (مانند آموزش های جسمی، مواد منفجره، مباحث و ...). نقش کتاب های غیرداستانی بسیار اساسی است.

کتاب های غیرداستانی می تواند جنبش های مثبتی را در جامعه، به ویژه در میان جوانان پدید آورد. البته شرط آن که از ویژگی های لازم کیفی - که این گونه کتاب ها باید داشته باشند - برخوردار باشند. هم چنین تجربه نشان می دهد که کتاب های غیرداستانی می تواند در جهت تسخیر های اجتماعی، به ویژه در جامع در حال توسعه - که گاهی تسخیر در آن هایک امر اجتناب ناپذیر محسوب می شود - نقش به سزایی ایفا کند. از این رو، لازم است که نویسندگان و ناشران با برنامه های مشخص به تولید این گونه کتاب ها روی آورند و زمینه های تشویق لازم برای موفقیت این گونه کتاب ها را نیز فراهم آورند.

* وضعیت کنونی کتاب های غیرداستانی در ایران

در بین کشورهای آسیایی، تولید کتاب های غیرداستانی در کشور ما، نسبت به بسیاری از کشورهای از وضعیت بهتری برخوردار است و ناشران، کتاب های گوناگونی را برای گروه های مختلف تهیه تولید و منتشر کرده اند. از میان کتاب های منتشر شده می توان به:

۱. مجموعه کتاب های محصولات استراتژیک کشاورزی انتشارات مدرسه
۲. مجموعه ایران شناسی برای دو گروه بزرگ سال و نوجوان دفتر انتشارات کمک آموزشی (در حال تکمیل)
۳. مجموعه کتاب های چلچراغ و چهره های ترحشان (پروژه ای برای آشنایی دانش علمی و

آموزش و تفریح



- بیان تجربیات شخصی مؤلف (مثال: نویسنده‌ای که می‌خواهد درباره معلولان بنویسد باید خودش چند روز با صندلی چرخ‌دار به این طرف و آن طرف برود)؛
- داشتن یک چشم‌انداز جزئی‌نگر (Micro Perspective) در کنار یک چشم‌انداز کلان‌نگر (Macro Perspective)؛ مثلاً وقتی کتابی درباره آمریکایی‌های آسیایی تبار می‌نویسیم؛ بهتر است روی زندگی یک فرد خاص (مثلاً یک خبرنگار مشهور آمریکایی که اصالتاً کره‌ای بوده است) متمرکز شویم تا کتاب جذاب‌تر شود.

مشکلات تولید کتاب‌های غیرداستانی

به طور کلی، مشکلات عمومی تولید (عرضه و تقاضا) کتاب‌های غیرداستانی در کشورهای آسیایی عبارتند از:

- کمبود نویسندگان مجرب در تولید این گونه کتاب‌ها و روی آوری به ترجمه بیش از تألیف؛
- عدم جذابیت کتاب‌های غیرداستانی به دلیل کیفیت پایین امور فنی و زیبایی؛
- اقتصادی نبودن چاپ کتاب‌های غیرداستانی در مقایسه با کتاب‌های داستانی و کتاب‌های کمک‌درسی؛
- کاهش اقبال عمومی خوانان به کتاب‌های غیرداستانی و اصولاً به کتاب، به دلیل روی آوری به دیگر رسانه‌ها مانند تلویزیون، ویدیو و به خصوص بازی‌های کامپیوتری؛
- عدم وجود سیستم نیازسنجی صحیح برای ارائه موضوع‌های مناسب به ناشران؛
- عدم وجود سیستم اطلاع‌رسانی کارآمد و ارزیان قیمت برای اطلاع‌رسانی به مخاطبان کتاب‌های غیرداستانی به منظور بالا بردن شمارگان؛
- فقر عمومی و رایج نبودن فرهنگ کتاب‌خریدن و کتاب‌خوانی به ویژه در کشورهای بزرگ آسیا (هند، چین، پاکستان، بنگلادش و اندونزی).

علاوه بر مشکلات عمومی فوق‌الذکر، پاره‌ای از مشکلات نیز ویژه کشورهای خاصی در آسیا هستند. مثلاً در کشورهای ژاپن، ایران و کره جنوبی، اهمیت فراوانی که برای امتحان ورودی دانشگاه (کنکور) وجود دارد، مسبب شده است که جوانان برای مطالعه کتاب‌های غیرداستانی مناسب وقت کافی نداشته باشند و ترجیح می‌دهند که اوقات خالی خود را با کتاب‌های کمک‌درسی - که چندان برای زندگی واقعی آینده مفید نیستند - بپر کنند. هم‌چنین کشورهایی مانند مغولستان، مالدیو، نپال، لاوس و گینه جدید با مشکلاتی مانند سطح پایین سواد عمومی، پراکندگی جمعیت و تعداد کم جمعیت و گاهی چندزبانه بودن مردم کشور مواجه هستند.

وضعیت کتاب در ژاپن

- ناشران ژاپنی معمولاً علاوه بر کتاب، مجله (گاهی روزنامه) نیز منتشر می‌کنند و از این راه درآمد بیشتری به دست می‌آورند.
- هم‌اکنون در ژاپن، بیش از ۲۲ هزار کتاب فروشی وجود دارد؛ یعنی در مقابل هر ۵ هزار نفر یک

مسائل اجتماعی، سیاست، موضوع‌های جهانی، منابع زیرزمینی کشور، مسائل ویژه دوره نوجوانی و جوانی، روابط اخلاقی و اجتماعی و جنسی، محیط زیست، مشاغل گوناگون و بسیاری از موضوعات دیگر، یا به کلی و یا تا حد قابل توجهی مورد غفلت قرار گرفته‌اند؛ به طوری که درباره پاره‌ای از این مسائل، حتی یک کتاب مناسب در بازار کتاب ایران یافت نمی‌شود.

به عبارت دیگر، مشکل اصلی ما در زمینه تولید کتاب‌های غیرداستانی، عدم وجود یک سیاست کلی و کلان و برنامه‌ای مشخص برای تولید هدف‌دار مجموعه‌ای از این نوع کتاب‌هاست که پاسخگوی نیاز جوانان برای ورود به دنیای آینده باشد.

عوامل جذابیت

در جذابیت یک کتاب غیرداستانی برای جوانان چه عواملی دخالت دارند:

- جذابیت موضوع و مرتبط بودن آن با زندگی جوانان و منطبق بودن با نیازهای آنان؛
- جامعیت، پرداختن به جزئیات و اطلاع‌رسانی مکفی؛
- بهره‌گیری از تصاویر فراوان و واقعی؛
- مصاحبه با افراد حقیقی یا معرفی ایشان؛
- مشارکت دادن خواننده کتاب در تولید مفاهیم و ... (فعال بودن کتاب)؛
- چاپ رنگی و صفحه‌آرایی زیبا و مناسب؛
- قابل فهم بودن متن کتاب و بهره‌گیری از ادبیات مناسب و تناسب به سن و سواد مخاطبان؛
- بیان نکات قابل توجه، آمار و ارقام تعجب‌برانگیز، تجربیات و نکاتی در مورد کشورهای خارجی و ...؛
- منطبق بودن با حقیقت و واقعیت‌ها؛



از طریق مودم و سایت اینترنت)، به این ترتیب، ناشران از فروش روزانه هر یک از کتاب‌های خود، اطلاع حاضر و آماده (ton Line) دارند.

- دورتادور جلد اکثر کتاب‌هایک نو از کاغذی قابل جدا شدن قرار دارد که موضوع کتاب و نویسنده و مشخصات آن را در چند جمله کوتاه، اما تأثیر گذار بیان می‌کند و خواننده را به خرید کتاب تشویق می‌کند.
- فروش سالانه یکی از ناشران بزرگ ژاپن (یکی از ده ناشر بزرگ ژاپن) در سال ۱۹۹۸، معادل ۱۹۷ میلیاردین بوده است (معادل ۲/۹ میلیارد دلار). از این مبلغ ۱۲ تا ۲۰ درصد حق کتاب‌فروشی‌ها و حدود ۳۰ درصد هزینه تولید و توزیع کتاب است.
- شمارگان و فروش بعضی از کتاب‌ها در ژاپن اعجاب‌آور است. مثلاً یکی از کتاب‌هایی که در مورد زندگی یک دانشجوی کاملاً معلول نوشته شده (و کتاب بسیار با ارزشی است)، در شش ماه اول چاپ ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار جلد و تاکنون (پس از گذشت حدود ۱۴ ماه) مجموعاً ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار جلد فروش داشته است.

زمینه‌های مناسب تولید

کتاب‌های غیرداستانی در کشور ما

نمونه موضوع‌هایی که می‌توانند به صورت یک یا مجموعه‌ای از کتاب‌های غیرداستانی تولید شوند:

- مجموعه کتاب‌هایی تحت عنوان «اعضای بدن سخن می‌گویند» درباره فیزیولوژی اندام‌ها، بهداشت آن‌ها و بیماری‌های مربوطه به تکنیک گروه‌های مسی کودکان و نوجوانان (زیر ۱۵ سال)، جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال و بزرگسالان.
- مجموعه کتاب‌هایی درباره «زندگی افراد با معلولیت‌های گوناگون» (لایب، ناشنوا، قطع نخاع، فلج اطفال و...) به منظور ایجاد آشنایی عموم مردم با مشکلات و مسائل این افراد و جلب مشارکت‌های فردی و جمعی در ایجاد محیطی مناسب‌تر برای زندگی این گروه از افراد.
- مجموعه کتاب‌های «زندگی بچه‌های نقاط مختلف ایران» (از صبح تا شام) در قالب روایی به منظور بسط و گسترش فرهنگ نو می‌کشور و شناخت پیش‌تر کودکان و جوانان از کشور خود.
- مجموعه کتاب‌های «تاریخ ایران زمین».
- مجموعه کتاب‌های «محیط زیست و مسائل آن در ایران»؛ مثل: زیله، بازیافت، نالار انرلی و...
- مجموعه کتاب‌های «محیط زیست و مسائل آن در جهان»؛ مثل: حفره اژن، گرم شدن جهان و...
- مجموعه کتاب‌های «فرهنگ سیاسی» برای جوانان؛ مثل: گفت و گوی تمدن‌ها یعنی چه؟...
- مجموعه کتاب‌های «زندگی، مردم و جغرافیای نقاط مختلف ایران»؛ مثل: (راهنمای ایران گردی).
- مجموعه کتاب‌های «زندگی، مردم و جغرافیای کشورهای جهان»؛ مثل: (راهنمای جهان گردی).
- مجموعه کتاب‌های «معرفی مشاغل» به ویژه مشاغل مورد علاقه جوانان (حلبانی و...) و معرفی زندگی شغلی افراد شاغل در زمینه‌های مختلف و در قالب روایی.

کتاب‌فروشی، این تعداد، کتاب‌فروشی‌هایی را که در تمامی ایستگاه‌های مترو و فروشگاه‌ها وجود دارد شامل نمی‌شود.

- بزرگ‌ترین کتاب‌فروشی ژاپن در اوراکا واقع است (با بیش از ۵ میلیون عنوان کتاب).
- قیمت یک کتاب معمولی رنگی (حدود ۱۲۰ صفحه با جلد سخت) در حدود ۱۶۰۰ ین (معادل ۱۵ دلار) است.
- در یک کتاب‌فروشی چند طبقه در توکیو، روزانه بیش از ۱۰ میلیون ین کتاب به فروش می‌رسد (در حدود ۱۰ هزار جلد کتاب).
- صنعت چاپ در ژاپن از تکنیک و کیفیت فوق‌العاده بالایی برخوردار است.

● در سه سال اخیر، بازار کتاب با حدود سه درصد افت مواجه بوده است و علت این امر، روی آوری مردم به دیگر رسانه‌ها فتمداد می‌شود.

● ناشران بزرگ ژاپنی از هم‌اکنون در پی تولید رسانه‌های جای‌گزين کتاب هستند.

● گرچه عادت به خواندن در میان مردم ژاپن بسیار رایج است، اما متأسفانه اکثر کتاب‌ها و مجلاتی که خوانده می‌شوند، متون کُمیک یا داستانی فاقد ارزش آموزشی و اخلاقی هستند.

● در ژاپن همه کتاب‌ها با قیمت واحدی که ناشر تعیین می‌کند، عرضه می‌شوند (این قانون در حال تغییر است).

● ناشران می‌توانند کتاب را بدون سفارش به کتاب‌فروشی‌ها ارسال کنند و کتاب‌فروشی‌ها می‌توانند پس از مدت شش ماه، کتاب‌های به فروش نرفته را به ناشر عودت دهند (مهلت عودت در مورد مجلات دو ماه است).

● شرکت‌های پخش، امر توزیع کتاب بین ناشران و کتاب‌فروشی‌ها را انجام می‌دهند و در مراحل مختلف (پخش و جمع‌آوری پول) نیازی به دخالت مستقیم ناشر نیست.

● در بین صفحات هر کتاب، یک برگه که روی آن «بازکننده» کتاب چاپ شده است، وجود دارد.

کتاب‌فروشی‌ها در هنگام فروش کتاب، برگه را در می‌آورند و برای ناشر ارسال می‌کنند (اکثراً

نویسنده: دکتر فرهنگ‌پور

● ایجاد یک سیستم نیازسنجی براساس تجربه ناشران ژاپنی توسط یکی از نهادهای متولی امور کتاب در کشور ضروری است. این سیستم باید نیازها را شناسایی و تبیین کند و در اختیار ناشران قرار دهد. این امر در ژاپن به طور مستقیم توسط خود ناشران انجام می شود؛ اما در ایران با توجه به توان مالی اندک ناشران باید یک سرویس جامع، مسئولیت این امر را بر عهده بگیرد.

● بهتر است بعضی از ناشران به تولید کتاب هایی بپردازند که صرفاً برای تجهیز کتابخانه های مدارس تولید می شوند. کتاب های رنگی، جلد سخت، فرهنگ ها و دایرةالمعارف ها و کتاب های ضروری دیگری که لازم است در اختیار دانش آموزان باشند، اما به دلیل گران بودن قیمت، امکان خریداری مستقیم آن ها توسط اکثر خانواده ها وجود ندارد و بهتر است برای کتابخانه های مدارس در نظر گرفته شوند.

● بهتر است یک شورای متشکل از نمایندگان نهادهای متولی امر کتاب کودک و نوجوان در کشور و ناشران علاقه مند به چاپ کتاب برای این گروه سنی به طور ادواری (مثلاً سالانه ۴ نشست) تشکیل شود که به سیاست گذاری غیررسمی و ایجاد هماهنگی درباره تولید کتاب های غیرداستانی بپردازند.

مدارک به همراه آورده شده از دوره

۱. مجموعه کتاب هایی در مورد محیط زیست چاپ شده در قالب «پروژه نشر مشترک کتاب در آسیا» توسط «ACCU» تحت عنوان: آب، زمین، درخت ها، خورشید؛
۲. تعدادی از مجلات «ABD» (مربوط به بخش توسعه کتاب ACCU) در زمینه های تخصصی و ناگون، از جمله: «چند رسانه ای»، «آموزش علوم برای همگان»، «اثر چند رسانه ای ها در زندگی روزمره»، «کتاب های مصور» و «نقش مجلات در جامعه»؛
۳. تعدادی از گزارش های کارگاه های آموزشی ACCU؛
۴. نمونه هایی از کتاب های ژاپنی؛
۵. نمونه هایی از مجلات ژاپنی.

● مجموعه کتاب های «معرفی سرویس های اجتماعی»؛ مثل: بیمه، اقتصاد، نهادهای جمعیت، نهادهای مربوط به مواد مخدر.

● مجموعه کتاب های «فهرمانان عادی».

● مجموعه کتاب هایی در مورد «عملیات دفاع مقدس»؛ مثل: مجروحان شیمیایی جنگ، چاه های نفت نورو و ...

● مجموعه کتاب هایی در مورد «صنایع دستی ایران»؛ (معرفی و در صورت امکان راهنمای عمل).

● مجموعه کتاب هایی در مورد «محصولات غذایی ایران»؛ مثل: تولید مثل و تکثیر ماهی های خاویاری در ایران، گز، کشمش، کلوچه.

● مجموعه کتاب هایی در مورد «محصولات صنعتی ایران»؛ مثل: فرش، گلیم و ...

● مجموعه کتاب هایی در مورد «افرادی که جهان را متحول کردند!» (علمی، فنی، سیاسی و مذهبی).

● مجموعه کتاب هایی در مورد «فهرمانان و پهلوانان ایران».

● مجموعه «داستان زندگی یک کودک در کشورهای مختلف جهان از صبح تا شام» در مورد کشورهای مثل: چین، فیلیپین، انگلستان، ایران و ...

● مجموعه کتاب هایی در مورد «شگفتی های جهان»؛ مثل: دیوار چین، اهرام مصر و ...

● مجموعه کتاب هایی که نویسندگان آن ها خود دانش آموزان و جوانان باشند «جوانان برای جوانان می نویسند»؛ مثل: مجموعه اشعاری که یک جوان برای همسالان خود گفته است یا نامه های یک جوان به والدینش.

● مجموعه کتاب هایی در مورد «مشکلات جهان امروزی» برای ایجاد تفکر بین المللی در جوانان؛ مثل: مشکلات پناهندگان در جهان، جنگ های اخیر (کوزوو، سومالی و ...).

● مجموعه کتاب هایی برای «معرفی سازمان های جهانی».

● مجموعه کتاب هایی در مورد «منابع ایران»؛ مثل: نفت ایران، نحوه کشف و یافتن منابع، نحوه حفز چاه ها و استخراج نفت در خشکی و در زیر دریاها، انتقال نفت با لوله، نفت کش ها، نفت در جهان امروز با قیمت گذاری، خرید و فروش جهانی، شرکت های بزرگ و آینده نفت.

● مجموعه کتاب هایی برای «آموزش های ورزشی»؛ مثل: چگونه کوه نوردی کنیم؟

● مجموعه کتاب هایی برای «آموزش مشاغل عمومی»؛ مثل: مدیریت رستوران، آشپزی، مستخدم مدارس (آتش نشانی، حفاظت مدرسه و مواد مخدر).

توصیه ها

● ایجاد یک سیستم اطلاع رسانی در مورد کتاب های مناسب برای سنین مختلف دانش آموزان (به تفکیک) ضروری است. این سیستم اطلاع رسانی باید به صورتی بسیار آسان در اختیار پدران و مادران، معلمان و مدیران و خود دانش آموزان قرار داده شود تا آن ها به سادگی بتوانند تشخیص دهند که مجموعه کتاب های مناسب، خواندنی و مفید برای هر یک از گروه های سنی دانش آموزی چیست؟

محسبان زاد و همکاران) چنین آمده است: «بررسی روند تحولات سی سال گذشته حاکی از آن است که رشد تئوسیسون در کشورهای اسلامی، که تقریباً به طور کامل در انحصار دولت هاست، بسیار بیش تر از مضبوطات بوده است. یعنی مسلمانان به مراتب کم تر مضبوطات می خوانند و بسیار تئوسیسون می بینند.» با این حال در ایران، در چند دهه اخیر به ویژه پس از انقلاب اسلامی توجه به کتاب و کتابخوانی نسبتاً رضایت بخش بوده است و در مجموع طی سال های دهه ۵۰ تا ۷۰ شاهد تحولاتی در این مقوله بوده ایم و دستگاه های فرهنگی مختلف کوشیده اند در این زمینه کارهای اساسی صورت دهند.

وظیفه وزارت آموزش و پرورش از جهت هدایت دانش آموزان به کتابخوانی بسیار است. زیرا نهادی است که مسئولیت تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان رای عهده دارد و این وظیفه در حقیقت وظیفه رسمی و از سیاست های بنیادی آن است.

این سیاست بنیادی، آموزش و پرورش را وامی دارد که در مدارس کتابخانه تأسیس نماید، آن ها را تجهیز کند، دانش آموزان را به خواندن تشویق نماید و از آن ها بخواهد که هم کتاب مبادله کنند و نیز تنها به خواندن کتب درسی اکتفا نکنند. علاوه بر این کتب غیردرسی هم که می خوانند به قصه و افسانه و رمان یا کتب پیش پا افتاده و کم محتوا منحصر نشود بلکه کتاب های علمی، فنی، اجتماعی، تاریخی، فلسفی، مذهبی، اخلاقی، ادبی، شعر، سرگذشت، سفرنامه و... نیز بخوانند. به طور کلی «آموزش و پرورش باید کاری کند که مطالعه جزء یکی از عادت های پایدار دانش آموزان برای تمامی عمرشان درآید.

در این جا ما خواهیم کوشید سیاست گذاری های مورد انتظار وزارت آموزش و پرورش در باب تأسیس و توسعه کتابخانه های مدارس (دوره راهنمایی و متوسطه) را تبیین نموده و راهکارهای آن را

۱- آسیب شناسی

تشخیص آسیب های موجود در وضعیت کتابخانه های مدارس و کیفیت مطالعه غیردرسی دانش آموزان در یک نگاه کلی نیز میسر است و نیاز به تحقیق چندان ندارد. این آسیب ها را می توان چنین برشمرد:

- ۱- مطالعه و کتابخوانی در پیکره نظام درسی مدارس قرار ندارد.
- ۲- نظام درسی، خود چنان تبست که انگیزه مطالعه را در دانش آموزان ایجاد کند و آن ها رای خواندن کتاب، حتی به منظور لذت بردن از آن و نه کسب علم و دانش، ترغیب نماید.
- ۳- بسیاری از معلمان خود آن چنان اهل مطالعه نیستند که بتوانند بچه ها را به مطالعه ترغیب کنند.
- ۴- خانواده ها خود غالباً برای مطالعه غیردرسی اهمیتی قائل نیستند و درس خواندن و نمره گرفتن را به ویژه در دبیرستان - برای رسیدن به دانشگاه بر فهم و تشخیص و درک علمی فرزندان خود ترجیح می دهند.
- ۵- مدرسه ها کتابخانه ندارند، یا دارد ولی فعال نیست، یا فعال هست ولی جامع و شکوفا نیست، لذا به طور کلی در فعالیت های آموزشی مدارس کشور به حساب نمی آید و بهره وری لازم را ندارد.
- ۶- در وزارت آموزش و پرورش نظریه علمی مدونی که نشان دهنده سیاست بنیادی و مستمر این نهاد در امر توسعه کتابخوانی و تجهیز کتابخانه ها باشد وجود ندارد. در عین حال در معاونت پرورشی این وزارت، بخشی مسئول توسعه و تجهیز کتابخانه های مدارس است.

۲- چرا باید کتاب بخوانیم؟

هدف کتابخوانی، گسترش ذهن و بالا بردن میزان آگاهی ها و دانستی های دانش آموز است. این گسترش باید متوازن و همه جانبه باشد تا بتواند به هدف معنوی این فعالیت که تربیت «شخص با فرهنگ» است بینجامد. لازم است درباره «شخص با فرهنگ» توضیح بدهیم: منظور از «با فرهنگ» کسی است که دارای دیدگاهی هشیارانه نسبت به جهان است و



به عبارتی «جهان بینی» دارد. چنین کسی معمولاً کلیاتی از علوم، ریاضیات، تاریخ، جغرافی، فلسفه، اخلاق، دینی، هنر و فلسفه می‌داند به تبع آن در رفتار فردی و اجتماعی هنجارهایی مناسب از خود ارائه می‌دهد. بر این اساس، ریاضی‌دانی که به جز ریاضی از علوم دیگر بی‌اطلاع است یا جغرافی‌دانی که از علوم تاریخ یا جامعه‌شناسی بی‌بهره است، با فرهنگ به حساب نمی‌آید و بهتر است او را تنها یک «ریاضی‌دان» بشناسیم. معلوم است که در یک شخص «با فرهنگ» آنچه محوریت دارد «اندیشه» است. و تفاوت شخص با فرهنگ و شخص بی‌فرهنگ در همین جا است. شخص با فرهنگ از راه خواندن و اندیشیدن به ارزش‌های پایداری چون خداباوری، انسانیت، آزادی، عدالت، خوشبختی و برادری ایمان می‌آورد و در راه تحکیم آن‌ها می‌کوشد.

یکی از نکاتی که ممکن است موجب غفلت متولیان امر آموزش شود این است که گمان کنند تحت تأثیر گسترش فراگیر رسانه‌هایی چون رادیو، تلویزیون، رایانه‌ها و دیگر رسانه‌هایی از این نوع، از کارایی مطالعه همچون گذشته، کاسته شده است. این تصویری خطاست. کاملاً روشن است که آنچه قدرت تحلیل را به پرواز درمی‌آورد و اندیشه می‌زاید «مطالعه متون» است و نه فقط دیدن و مشاهده فیلم‌ها و گوش دادن به نوارهای صوتی و یا کنار با کامپیوتر و امثال آن. در حقیقت هنوز کتاب نه تنها در جوامع مثل جوامع ما، بلکه حتی در کشورهای پیش‌رفته و صنعتی کنارگردد خود را از دست نداده و هم چنان مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه پرورش اندیشه و کسب اطلاعات و آگاهی‌هاست.

خلاصه این که در دنیای امروز فرد با فرهنگ نمی‌تواند از کتاب بی‌نیاز باشد و کتاب ابزار اصلی کار و زندگی اوست؛ و اگر دستگاه عظیم آموزش و پرورش بخواهد در فرهنگ کشور تحول ایجاد کند و سبیل

جوان را به عنوان مردان و زنان با فرهنگ فردای جامعه بخواهد، از سیاست‌گذاری گسترده اصولی در زمینه کتاب و کتابخوانی ناگزیر است و باید آن را جزء سیاست‌های بلندمدتی خود تلقی نماید. این بدان معنی است که باید بر مبنای امنیت‌شناسی به عمل آمده از وضع موجود به نمونه‌هایی از آن را در بالا ذکر کردیم و البته کامل نیست. اقدام به سیاست‌گذاری کند.

۳. کتابخانه مدرسه

الف: تأسیس

برای تأسیس کتابخانه در مدرسه، آگاهی مدیر و اعتقاد جدی او به مقبولیت و لازم بودن کتابخانه شرط جدی است. زیرا مدیر است که می‌تواند در صورت داشتن چنین اعتقادی همکاری معلمان و دانش‌آموزان را جلب و امکانات لازم را فراهم کند. در صورت عدم همکاری مدیر نمی‌توان به موفق بودن کتابخانه امید بست. تأسیس کتابخانه به عهده مدیر مدرسه و همکاری و همدلی معلمان و سرانجام اولیاء و مربیان مدرسه است و در این مورد شاید از دانش‌آموزان انتظاری داشت. اما در تجهیز آن به کتاب هم می‌توان و هم نباید از دانش‌آموزان کمک گرفت. شیوه عمل بدین طریق است:

مدیر مدرسه موضوع اهمیت و لزوم تأسیس کتابخانه مدرسه را به اطلاع دانش‌آموزان می‌رساند و تسهیلات لازم را نیز انجام می‌دهد و یکی از معلمان مدرسه را که به‌طور نسبی مورد علاقه بیش از بچه‌هاست به عنوان مسئول کتابخانه (یا مسئول اقتضای) معرفی می‌کند. و از دانش‌آموزان می‌خواهد با او همکاری کنند. برای تهیه کتاب، در مرحله بحث از سوی مدیریت مدرسه تعدادی کتاب خریداری می‌شود. اما این دانش‌آموزان به گونه پیمانه‌ای کتاب، کتابخانه را تجهیز کنند. بدین منظور از آنان خواسته می‌شود عضو کتابخانه شوند. حق عضویت را می‌توان اهدای یک جلد کتاب به کتابخانه قرار داد. اما از آنجا که در بسیاری بدول حساب و کتاب و مطالعه قلی کتابی به کتابخانه وارد شود، برای این کار مسئول کتابخانه با نظرخواهی قلی از مدیر، انجمن اولیاء و مربیان، اداره آموزش و پرورش و سایر نظرخواهی از دانش‌آموزان عنوان و اسامی کتاب‌های مورد نیاز کتابخانه را تعیین می‌کند. تعدادی از این کتاب‌ها را مدرسه تهیه می‌کند و از دانش‌آموزان می‌خواهد که بقیه را که طبق جدول زیر برای آن‌ها اعلام می‌شود برای مدرسه خریداری کنند:

ردیف	نام کتاب	تعداد	نویسنده/مترجم	نام داوطلب خرید	نام داوطلب خرید
۱	داستان راستان	۲	مرتضی مطهری	حسین اکبریان	—
۲	فرهنگ عمید	۱	حسن عمید	محمد کاغذچی	حسین کریمی
۳	هاکلبری فین	۲	مارک تواین نخستین دریاپندری	محمد حسین سجادی	بهرام قابندی
۴	فرهنگنامه کوه‌کان و نوحه‌دان	۱	شورای کتاب کودک	جواد محمدی	علی ستاربان
۵	...	...	...	...	...

آموزش و پرورش
استان تهران

در اداره کتابخانه از نظر ظاهری باید ملاحظاتی رعایت شود:

- منظم بودن کتاب‌ها در قفسه‌ها
- فهرست بندی کتاب‌ها
- دفتر ثبت اموال
- دفتر ورود و خروج کتاب
- اعلام ضوابط و مقررات پذیرش عضو و امانت دادن کتاب

در امانت دادن کتاب‌ها باید نظم لازم رعایت گردد و امانت گیرنده موظف باشد کتاب را سر موعد و سالم و تمیز همان طور که دریافت کرده بازگرداند و در صورت نیاز اقدام به تمدید موعد بازگشت نماید. لازم است کتابخانه در مقررات خود نوعی پیش بینی تنبیهی برای کسانی که کتاب را سر وقت تحویل نمی دهند بنماید. این شیوه موجب می شود دانش آموز حرمت کتاب را نگهدارد و علاوه بر آن صفت امانت داری نیز در او تقویت شود.

ج: شورای کتاب

مدیر مدرسه یک شورای پنج نفری شامل خودش، یک معلم، یک نفر از اولیای دانش آموزان و دو نفر دانش آموز را به عنوان «شورای کتاب» تشکیل می دهد. این شورا بر روند کلی فعالیت کتابخانه نظارت عالیه دارد و اثرگذاری کتابخانه را در رشد علمی و ذهنی دانش آموزان مورد نظر و در دستور کار اصلی خود قرار می دهد. شورا می تواند رابط بین خانه و مدرسه بوده و حتی به پدر و مادرها توصیه کند که به عضویت کتابخانه مدرسه در آیند. خرید کتاب های جدید و برنامه ریزی برای توسعه کتابخانه نیز از وظایف شورا است.

۴- شیوه های گسترش کتابخوانی در دانش آموزان

اگر کتابخانه مدرسه نتواند در طول یک سال تحصیلی کارنامه موفق از خود ارائه دهد، نیاز به تجدیدنظر دارد، بنابراین



فهرست بالا در اختیار دانش آموزان قرار می گیرد و از آن ها خواسته می شود داوطلب خرید آن به صورت فردی یا جمعی شوند. ضمناً برای ترغیب آن ها به انجام کار، به آنان گفته می شود کتاب را به صورت یک هدیه به کتابخانه بدهند و در صفحه اول آن مثلاً چنین عبارتی را به خط خود بنویسند:

«کتاب داستان راستان به کتابخانه مدرسه اهدا گردید.»

حسین اکبریان

یا: ما دانش آموزان کتاب «فرهنگنامه» را (چهار جلد) خریداری و به کتابخانه مدرسه اهدا نمودیم.

جواد محمدی - علی ستاریان - غلام براتی

نوشتن این گونه عبارات دلستکی عاطفی دانش آموز را به کتاب و کتابخانه می افزاید. همزمان می توان از معلمان مدرسه نیز خواست در این کار مشارکت نموده و کتابی را به کتابخانه هدیه کنند. این عمل در جلب نظر دانش آموزان مؤثر است. در مجموع با اقداماتی از این نوع می توان کتابخانه را به وسیله خود دانش آموزان و معلمان تجهیز کرد.

ب: اداره کتابخانه

علت این که در بسیاری از مدارس، با وجود داشتن کتابخانه، بچه ها علاقه ای به مطالعه نشان نمی دهند، توجه نامناسب اداره کتابخانه است. بسیاری مدارس می که کتابخانه آنها غالباً تعطیل است، با برنامه کتاب دادن آن منظم نیست و یا کتابدار و راهنمای علاقه مند ندارد و یا ...

در هر مدرسه باید اولاً مسئول کتابخانه، فردی مشخص باشد با خصوصیتی چون: علاقه مندی به کتاب، تواضع و خوش خلقی، منظم و خوش قول، جدی و وظیفه شناس. ضمناً باید از نظر سنی و داشتن سواد و اطلاعات نسبت به دانش آموزان ارشدیت داشته باشد. مدیر می تواند با مشورت با مربی پرورشی یا معاون مدرسه یکی از معلمان را که واجد خصوصیات گفته شده باشد به عنوان مسئول معرفی کند. این شخص اگر خودش هم نتواند دائماً درگیر اداره کتابخانه باشد، ولی در جلب همکاری دانش آموزان موفق خواهد بود. یک مربی پرورشی شایسته، خود می تواند چنین مسئولیتی را به عهده بگیرد و سپس چند نفر از دانش آموزان را به عنوان «کتابدار» به همکاری انتخاب نماید.



معرفی کتاب با نقاشی و رسمایی با نقاشی - خط، صفحه آرای و نام هنرمند نیز ذکر شود.

ب- روزنامه دیواری

یک نشریه خوب می تواند اطلاعات ارزنده ای را در زمینه کتاب در اختیار دانش آموزان قرار دهد. می توان مستقل از معرفی کتاب که به صورت هفتگی انجام می شود، یک روزنامه دیواری نیز به طور دو هفته یک بار یا ماهانه تهیه کرد. روزنامه دیواری می تواند با هدف آشنا کردن هر چه پیش تر بچه ها به کتابخانه تولید شود و اصول زیر در آن رعایت گردد:

۱- نام ثابت داشته باشد (برای نامگذاری از بچه ها نظر خواهی شود).

۲- موضوعات فقط به کتاب و عمدتاً کتاب های موجود در کتابخانه محدود شود.

۳- از یک یا چند کتاب، گزیده هایی نقل شود.

۴- یک مسابقه، عمدتاً درباره عناصر کتابخوانی (نام کتاب، نام نویسنده، نام مترجم و ...) در آن درج و به کسانی که آن را جواب می دهند به قید قرعه کتابی جایزه داده شود.

۵- سایر اصول تهیه روزنامه دیواری (با استفاده از کتاب از روزنامه دیواری تا روزنامه نگاری - انتشارات مدرسه) در آن رعایت گردد.

ج- مسابقه کتابخوانی

کتابخانه در هر سال حداقل یک بار و حداکثر سه بار (هر نوبت یا ترم) در سال مسابقه ای برگزار می کند. شیوه کار چنین است که چند کتاب ارزشمند توسط شورای کتاب مدرسه انتخاب می شود و از

دانش آموزان می خواهند با مطالعه آن ها در مسابقه شرکت نمایند. برای جلب نظر همه یا اکثر دانش آموزان می توان مسابقه را در دو سطح ترتیب داد: سطح ۱ و سطح ۲. مسابقه در سطح ۱، شامل اطلاعات کلی است که به راحتی از کتاب قابل استخراج است اما مسابقه سطح ۲، در حوزه مفاهیم کتاب و استنباط های خواننده از آن است. آنچه در این مسابقه حائز اهمیت است نحوه برگزاری و انتخاب برندگان و سپس اهدای جوایز است که از جنبه روان شناختی بسیار مهم است. در مسابقه باید حتماً مدیر و یا چند نفر از اعضای شورای کتاب حضور داشته باشند، جوایز باید در جمع دانش آموزان و در یک مراسم ویژه اهدا شود و با تقدیرنامه کتبی نیز همراه باشد. به ویژه لازم است در صفحه اول کتاب، به خط و امضای مدیر مدرسه، سبب اهدای جایزه به دانش آموز ثبت شود تا اولاً رغبت دانش آموز به نگهداری کتاب بیش تر شود و ثانیاً موجب تشویق دیگر دانش آموزان گردد. عبارتی به این مضمون می تواند این ایده را تحقق بخشد:

دوشیزه / آقای
دانش آموز کلاسی
نظر به این که شما در مسابقه کتابخوانی مدرسه موفق به کسب امتیاز شده اید از طرف «شورای کتاب» مدرسه یک جلد کتاب به شما اهدا می گردد. موفق باشید
مدیر دبیرستان

د- دعوت از یک شاعر، نویسنده، سردبیر

دعوت از یک شاعر یا نویسنده یا سردبیر و هر صاحب نظر دیگری در امر کتاب و مطالعه، برای سخنرانی در میان بچه ها و یا گفتگو با آنان از فعالیت های مفید در این زمینه است که اگر تأثیر مستقیم نداشته باشد قطعاً به طور غیر مستقیم مؤثر است، زیرا حداقل بچه ها را با یک مقوله فرهنگی چون شعر، قصه، مقاله، روزنامه و ... آشنا می کند. البته نمی توان انتظار داشت که در هر شهر و روستایی شاعر یا نویسنده ای قابل وجود داشته باشد اما افراد کتابخوان و علاقه مند به کتاب در همه جا وجود دارند. اشخاصی از قبیل یک روحانی یا فرهنگ، یک شاهنامه خوان یا نقال، یک دانشجوی علاقه مند که به دانشگاه رفت و آمد دارد، یک کتاب فروش و ... به هر حال در دسترس هستند و بسته به نگرش و خلاقیت شورای کتاب مدرسه یا مدیر و کتابدار می توان از چنین امکان هایی استفاده کرد.

ه- مراسم دیگر

گذشته از کارهای فوق، مدیر یا شورای کتاب مدرسه می تواند فعالیت های دیگری را نیز مدنظر داشته باشد و در صورت وجود امکانات و فراهم شدن موقعیت آن ها را اجرا کند. پاره ای از این فعالیت ها چنین است:

- ترتیب دادن مسابقه نقاشی و طراحی به مناسبت هفته کتاب و به نمایش گذاشتن آثار بچه ها
- ترتیب دادن مسابقه انشا درباره کتاب
- ترتیب دادن شب شعر
- بازدید از کتابخانه های مدارس مجاور یا مدرسه عمومی شهر و منطقه
- همکاری با مدارس دیگر در مبادله کتاب
- تهیه قفسه کوچک برای تشکیل کتابخانه کلاسی
- تهیه تصاویر و عکس هایی از نویسندگان، شاعران، مورخان، علما و دانشمندان و نصب آن ها در کتابخانه.

پیمان شکنی (۳)

محمد حسن مکارم شیرازی

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَضَتْ غُرْلَهُمَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَارًا تَتَخَذُونَ آيَاتَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلِيُبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ.^۱

و همانند آن‌ان که رشته‌ای را که محکم نایده بود از هم گشود و قطعه قطعه کرد ماشید، تا موگندهای خود را وسیله فریب یکدیگر سازید. بدین بهانه که گروهی بیشتر از گروه دیگر است (کثرت دشمن را بهانه پیمان شکنی با پیامبر قرار ندهید) - حذامی خواهد شمارا به این وسیله باز ماید و در روز قیامت چیزی را که در آن اختلاف می‌گردید بر ایشان روشن می‌سازد. در این آیه، مسأله‌ای بزرگ و خلاف شرع، و گناه کبیره‌ای به نام پیمان شکنی، به کار احقران زنی تشبیه شده است که نزد عرب زمان جاهلیت معروف بوده و کارهای بی‌خردانه او در میان مردم ضرب المثل شده بوده است.

این زن قریشی که نامش «ریظه» بوده، از صبح تا ظهر، همراه کنیزانش پشم می‌نایسید، سپس به آنها دستور می‌داده تا همه بافته‌ها را یشکافند و باز کنند، از این رویه حماقت شهرت یافته بوده است. خداوند عمل کسانی را که به پیمانی متعهد می‌شوند ولی نقض عهد می‌کنند، به کار بیپوده «ریظه» تشبیه کرده است.^۲

پیمان شکنی حماقت است و زیان‌های اجتماعی فراوانی به حامی گذارد. شخصیت هر انسان در گروه عمل به تعهدات و پیمان‌هایی است که با دیگران منعقد کرده، گواهی طرف قرارداد او مردم اند و گاه خدا و پیامبر.

در صدر اسلام وقتی که جمعیت مسلمانان کم و عده دشمنان زیاد بود، امکان داشت بعضی از مؤمنان به خاطر کمی عده احساس تنهایی نموده، بیعت خود را با پیامبر (ص) بشکنند و دست از حمایت آن حضرت بردارند، لذا خداوند در آیات اخیر به آنها هشدار داد.^۳

وفای به عهد از نشانه‌های ویژه ایمان است و بعد است کسی مؤمن باشد ولی به قول و عهد خود وفا نکند، نه خصوصاً که تا موگند یاد کردن، آن را محکم تر کرده باشد. ذات هر جامعه منوط به رعایت تعهدات فیما بین مردم با یکدیگر و نیز مردم با مسئولان است.

پیمان شکنی یا نقض عهد، یا دلیل بر ضعف شخصیت و ناپاوی روح انسان است و یا شاهی بر قلب و خیانت او، که با بهانه‌هایی واهی از جمله زیاد بودن مخالفان از پیمان خود و یادین و عقیده خود دست برمی‌دارد. اکثریت داشتن همواره دلیل بر حقانیت داشتن نیست. از این رو، در آیه فوق، مقاومت در برابر دشمن و وفادار ماندن به بیعت با پیامبر را در روزهای سخت و با وجود دشمنان انبوه، آزمایش الهی قلمداد کرده است. آزمایشی که در روز قیامت نتیجه آن معلوم می‌شود.

وقتی در جامعه اسلامی، به پیمان‌ها عمل نشود، اعتماد از بین می‌رود و قول‌هایی اعتبار می‌شود و روابط اجتماعی دچار اختلال می‌گردد. از طرف دیگر، چون مردم عادتاً، اسلام را در سیمای مسلمانان می‌جویند، عهد شکنی مسلمین موجب تحقیر اسلام و احکام الهی نیز

می‌گردد. اگر پیمان‌ها با سوگند به خدا و مقدسات دین بر مؤکد شده باشد و سپس نقض گردد، لطمه جبران‌ناپذیری به دین خدا وارد می‌شود و افراد را در ایمان خود متزلزل می‌کند و یا حتی از عقیده به اسلام برمی‌گردد.

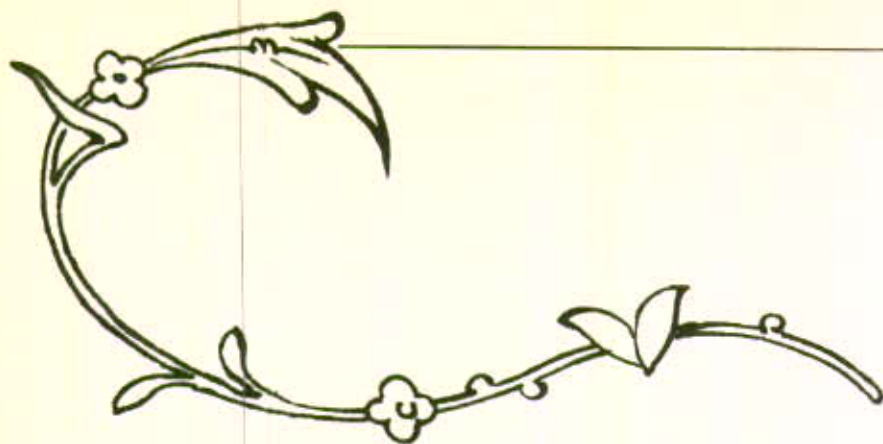
برعکس، وفای به عهد و عمل به وعده، مسلمانان را عزیزتر می‌کند و عامل گرایش پیروان سایر ادیان به اسلام است که نمونه‌های آن در تاریخ فراوان می‌باشد.

در زمان حلیفه دوم وقتی که هر میزان بزرگ لشکر سامانی، در جنگ با مسلمانان به اسارت درآمد، حلیفه از پیمان شکنی مکرر سامانیان با مسلمانان را او گله کرد و توضیح خواست. هر میزان ابتدا تقاضای آب نمود.

آب آوردند، اما او به اطراف خود می‌نگریست و آب نمی‌پوشید و می‌گفت: می‌ترسم در حین نوشیدن آب، کشته شوم. حلیفه گفت: من با تو عهد می‌کنم که تا نوشی با تو کاری نداریم. او آب را از گون کرد و نه زمین ریخت. دوباره آوردند، باز زمین ریخت. هر میزان گفت: من آب نمی‌خواستم، هدفم این بود که از تو امان بگیرم و تو قول دادی تا آب بخورم مرا نمی‌کشی. حلیفه خواست انکار کند اما آنس که در آنجا حاضر بود، حلیفه را به جمله‌ای که گفته بود و در بردارنده عهدی با هر میزان می‌بود، متوجه ساخت. حلیفه در کار خود فروماند، و سردار ایرانی که اهمیت وفای به عهد را در میان مسلمانان دید، اسلام آورد.^۴

در قرآن آمده است که اگر یک مرد سر

از سر کفر



به عنوان نمونه می خوانیم:

شما (پس از قتل عثمان) به من رو آوردید، آن گونه که ماده تازه زائیده به فرزندش رومی آورد. پی در پی ندا سر می دادید: بیعت! بیعت! من دست خود را بستم اما شما آن را باز کردید. آن را عقب بردم اما شما به طرف خود کشیدید (با این اصرار از طرف شما و بی رغبتی از طرف من، با من بیعت کردید. ولی با این همه پیمان خود شکستید).

بار خدایا! این دو (طلحه و زبیر) با من قطع رحم و ظلم کردند و پیمان شکستند؛ مردم را علیه من شوراندند. خدایا! بیعتی را که از مردم می گیرند، بی فرجام کن و اقداماتشان را سست گردان؛ آنان را به آرزوهائی که در سر دارند مرسان.

علی (ع) در جای دیگر، ازدحام مردم را برای بیعت با خود، به هجوم شتران تشنه به طرف آبشخور تشبیه فرموده است، ازدحامی که در اثر آن، بند کفش ها پاره شد، عباها از دوش افتاد، ضعیف ها زیر دست و پارتند؛ پیر و جوان و بیمار و دختر و پسر، همه و همه شادی کنان به دیدار امام شتافتند در حالی که دست او را مصرّانه به سمت خود برای بیعت می کشیدند و امام امتناع می نمود.^۶

مردمی که این گونه با اشتیاق، با رهبر خود بیعت بستند و ولایت او را بر خود لازم دانستند، به جاست که بر این پیمان استوار مانند و در همه حوادث و رویدادها در صحنه حضور داشته باشند و بیعت خود را تازه کنند و از رهبرشان اطاعت کامل داشته باشند. چه که او برای اصلاح امور جامعه آنها، این مسئولیت خطیر را به عهده گرفته است، نه این که مانند شاهان و سلطنت طلبان به دنبال قدرت طلبی و عیاشی آمده است. رهبری که حرفش را نشنوند، تدابیر او ضایع می گردد. از این روست که در نهج البلاغه می خوانیم:

حق من بر شما این است که شما به بیعت خود وفا کنید؛ مرا در پنهان و آشکار نصیحت و یاری کنید؛ هنگامی که شما را خواندم، اجابت کنید؛ هنگامی که فرمان دادم، اطاعت نمائید.^۷

طبیعی است که امام (ع)، آنان را که با این سماجت او را از خانه بیرون آوردند و دست او را به بیعت فشردند، ولیکن در جنگ جمل و غیر آن، به بهانه های واهی و متأثر از تهدیدها و تطمیع ها، پیمان خود را شکستند و در صف مقابل وی ایستادند، مورد لعن و نفرین قرار دهد و خلاصی خود را از شر آنان از خدا طلب کند.

دختر علی (ع) نیز که با همین تربیت دینی رشد یافته و پیمان شکنی را از مسلمان انتظار ندارد، پس از واقعه عاشورا، در حضور ابن زیاد، رو به کوفیان پیمان شکن که حسین (ع) را به شهر خود طلبیدند، اما به هنگام حادثه دست از یاری او کشیدند و تنهایش گذاشتند، فرمود: ای اهل کوفه! ای مردم فریکار و بی مقدار! بگریید؛ همیشه دیده هاتان گریان و سینه هاتان بریان باد... مثل شما مثل همان زنی است که بافته های خود را، پس از قوت و استحکام آن،

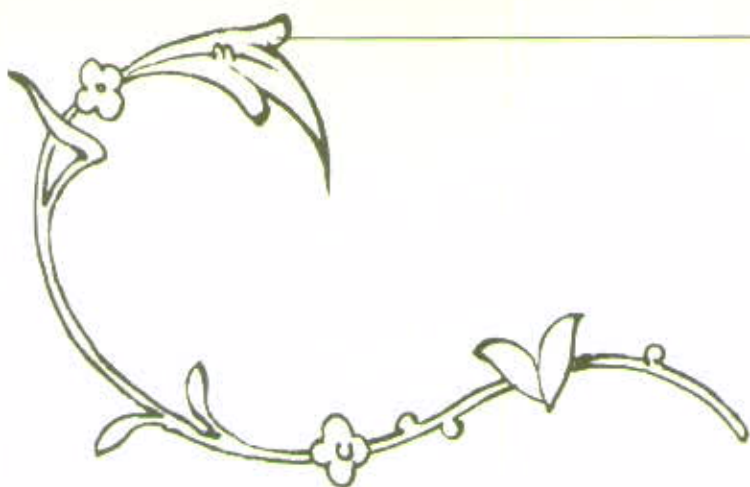
مسلمان به یک نفر از لشکر کفار، پناهندگی دهد، رعایت این عهد و پیمان برای همه مسلمین ضروری است.^۸

زشتی و قباح پیمان شکنی به اندازه ای است که کمتر کسی صریحاً مرتکب آن می گردد. کسانی هم که نقض عهد می کنند و پا روی قول خود می گذارند، به هر صورتی که شده عذری می تراشند تا بلکه از زشتی کار خود و منتصف نشدن به حماقت در برابر دیگران بکاهند. در آیه فوق نیز، بهانه پیمان شکنان کثرت جمعیت دشمن بوده است.

برتوی از نهج البلاغه

یکی از مضامین مهم و سرنوشت ساز وفای به عهد، وفای به بیعت با امام و رهبر مسلمین است.

رهبر مسلمانان اگر جانشین پیامبر اسلام (ص) باشد که منصوب به نصب الهی است و از گناه و لغزش به دور، و اگر نایب امام عصر (عج) در ایام غیبت کبری باشد، طبق حدیث، شرایط علمی و تقوایی را به دست آورده تا به این مرتبه نائل شده است، و این هر دو می دانند که حکومت بر جامعه، هدف نیست، بلکه وسیله ای برای اجرای احکام خدا و احقاق حقوق مردم است. بنابراین، اگر مردم نخوانند و پذیرای رهبری آنان نباشند و حمایتشان نکنند، به میدان نمی آیند و اشتیاقی به زعامت و ریاست ندارند، همان طور که در نهج البلاغه، مکرراً، به این بی رغبتی تأکید شده است؛



۱۰۰۰

رعایت آناء دین داری ما زیر منوال می رود
چنین رنگ بپزد ، به حوی که هم و خندان ما
با یک سفر خوار از کشور ، محمد و
وفای به عهد بیگانگان شود و خودی ما را به
خاص عهدشکی ملامت کند

آیا وقت آن نیست که همهٔ مجلس
مؤسسات و نهادهای جامعه برادر این مؤرخ
جندی بر عمل کند و «افقوا بالعقد» را
نصب العدا قرار دهد؟^{۱۴}

عمارت

پندهنی است که همه آنها لازم زندگی اجتماعی است و دائماً فروبی می باید. هیچ فکر کرده ایم که از یک طرف دوام و بقای اجتماع در گرو همین وعده ها و رعایت آنها است. و از سوی دیگر شخصیت ما موقوف به انجام تعهدات و وعده های ما است! تعهداتی شبیه که علاوه بر حلقه دنیوی، ما اخذه اخروی هم دارد که آنات و روایات از آن خبر داده است.

1998, 1999, 2000, 2001, 2002, 2003, 2004, 2005, 2006, 2007, 2008, 2009, 2010, 2011, 2012, 2013, 2014, 2015, 2016, 2017, 2018, 2019, 2020, 2021, 2022, 2023, 2024, 2025, 2026, 2027, 2028, 2029, 2030, 2031, 2032, 2033, 2034, 2035, 2036, 2037, 2038, 2039, 2040, 2041, 2042, 2043, 2044, 2045, 2046, 2047, 2048, 2049, 2050, 2051, 2052, 2053, 2054, 2055, 2056, 2057, 2058, 2059, 2060, 2061, 2062, 2063, 2064, 2065, 2066, 2067, 2068, 2069, 2070, 2071, 2072, 2073, 2074, 2075, 2076, 2077, 2078, 2079, 2080, 2081, 2082, 2083, 2084, 2085, 2086, 2087, 2088, 2089, 2090, 2091, 2092, 2093, 2094, 2095, 2096, 2097, 2098, 2099, 2100, 2101, 2102, 2103, 2104, 2105, 2106, 2107, 2108, 2109, 2110, 2111, 2112, 2113, 2114, 2115, 2116, 2117, 2118, 2119, 2120, 2121, 2122, 2123, 2124, 2125, 2126, 2127, 2128, 2129, 2130, 2131, 2132, 2133, 2134, 2135, 2136, 2137, 2138, 2139, 2140, 2141, 2142, 2143, 2144, 2145, 2146, 2147, 2148, 2149, 2150, 2151, 2152, 2153, 2154, 2155, 2156, 2157, 2158, 2159, 2160, 2161, 2162, 2163, 2164, 2165, 2166, 2167, 2168, 2169, 2170, 2171, 2172, 2173, 2174, 2175, 2176, 2177, 2178, 2179, 2180, 2181, 2182, 2183, 2184, 2185, 2186, 2187, 2188, 2189, 2190, 2191, 2192, 2193, 2194, 2195, 2196, 2197, 2198, 2199, 2200, 2201, 2202, 2203, 2204, 2205, 2206, 2207, 2208, 2209, 2210, 2211, 2212, 2213, 2214, 2215, 2216, 2217, 2218, 2219, 2220, 2221, 2222, 2223, 2224, 2225, 2226, 2227, 2228, 2229, 2230, 2231, 2232, 2233, 2234, 2235, 2236, 2237, 2238, 2239, 2240, 2241, 2242, 2243, 2244, 2245, 2246, 2247, 2248, 2249, 2250, 2251, 2252, 2253, 2254, 2255, 2256, 2257, 2258, 2259, 2260, 2261, 2262, 2263, 2264, 2265, 2266, 2267, 2268, 2269, 2270, 2271, 2272, 2273, 2274, 2275, 2276, 2277, 2278, 2279, 2280, 2281, 2282, 2283, 2284, 2285, 2286, 2287, 2288, 2289, 2290, 2291, 2292, 2293, 2294, 2295, 2296, 2297, 2298, 2299, 2300, 2301, 2302, 2303, 2304, 2305, 2306, 2307, 2308, 2309, 2310, 2311, 2312, 2313, 2314, 2315, 2316, 2317, 2318, 2319, 2320, 2321, 2322, 2323, 2324, 2325, 2326, 2327, 2328, 2329, 2330, 2331, 2332, 2333, 2334, 2335, 2336, 2337, 2338, 2339, 2340, 2341, 2342, 2343, 2344, 2345, 2346, 2347, 2348, 2349, 2350, 2351, 2352, 2353, 2354, 2355, 2356, 2357, 2358, 2359, 2360, 2361, 2362, 2363, 2364, 2365, 2366, 2367, 2368, 2369, 2370, 2371, 2372, 2373, 2374, 2375, 2376, 2377, 2378, 2379, 2380, 2381, 2382, 2383, 2384, 2385, 2386, 2387, 2388, 2389, 2390, 2391, 2392, 2393, 2394, 2395, 2396, 2397, 2398, 2399, 2400, 2401, 2402, 2403, 2404, 2405, 2406, 2407, 2408, 2409, 2410, 2411, 2412, 2413, 2414, 2415, 2416, 2417, 2418, 2419, 2420, 2421, 2422, 2423, 2424, 2425, 2426, 2427, 2428, 2429, 2430, 2431, 2432, 2433, 2434, 2435, 2436, 2437, 2438, 2439, 2440, 2441, 2442, 2443, 2444, 2445, 2446, 2447, 2448, 2449, 2450, 2451, 2452, 2453, 2454, 2455, 2456, 2457, 2458, 2459, 2460, 2461, 2462, 2463, 2464, 2465, 2466, 2467, 2468, 2469, 2470, 2471, 2472, 2473, 2474, 2475, 2476, 2477, 2478, 2479, 2480, 2481, 2482, 2483, 2484, 2485, 2486, 2487, 2488, 2489, 2490, 2491, 2492, 2493, 2494, 2495, 2496, 2497, 2498, 2499, 2500, 2501, 2502, 2503, 2504, 2505, 2506, 2507, 2508, 2509, 2510, 2511, 2512, 2513, 2514, 2515, 2516, 2517, 2518, 2519, 2520, 2521, 2522, 2523, 2524, 2525, 2526, 2527, 2528, 2529, 2530, 2531, 2532, 2533, 2534, 2535, 2536, 2537, 2538, 2539, 2540, 2541, 2542, 2543, 2544, 2545, 2546, 2547, 2548, 2549, 2550, 2551, 2552, 2553, 2554, 2555, 2556, 2557, 2558, 2559, 2560, 2561, 2562, 2563, 2564, 2565, 2566, 2567, 2568, 2569, 2570, 2571, 2572, 2573, 2574, 2575, 2576, 2577, 2578, 2579, 2580, 2581, 2582, 2583, 2584, 2585, 2586, 2587, 2588, 2589, 2590, 2591, 2592, 2593, 2594, 2595, 2596, 2597, 2598, 2599, 2600, 2601, 2602, 2603, 2604, 2605, 2606, 2607, 2608, 2609, 2610, 2611, 2612, 2613, 2614, 2615, 2616, 2617, 2618, 2619, 2620, 2621, 2622, 2623, 2624, 2625, 2626, 2627, 2628, 2629, 2630, 2631, 2632, 2633, 2634, 2635, 2636, 2637, 2638, 2639, 2640, 2641, 2642, 2643, 2644, 2645, 2646, 2647, 2648, 2649, 2650, 2651, 2652, 2653, 2654, 2655, 2656, 2657, 2658, 2659, 2660, 2661, 2662, 2663, 2664, 2665, 2666, 2667, 2668, 2669, 2670, 2671, 2672, 2673, 2674, 2675, 2676, 2677, 2678, 2679, 26

المجلس الأعلى للدراسات الإسلامية

23-02-2020 Page 3

● **امثال** : من اذ يحسنه الله وجهه ، فله الله المستعانه على كل شيء

گذاشته در مومس و تعطل اعمال کافران به جاگستر و

علم ہی عمل ہو: نہ بحث و تجویز نہ این شمارہ

پیمان شکنی اور اس کا حل قرآن میں کیا ہے؟

بہ حق و باطل، اہل حق و باطل، اور اہل حق و باطل

۶ چرا ستارگان چشمک می زنند؟ آیا خطای چشم ماست یا این که علتی برای چشمک زدن آن وجود دارد؟

■ اگر از فاصله ای به چندان دور به بالای شعله های آتش یا یک بهاری روشن نگاه کنید جریانهای از هوا را به طرف بالا می بینید. به طوری که اگر به آتشی پشت این جریانهای هوا نگاه کنید تصویر آنها را لوزان و تقریباً به صورت محو می بینید. مشابه این رفتار را در روزهای گرم تابستان در حاده های آسمان مشاهده می کنید. این پدیده که به دلیل جابه جایی هوای گرم با سردی می دهند پدیده همرفت می نامند. البته شرط دیگر پدیده همرفت آنست که کاهش دما یا ارتفاع از یک حد معینی بیشتر باشد.

و اما مشاهده چشمک زنی ستارگان ناشی از خطای چشم نمی باشد بلکه یک دلیل روشن فیزیکی دارد و آن هم ناشی از وجود پدیده همرفت در جو زمین است. اثر حرکت

هوا در جو زمین و جابه جایی هوای گرم با سرد (و بالعکس) به صورت چشمک زدن ستارگان در روی زمین ظاهر می شود.

به طوری که اگر به بیرون جو زمین برویم و ستارگان را مشاهده کنیم دیگر آنها چشمک نمی زنند.

۷ نور چیست؟ چگونه تشکیل شده است و منشأ آن کجاست؟

■ نور چیست؟ این سؤال به ظاهر ساده از دوران قدیم مورد توجه بوده است به طوریکه در دوران اخیر نیز پاسخ صریخی به این سؤال داده نشده و علاوه بر این، رفتار دوگانه آن یکی از چالشهای فیزیک جدید است زیرا در برخی از آزمایشها مانند موج و در برخی دیگر مانند ذره عمل می کند. اما آنچه در این مختصر می توان گفت آنست که بیشتر اطلاعات ما از جهان اطرافمان حاصل از نوری است که به ما رسیده است.

متداول ترین چشمه های نور اجسام داغ و گازهای هستند که در آنها تخلیه الکتریکی

انجام می گیرد. رشته تنگستن در یک لامپ معمولی نمونه ای از چشمه های یاد شده است. از دیدگاه فیزیک کلاسیک هر گاه یک بار الکتریکی به طور متناوب حرکت کند از خود نور تابش می کند (در اینجا نور به معنای عام بکار می رود که شامل نور مرئی نیز می باشد). و اما از دیدگاه فیزیک جدید، منشأ نور در داخل اتم است به طوری که اگر الکترونهای اتم در حالت مانای معینی باشند از خود نور گسیل نمی کنند. ولی اگر یک الکترون در یک مدار با انرژی معینی به حالت دیگری با انرژی کمتر انتقال یابد (یعنی برانگیخته شود) پس از گذشت زمان 10^{-8} به حالت قبلی باز می گردد و در حین بازگشت اختلاف انرژی بین دو تراز را به صورت نور تابش می کند.

۸ آیا در کرات دیگر آسمانی مانند نیر، ناهید و... می توان زندگی کرد؟

■ منظور از این سؤال چندان واضح نیست، آیا صرفاً حیات در سیاره های دیگر منظومه

آنچه می خوانید پاسخ به سوال هایی است که در شماره ۲۲ دیده اید. این سوال ها را دانش آموزی به نام امیرباباربع پرسیده بود که پاسخ آنها در اینجا درج می شود.

چيست چرا چگونه

روح الله خليلی

علوم

امیرباباربع



مناسب بود.

و این در خارج از منظومه شمسی، از میان سیبیل‌ها ستاره، ستاره القی فظور من برای بررسی حیات در اطراف آن، مناسب‌تر است. القی فظور من نزدیکترین ستاره به خورشید و فاصله آن از خورشید ۲۳ میلیارد نوری است. القی فظور من در واقع یک ستاره سه‌تایی است که در فاصله‌های متفاوتی از هم واقعند. به طوری که فاصله متوسط آنها از هم دیگر ۲۳ واحد نجومی است. به دلیل شدت زیاد این ستاره‌ها خورشید احتمال وجود حیات در میانه‌ای که به دور این ستاره می‌چرخد وجود دارد هر چند به خوبی باید شنبه است.

از طرف دیگر با گذاشتن تلسکوپ‌های رادیویی بزرگ در نقاط مختلف زمین، دانشمندان درصددند با دریافت امواج رادیویی پس به وجود حیات در آن‌ها حسه‌ای از فضا دارند.

۶ زمین چگونه به وجود آمده است؟ آیا این قرص به درستی است که زمین پاره‌ای از خورشید بوده و در فضا معلق شده است؟

■ زمین چگونه به وجود آمده است؟ این سؤال که ده‌ها آسانه به نظر می‌رسد ده‌ها سال بود که ذهن بسیاری از دانشمندان را به خود مشغول کرده بود. ولی تنها در چند سال اخیر، پس از بررسی ترکیبات شیمیایی سنگها و محاسبات مداری به کمک اسر رایانه‌ها، تصویری نزدیک به واقعیت از روزهای نگرین زمین ترسیم شده است، تصویری که اوضاع و احوال ۴/۵ میلیارد سال پیش را نشان می‌دهد. در سالهای دهه ۱۹۵۰ میلادی هارولد یوری شیمیدان نوبل جایزه نوبل به این نتیجه رسید که زمین نه از تراکم ابرغول یکری از گاز خورشیدی، بلکه از اجسام سنگی کوچک‌تر که پس یافته است، یوری فرض کرد که مواد سطحی خورشیدی

شمسی مورد سؤال است یا در بیرون از منظومه شمسی نیز مدنظر می‌باشد؟

وجود حیات در سیارات دیگر منظومه شمسی و در خارج از آن مساله‌ای است که مورد توجه دانشمندان بوده است.

یک شرط لازم برای وجود حیات روی یک سیاره، فاصله آن از ستاره‌ای است که به دور آن می‌چرخد. در منظومه شمسی، نیز و تا حدی بیش از حد به خورشید نزدیک و دمای زیادی دارند. در حالی که مریخ (نزدیکترین سیاره بیرونی زمین) از خورشید دور و خیلی سرد است. فقط دمای زمین برای نگه‌داشتن حیات هوشمند مناسب است. به دیگر سخن تنها زمین در فاصله مناسب قرار گرفته است.

در منظومه شمسی محدوده‌ای را می‌توان مشخص کرد که اگر سیاره‌ای در آن باشد، دمایش برای پیدایش و رشد حیات هوشمند مناسب است. این محدوده که زمین حیات نامیده می‌شود البته در تعیین محدوده که زمین حیات اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از محققین حدود این که زمین را از ۰٫۹۵ تا ۱٫۰۱ واحد نجومی در نظر می‌گیرند. یک واحد نجومی برابر با فاصله زمین از خورشید است. این محدوده از ۰٫۹۵ تا ۱٫۰۱ واحد نجومی تعیین شده است. البته ذکر این نکته ضروری است که دمای سیاره‌ها به فاصله آن از خورشید بستگی ندارد. عامل دیگری که در مقدار دمای سیاره دخالت دارد، اندازه سیاره است. به طور کلی هر چه اندازه سیاره بزرگتر باشد، دمای آن بیشتر است. مریخ به دلیل فاصله زیادش از خورشید بیش از اندازه سرد است. هر چند غده‌ای معتقدند اگر مریخ به اندازه زمین بود، دمایش برای بقای حیات

قبل از آنکه مستقیماً به صورت سیاره‌ای کامل درآید، به صورت اجسام کوچک‌تری که «خرد سیاره» نامیده می‌شوند، متراکم شده‌اند. در مرحله دیگر به دلیل کمبود مواد نیروی گرانش خرد سیاره‌ها، آنها با هم برخورد می‌کنند، به هم می‌چسبند و پس تشکیل می‌شود.

هر چند کار یوری بر شمعی کیهانی مبتنی بود، در دهان زمان، ویکتور ساکسوف و همکاران نیز در شوروی پس از تحقیقی در ارتباط با اینکه چگونه خرد سیاره‌ها توانستند یکپارچه شوند و میانه‌ای را به وجود آورند انجام دادند که نتایج این تحقیق، به طور جانبی و حتی با نظریه یوری توافق داشت. طبق نتیجه این تحقیق جرم بزرگی از گاز مستقیماً به میانه‌ای تبدیل نشده است، بلکه ابتدا خرد سیاره‌ها به وجود آمده‌اند و پس از برخورد آنها به یکدیگر زمین شکل شده است.

۷ آیا خورشید (مثل زمین) کمره است یا ستاره‌ای از گازهای فشرده است و چه وقت به اتمام می‌رسد؟

■ خورشید یک گوی بزرگ گازی است که همچون ستاره‌های دیگر، بر اثر واکنشهای هسته‌ای می‌درخشد. این واکنشها مستقلاً از یونی انرژی تولید می‌کنند که این انرژیها به سطح خورشید می‌آیند و از آنجا به فضا گسیل می‌شوند. فاصله عظیم جرم خورشید از زمین و آن (در حدود ۱۵۰/۷۳) شکل شده و به جرم آن راهپایه (۲۵/۱) و حدود ۱/۵٪ جرم باقیمانده، از عناصر سنگین تشکیل شده است. اگر چه متوسط چگالی مواد تشکیل دهنده خورشید تقریباً معادل چگالی آب است، اما در مرکز خورشید، گازها توسط فشار لایه‌های بالای متر که شده، چگالی آنها

انرژیهای بسیار

۱۶ برابر چگالی آب است. در مرکز خورشید، دما در حدود ۱۵ میلیون درجه سانتیگراد و فشار بیش از صد میلیارد برابر فشار هوا بر روی زمین است.

واکنش‌های هسته‌ای موسوم به همجوشی در چپ‌شرایطی در مرکز خورشید رخ می‌دهد. در این دمای بسیار بالا هسته‌های هیدروژن چنان به هم برخورد می‌کنند که بعضی از آنها به هم جوش می‌خورند و هسته هلیوم را به وجود می‌آورند. در حین این واکنش مقدار زیادی انرژی آزاد می‌شود.

در هر ثانیه حدود ۴/۴ میلیون تن ماده در خورشید به انرژی تبدیل می‌شود. عقیده بر این است که خورشید در حدود ۵ میلیارد سال است که می‌درخشد و برای ادامه درخشندگی خود حداقل به اندازه ۵ میلیارد سال دیگر سوخت هسته‌ای دارد.

خوب است بدانید یک فوتون که در مرکز خورشید بوجود می‌آید بیش از یک میلیون سال طول می‌کشد تا به سطح خورشید برسد در حالی که همین فوتون فاصله سطح خورشید تا زمین را تقریباً در حدود ۸ دقیقه طی می‌کند!

چرا ماه نورانی است، آیا اگر به ماه برویم و به زمین و دیگر کرات آسمانی نگاه کنیم آنها هم نورانی‌اند؟

به طور کلی هرگاه نور بر یک سطحی تابیده شود، بسته به نوع سطح در صدی نور از سطح بازتاب، در صدی جذب و در صدی عبور می‌کند. به طوری که مجموع بازتاب، جذب و عبور برابر ۱۰۰ درصد می‌شود.

کسری از نور بازتاب شده توسط یک جسم را ضریب بازتاب می‌نامند که برای اجسام مختلف، متفاوت است. در علم نجوم ضریب بازتاب یک جسم را آلفید و

(Albedo) یا سپیدی می‌نامند (ریشه لاتین این کلمه Albus به معنای سفید می‌باشد). سپیدی اجرام منظومه شمسی متفاوت می‌باشد به طوری که کمترین سپیدی را عطارد و به میزان ۶ درصد و بیشترین را زحل و به میزان ۶۱ درصد دارد. داده‌های اخیر اطلاعات ما از سیاره خودمان (زمین) بسیار اندک بود. و چنین تصویری شد که زمین بین ۳۰ تا ۴۰ درصد از نور دریافتی را باز می‌تاباند.

اندازه‌گیری‌های دقیق توسط ماهواره‌ها نشان می‌دهد سپیدی زمین ۲۸ درصد است. از آنجائی که با تقریب بسیار خوبی می‌توان گفت فاصله زمین و ماه از خورشید برابر است، می‌توان نتیجه گرفت که ماه همان مقدار از نور خورشید را در هر واحد سطح دریافت می‌کند که هر واحد سطح زمین دریافت می‌کند. اما اندازه‌گیری‌ها نشان می‌دهد که سپیدی ماه ۷ درصد می‌باشد (۱/۴).

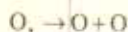
سپیدی زمین). یعنی اگر از ماه به زمین نگاه کنیم آن را ۴ برابر روشن‌تر از ماه (هنگامی که از زمین به آن نگاه کنیم) خواهیم دید.

□ لایه اوزون چیست و چگونه تشکیل شده است؟

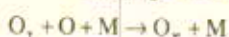
■ چند سالی است که بحث لایه اوزون و مسائل مربوط به آن در ردیف اخبار مهم علمی قرار گرفته است. بدین جهت پاسخ این سؤال به طور مبسوط‌تری بیان می‌شود. اندازه‌گیری‌ها نشان می‌دهد، غلظت گاز اوزون با افزایش ارتفاع از سطح زمین افزایش می‌یابد و در حدود ۲۵ کیلومتری سطح زمین به بیشینه می‌رسد و سپس در حدود ارتفاع ۷۰ کیلومتری مقدار ناچیزی از آن باقی می‌ماند. تقریباً قسمت زیادی از آرام سپهر (Stratosphere) و قسمت کمی از میان سپهر

(Mesosphere) را لایه اوزون می‌نامند.

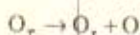
درصد اوزون تا ارتفاع ۲۵ کیلومتری سطح زمین تقریباً ۱۰ درصد از کل ترکیب هوای خشک را تشکیل می‌دهد. هر چند این میزان خیلی ناچیز است ولی منشأ اثراتی می‌شود که بسیار مهم‌تر از نسبت اندک آن در جو است. یکی از توانایی‌های خوب گاز اوزون، جذب طول موج‌های معینی از تابش فرابنفش (که به شدت برای سلامت انسان مضر است) حاصل از نور خورشید می‌باشد. گاز اوزون در نتیجه دو فرآیند فیزیکی پی‌درپی در بخش فوقانی جو و تشکیل می‌شود. فرآیند اول تجزیه نوری مولکول اکسیژن (O_2) از طریق جذب طول موج‌های معینی از تابش فرابنفش خورشیدی است. این فرآیند به تولید اتم‌های اکسیژن منجر می‌شود.



در فرآیند دوم، با بر خورد اتم‌ها و مولکول‌های اکسیژن در حضور یک ذره سوم (M)، اوزون تشکیل می‌شود:



این واکنش در بخش فوقانی آرام سپهر جو به آسانی انجام می‌شود. در این لایه چگالی هوا به گونه‌ای است که مقدار نسبتاً زیادی مولکول اکسیژن دو اتمی وجود دارد. اما از طرف دیگر اوزون خود، با جذب تابش فرابنفش یا طول موج‌های متفاوت به صورت زیر تجزیه نوری می‌شود:



اگر فرآیندهای آفرینش و نابودی اوزون متوازن باشد، یک حالت تراز مندی فوتوشیمیایی رخ می‌دهد. منبع دیگر تولید اوزون تجزیه دی‌اکسید ازت (NO_2) است که در پی انفجارهای آتشفشانی، آتش‌سوزی در جنگل‌ها، دود کارخانه‌ها و ... وارد جو زمین می‌شود.

توازن تابشی و ساختار گرمایی آرام سپهر عمدتاً توسط توزیع مناسب اوزون کنترل می‌شود. تابش الکترومغناطیسی خورشید در گستره طول موجهای ۲۳ تا ۳۰۰ میکرون، در بخش فوقانی آرام سپهر تا حدود زیادی جذب می‌شود. به این ترتیب اوزون حیات السال و حیوان را از تابش مستقیم خورشید در این گستره طول موج، محافظت می‌کند. اوزون دارای خواص سمی است حتی مقادیر کم آن باعث موزش گلو، بینی و مجاری تنفسی می‌شود.

۶ ستاره دنباله دار چیست؟ و به اصطلاح دم آن چگونه به وجود آمده است؟

■ دنباله دارها توده‌هایی از گاز و غباراند هنگامی که یکی از این کمره‌های سرد به خورشید نزدیک می‌شود، به بخار شدن گازها و غبارها، هاله‌ای مه‌آلود آن را احاطه می‌کند و ذره‌ی بلند در اطرافش ایجاد می‌شود. هر بار که دنباله دار به خورشید نزدیک می‌شود، مقدار زیادی از جرمش را به صورت گاز و غبار بخار شده از دست می‌دهد. مکان و نحوه شکل‌گیری دنباله دارها دهها سال همانند معمای حل نشده باقی مانده بود. در چند سال اخیر با توجه به کشفیات ناآرامش تلسکوپ فضایی هابل تا حدود زیادی معمای چگونگی و مکان شکل‌گیری دنباله دارها حل شده است. اخیراً شواهد کمره‌بلندی یافته‌اند که مکان بسیاری از ستاره‌های دنباله دار است. کمره‌بلندی کوی پر قرصی است ممنوع از اجرام دنباله دار که در ورای مدار پستون به دور خورشید می‌چرخند.

در دنیای نجوم رصد دنباله دارها یکی از زیباترین رصدهای اجرام سماوی است. زیرا هر دنباله داری که به خورشید نزدیک می‌شود، ویژگیهای خاص خود را دارد. درخشندگی، اندازه و شکل گیسو (کما) و دنباله همه دنباله دارها متفاوت است. حتی در مدنی که دنباله داری در نزدیکی خورشید است، ممکن است خصوصیات آن در طی چند روز تغییر کند. این خود علت

حدایت رصد دنباله دار است. مکان دنباله دارها در آسمان تغییر می‌کند. به طوری که رصد و ثبت جابه‌جایی آنها در هر شب نیاز لذت بخش است.

شکل دنباله دارهای گوناگون متفاوت است. بعضی دنباله ای صریح و بعضی دنباله ای مارپیچ دارند. بعضی دنباله و بعضی اصلاً دنباله قابل توجهی ندارند.

۷ چرا رنگ آسمان آبی است و به رنگ دیگری نیست؟ و چرا رنگین کمان فقط هفت رنگ دارد؟

■ فضای خارج جو زمین سیاه و تاریک است. در فضای بیرون جو هیچ نور و منبع آن هیچ رنگی دیده نمی‌شود، مگر آنکه مستقیماً به یک چشمه نور نگاه شود. دلیل این موضوع آنست که فضا نهی به به عذری خلأ است، یعنی به دره‌ای در آن وجود دارد و به مولکول‌هایی که سوراخ منعکس کند. غبار جو زمین از مولکولهای گازهای مختلف بر است. همین مولکولها با جذب و نشر تابش نور خورشید باعث می‌شوند که آسمان رنگی دیده شود.

بیشترین جذب و نشر نور خورشید در طول موجهای خارج بخش مرئی طیف الکترومغناطیسی روی می‌دهد. رنگ آبی آسمان یا سرخی شفق و شفق، به رنگ سفید ابرها همه ناشی از انواع مختلف برهم کنش های بین نور و مولکولها می‌باشند که بخش یا تفرق نامیده می‌شود. اندازه بیشتر مولکولهای جو چنین مرتبه کم چگتر از طول موج نور مرئی است (مطابق جدول). ذرات زیر اثر چندی در بخش نور ندارند. ولی هر چه طول موج کوچکتر باشد، اندازه نسبی ذره بخش کننده موج هم بزرگتر خواهد بود. بنابراین طول موجهای کوتاه‌تر (یعنی آبی و بنفش) بیشتر از طول موجهای بلندتر (یعنی قرمز و نارنجی) بخش می‌شوند. در نتیجه آنچه در هنگام نگاه کردن به آسمان دیده می‌شود، نور آبی بخش شده است. این بخش که به وسیله ذرات زیر به وجود می‌آید، بخش رابینسی نامیده

می‌شود. هم چنین ابرها به این دلیل تشکیل دهنده می‌شوند که ذرات تشکیل دهنده آنها بسیار بزرگتر از طول موجهای نور مرئی می‌باشد. بنابراین قسمت عمده ندره طول موجهای مرئی را به صورت تابش پخش می‌کند و در نتیجه آسمان سفید دیده می‌شود. و هنگام طلوع و غروب و غروب طلوع آسمان به رنگهای قرمز و نارنجی دیده می‌شود زیرا این نواحی نور جو را مسدود می‌کند.

اگر یک غبار سیاه در فضا باشد

ذره	اندازه بر حسب متر
مولکول اکسیژن	10^{-10}
ذره مولفات	10^{-9}
ذرات نمک معلق در هوا	10^{-6}
ذرات ابر	10^{-5}
قطره باران	10^{-4}
طول موج نور آبی	4×10^{-7}
طول موج نور قرمز	7×10^{-7}

بر نواحی نور خورشید قرار دهد، مشاهده می‌شود که نور خورشید به هفت رنگ تجزیه می‌شود. به همین دلیل رنگین کمان به هفت رنگ دیده می‌شود. به ابرهای نور خورشید، هنگام غروب از قطره‌های آب معلق در هوا (پس از شکست و بازتابش ذرات) به رنگ‌های تشکیل دهنده نور خورشید تجزیه می‌شوند.

۸ هاله‌ای که دور بعضی از ستارگان است چیست و چگونه تشکیل شده است؟

■ اگر در شبی که آسمان صاف است به ستارگان بالای سر (مثلاً ال‌رام) نگاه کنید، آنها هاله‌ای کم نور، سفید دیده می‌شود. در شبی که آسمان به ماه که بالای سر شماست نگاه کنید چنین هاله‌ای را مشاهده می‌کنید. دلیل این پدیده پراش نور تغییراتی است که در نور ستارگان هنگام عبور از جو زمین رخ می‌دهد. در این ناحیه به پراش مؤثر (۱) مراجعه کنید.

رشد آموزش راهنمایی

○ رشد: آموزش راهنمایی تحصیلی

○ تاریخ شروع انتشار: ۱۳۷۲

○ ترتیب انتشار: فصلنامه

○ قطع: رحلی

○ روش: آموزشی، تحلیلی، اطلاع رسانی

○ تعداد صفحات: ۶۴ صفحه

○ مخاطبان: دبیران دوره راهنمایی تحصیلی در رشته های مختلف

○ موضوعات کلی مجله: مباحثی در زمینه مطالب درسی دوره راهنمایی از جمله ریاضی، علوم، فارسی، جغرافی،

تاریخ، دینی، هنر، حرفه و فن و... قالب های مختلف مانند گفتگو، مقاله، گزارش، شعر، شرح حال، نقد و...

○ اهداف مجله: آموزش دبیران دوره راهنمایی، تبادل تجربیات بین معلمان دوره راهنمایی و کارشناسان

مربوط به اطلاع رسانی در خصوص مطالب جدید و علوم روز، طرح دیدگاه های صاحب نظران و...

شرایط اشتراک:

۱. واریز حداقل مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال به عنوان علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سرخه حصار،

کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال رسید بانکی به همراه فرم تکمیل شده اشتراک.

۲. شروع اشتراک از زمان وصول فرم درخواست می باشد.

○ نام و نام خانوادگی:

○ تاریخ تولد:

○ میزان تحصیلات:

○ تلفن:

○ نشانی کامل پستی:

استان:

شهرستان:

کوچه:

کد پستی:

○ مبلغ واریز شده:

○ شماره و تاریخ رسید بانکی:

امضاء

نشانی: تهران صندوق پستی ۱۵۸۷۵۰۳۳۳۱، تلفن ۸۸۳۱۱۵۰۹ داخلی (۴۲۳۲ امور مشترکین)، (۳۲۲ روابط عمومی)

○ مشخصات و نشانی خود را کامل و خوانا بنویسید. هزینه برگشت مجله در صورت کامل نبودن نشانی، به عهده مشترک است.

○ ارسال اصل رسید بانکی ضروری است.

for him at Menlo Park; and in that house Edison invented a lot of different things. One of these was a talking-machine. We call it a record-player. Our modern record-player is better than the old one, of course; but Edison's machine was the first of its kind in the world. We use flat records, like discs, but this early machine used cylinders. Edison was a very happy man when he heard his own voice. It came (badly) from the new instrument. Many men who heard it did not believe it. They believed that Edison had hidden a man there, and that the hidden man was saying the words!

1. Put one of the given words in each space:

printed; instrument; chemicals; phosphorus; operator

(a) The _____ fell on the floor and it immediately began to burn.

(b) This book was _____ in London.

(c) Peter asked the telephone _____ for the right number.

(d) Do they put any _____ in this food to keep it good?

(e) That _____ measures the current in the wire.

2. Put the right word in each space:

(a) Peter was reading _____ radio waves.

(b) That old aircraft was one of the first _____ the world.

(c) The astronomers blamed Peter _____ the bad photograph of the star.

(d) One man was driving the tractor, and another was walking _____ front of it.

(e) The heavy bag fell _____ the floor and the top opened suddenly.

3. Put who, whom or which in each space below:

(a) Instruments are not like a man _____ forgets.

(b) The record-player _____ Peter bought is a good one.

(c) The phosphorus _____ fell down did not cost much.

(d) One day he was helping a man _____ was a telegraph operator.

(e) The man _____ Edison met was a telegraph operator.

4. The following sentences describe things in the past. Put them into the present.

Example: Edison was one of eight children.

Answer: Edison is one of eight children.

(a) Edison was blamed for everything.

(b) Mackenzie wanted to thank him properly.

(c) He had to stay awake.

(d) The early machine used cylinders.

(e) Men who heard it did not believe it.

5. Put the following into the past:

(a) The rich man is buying the new instrument.

(b) He is paying about 8,000 pounds for it.

(c) He is teaching Edison.

(d) Some people forget the time.

(e) The earthquake is shaking the ground.

(f) The great waves are breaking the concrete wall.

(g) The earthquake shocks will reach many distant places.

(h) The frame of this picture has been broken.

(i) The volcano will be watched carefully every day.

(j) Invar will be used to make the pendulum.



انوار
العلم

Thomas Alva Edison

THOMAS ALVA EDISON was one of eight children. He was born in America in 1847, and he was interested in science at an early age. When he was twelve, he began to sell newspapers. He travelled on American trains and printed his newspapers on them. He began to make experiments on the trains too, and he had a lot of instruments and chemicals on them. The railway line was not very good, and one day a train suddenly shook badly on a curve. Edison had a piece of phosphorus among his chemicals. Everything in the train was shaken, and the phosphorus fell on the floor. It began to burn, as phosphorus often does. The train was soon burning also, and Edison was blamed for everything. He had to leave the train, and all his instruments and newspapers had to go with him.

After that he did not print any more newspapers on trains. Perhaps the story that follows explains the next part of his life. One day he was talking to a friend, Jim Mackenzie, who was a telegraph operator. During the conversation, Edison looked up and saw a small boy on the railway line. The boy was Mackenzie's son, and a train was coming. Edison rushed on the line in front of the train. He dragged himself and the boy away before the train reached them. He had saved the boy's life, and Mackenzie wanted to thank him properly. But Mackenzie was not a rich man; so, to show his feelings, he taught Edison the use of the telegraph instruments.



After that Edison worked as a telegraph operator. He worked at night; during the day he read books and made experiments. The result was that he was very tired. Sometimes he slept at night, and so the other operators got angry. When they sent a message, Edison did not answer. He was asleep. They soon found a way to keep him awake. They told him to telegraph the letter A every hour; and in order to do this, he had to stay awake.

Edison did not like this at all; he was still tired. So he invented a new instrument which sent the letter A every hour. It never, never failed. Instruments are not like people who forget. So the other operators received the letter every hour.

They could not believe that Edison was such a wonderful man. One night they went quietly to his room and looked in. He was sleeping deeply, and his instrument was sending the letter A!

Edison continued his experiments in New York, but he had not got much money. He invented another instrument. This one printed the messages which the telegraph received. There was by chance a rich man there who was studying the electric telegraph. As soon as he saw the new instrument he bought it for about 8,000 pounds.

With this money Edison was able to get some other scientists to help him. His father also built a big house

اشکالات متعددی است که یک مورد آن نفی چشم بسته روایات شفاهی تحت عنوان افسانه و اسطوره است. نتیجه این می شود که بخش عمده و

ارزشمندی از اخبار، در قالب ضرب المثل ها، لغات، داستان ها و غیره مورد التفات قرار نگردد. در همان حال از

آنجا که دوره تاریخی در حدود ۵۰۰۰ سال و کل تاریخ بشر بسیار طولانی تر از این مقدار است، عملاً بخش عمده ای از تاریخ بشر با این ادعا که اسناد مکتوب ندارد و اخبار و آثار آن شایسته اعتماد کلی نیست، با عنوان پیش از تاریخ از نظر دور قرار داده می شود. علی رغم اهمیت تام و تمامی که خط در فرهنگ و تمدن بشری دارد، نباید بدین نکته توجه داشت که اصطلاحات دوره پیش از تاریخ و دوره تاریخی را آن دسته از مورخان اروپایی پیش نهاد کرده اند که خود شیفته اسناد و دل بسته مکتوبات و اسناد تاریخی بوده اند.

اعصار سنگ و مفرغ و آهن

انسان علی رغم استعدادها و توانایی هایش، دارای ضعف هایی است. مثلاً با وجودی که استعداد اندیشیدن و اختراع و تکلم و تعلم دارد، اما نه می تواند سریع تر از حیوانات بدود، مانند پرندگان پرواز کند و یا با پشم و پر، خود را از سرما محافظت کند. برای رفع این نقایص و به عبارت صحیح تر برآورده ساختن نیاز هایش، باید به ساختن ابزار و فراهم آوردن وسایل اقدام نماید. توانایی های فکری و نیز قابلیت های دست بشر هم شرایط لازم را برایش فراهم آورده است. در دامان پربرکت طبیعت خداداد نیز امکانات لازم برایش وجود دارد. بنابراین انسان از آغاز حضور در کره خاک با استفاده از مواد و امکانات موجود در طبیعت، اقدام به ساختن ابزارهای مورد نیاز خود کرده است. مثلاً از پوست حیوانات برای ساختن لباس و از چوب درختان برای تهیه ابزار دفاع و کندن زمین و غیره استفاده کرده است. وسایلی که از پوست، چوب، استخوان و مانند آنها ساخته می شد پس از مدتی فرسوده شده از بین می رفتند. به همین جهت از ابزارهایی که از چنین موادی ساخته شده اند، آثار چندانی به جای نمانده است. اما ابزارهایی که از مواد سخت تر مانند سنگ ساخته شده اند برای هزاران سال در دل خاک و درون غارها باقی مانده اند. به همین جهت یکی از قدیمی ترین و مهم ترین آثاری که از گذشته های دور انسان به دست آمده، ابزار سنگی است. از آنجا که سنگ در طبیعت فراوان است و امکان ساختن ابزار از آن نیز برای همه فراهم بوده، دوره ای طولانی و گسترده (تقریباً در سراسر کره زمین) در تاریخ بشر وجود دارد که به آن عصر سنگ^۱ (عصر حجر) می گویند.

عصر سنگ از زمانی آغاز شد که بشر سنگ را مطابق نیاز خود شکل داده و از آن ابزار مورد نیاز خویش را ساخت. سنگی که تغییر شکل داده شده باشد، مثلاً به آن تیز شده، صیقلی شده یا سوراخ شده باشد... با سنگ معمولی متفاوت است. باستان شناسان از

ادوار زمین شناسانه تاریخ جهان

بر اساس محاسبات ریاضی و مطالعه بر روی عمر سنگ ها، دانشمندان عمر کره زمین را حدود پنج میلیارد سال تعیین کرده اند. بدین معنی که پنج میلیارد سال پیش، زمین کره ای آتشی و قروزان بوده و سپس سرد شده و پوسته سرد و سخت کنونی آن شکل گرفته است. تحولات بسیاری نیز در این پوسته و نیز جو زمین صورت گرفته و از حدود یک میلیارد سال پیش، قاره ها و خشکی ها به وجود آمده اند. زمین شناسان با مطالعه در طبقات زمین و وضعیت سنگ ها، عمر زمین را به دوران ها، دوره ها و عصرها، تقسیم کرده اند. براین اساس عمر زمین به چندین دوران تقسیم می شود. این دوران ها عبارتند از:

دوران پرکامبرین^۲: آغاز این دوران به درستی مشخص نیست. پایان آن ۵۷۰ میلیون سال پیش بوده است.

دوران پالئوزوئیک^۳: به معنای حیات قدیم که شروع آن ۵۷۰ میلیون سال پیش بوده است.

دوران مزوزوئیک^۴: به معنای حیات میانه که شروع آن ۲۲۵ میلیون سال پیش بوده است.

دوران سنوزوئیک^۵: به معنای حیات جدید که از ۶۵ میلیون سال پیش شروع شده و تاکنون ادامه دارد. هر دوران شامل چند دوره و هر دوره شامل چند عصر است. اکنون عصر هولوسن^۶ از دوره کوآترنری^۷ از دوران سنوزوئیک است. در دوره کوآترنری که از حدود ۱،۲۰۰،۰۰۰ سال قبل آغاز شده عصری موسوم به عصر یخ بندان^۸ به وجود آمد که طی آن صفحات وسیعی از شمال و جنوب کره زمین را یخ پوشاند. گسترش یخ قسمت های وسیعی از قاره ها را در بر گرفت و صدها هزار سال در بعضی نقاط به طول انجامید. قسمت هایی از تاریخ بشر در عصر یخ بندان واقع شده است. در عصر یخ بندان تحولات بسیاری در حیات بشری، گیاهی و جانوری

همین تفاوت استفاده کرده و اشیای سنگی ساخت انسان‌ها را

دوران	دوره	عصر	مدت به میلیون سال	فاصله تا زمان حال به میلیون سال
ستوزوئیک	کواترنری	هولوسن (اکنون)	۱/۲	۱/۲
		پلی استوسن	۱/۵	۱/۵
	ترشیاری	پلیوسن	۵/۵	۷
		میوسن	۱۹	۲۶
		اولیگوسن	۱۲	۳۸
حیات جدید		الوسن	۱۶	۵۲
		پالئوسن	۱۹	۶۵
موزوئیک	کرتاسه		۷۱	۱۳۶
حیات میانه	ژوراسیک		۵۴	۱۹۰
	تریاس		۳۵	۲۲۵
پالئوئیک	پریمی		۵۵	۲۸۰
	کربنفر		۶۵	۳۴۵
	دوین		۵۰	۳۹۵
	سیلورین		۳۵	۴۳۰
	اردوین		۷۰	۵۰۰
پرکامبرین	کامبرین		۷۰	۵۷۰
	پرنوزوئیک از کوزوئیک			

تشخیص می‌دهند.

ساخت ابزار سنگی به وسیله انسان‌ها طی هزاران سال، کم‌کم بهبود یافته و انسان‌ها در طول ساختن ابزار پیشرفت حاصل کرده‌اند. به همین جهت مراحل پیشرفت انسان در ساختن ابزار سنگی به چند دوره تقسیم شده است که عبارتند از:

۱- عصر سنگ قدیم: معروف به پالئولیتیک: این دوره بسیار طولانی بوده و هزاران سال طول کشیده است به طوری که گفته اند بیش از ۹۰ درصد از کل تاریخ بشر را شامل می‌شود. حوضه حیثیت مهم این‌ها سنگی عصر سنگ قدیم لب پریده بودن انسان است. یعنی انسان سنگ معمولی طبیعی را شکسته و از لبه تیز آن برای کندن و بریدن قطعه قطعه کردن پوست و گوشت و ... استفاده کرده است. در عصر سنگ قدیم، انسان از سنگ و استخوان استفاده و در غار زندگی می‌کرده آتش را می‌ساخت و به شکار و گردآوری خوراکی می‌پرداخت. اساس انسان از پوست بود و از کشاورزی اطلاع نداشت. حیوانات نیز اهلی نبودند. از انسان عصر سنگ قدیم نقاشی‌هایی در غارها به دست آمده است، با توجه به آنچه که در مورد عصر سنگ قدیم گفته شد، این نکته مشخص است که مفهوم از عصر

سنگ قدیم، میانه و ... یک دوره از دانش و فن و شیوه زندگی انسان است که بعضی همه اینها را مجموعاً فرهنگ یک دوره می‌نامند. لذا از غار سنگ، مقبره و آتش و غیره بیش از آنکه ابزار و مواد را در نظر بگیرند، مطنحن از ترفن و تمدن بشر در نظر دارند.

۲- عصر سنگ میانه: معروف به مزولیتیک: این دوره در آخرین عصر یخ سرد آغاز شد. آخرین عصر یخ سرد در اروپا ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد (۱۰۰۰۰ سال پیش) بوده است. لازم به ذکر است که عصر های سنگ و یخ سرد و نظایر آن‌ها در همه جای دنیا آغاز و پایان یکسانی ندارند. در عصر سنگ میانه، انسان به شکار و جمع‌آوری غذا ادامه داد. سنگ به شکار بزرگ پرداخت. ابزار کار مستلزم همکاری گروهی بوده است. مثلاً عده‌ای از انسان‌ها تیرانه‌ای می‌زدند و تیر را به تیرگی می‌زدند و از تیر به تیر می‌زدند. خصوصاً شکار میوه. در این عصر، سنگ‌های پریده شده، آتش‌سوزی سنگی، کوچک‌ساز و طریقه‌های مختلف این عصر جدید و جدید به شمار می‌آید.

۳- عصر سنگ جدید: معروف به نئولیتیک: در این عصر از روش‌های سنگی، حیثیتی جدید یعنی انسان از غار و صاف و مطابق نیاز خود شکل داده و از آن‌ها برای سوزان و شکار می‌کرد. در این عصر انسان به تولید غذا پرداخت و شکار را جمع‌آوری کرد. انسان از این عصر به بعد (سنگ جدید) کشاورزی و چوپانی را باقی گذاشت و استفاده از حیوانات اهلی شده ممکن گردید. توجه چگونگی آغاز کشاورزی و اهلی کردن حیوانات چندان روشن نیست، اما از این عصر به بعد (سنگ جدید) کشاورزی و استفاده از حیوانات اهلی مسلم است. نامش مشخص با کشته شدن حیوانات و دانه‌ها در کنار امکانات انسان و ابزارهای سنگی به این امر پی برده‌اند. در عصر سنگ جدید انسان فن کوزه‌گری، آسیا کردن دانه‌ها و تشکیل اجتماعات بزرگ را یاد گرفت. به همین که کوزه‌گری در پیشرفت فنون و ابزار سازی داشته است عصر سنگ جدید را به دو بخش تقسیم کرده‌اند:

۱- عصر سنگ جدید ماقبل کوزه‌گری

۲- عصر سنگ جدید کوزه‌گری

کوزه‌گری و آسیا کردن دانه‌ها، شیوه‌ای است که چرخ که از اختراعات بسیار مهم است، رهنمون ساختن عصر نئولیتیک در حدود ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد در آسیا و اروپا آغاز شده است. عصر سنگ و من معروف به کالکولیتیک: عصر کالکولیتیک، عصری است که در آن صنایع استفاده از سنگ جمع‌شده وجود دارد، بشر موفق به کشف مس می‌گردد. لذا از این عصر سنگی و مس به هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. مس به نسبت بعضی فلزات رو دایر ذوب می‌شود. شایده به همین دلیل انسان از میان همه فلزات ابتدا به کشف مس موفق شد. استفاده از فلزات (عصر فن) در پیشرفت ابزار سازی و فلزات، اهمیت بسیاری دارد، زیرا اولین فلزات

از عصر سنگ قدیم

چکش خوردن، و به اشکال مختلف درآمدن را دارد و انسان بهتر می تواند (به نسبت سنگ) ابزارهای مورد نیاز خود را از آن بسازد. در دوره کالکولیتیک گاوآهن اختراع و از آن به جای کج بیل در شخم زدن زمین استفاده شد. این امر در پیشرفت کشاورزی اهمیت بسیار داشت. در این عصر تعدادی از روستاها به شهر تبدیل شدند و زندگی شهرنشینی آغاز گردید. در خاورمیانه، آغاز دوره کالکولیتیک در حدود ۴۵۰۰ تا ۲۵۰۰ ق. م بوده است.

عصر مفرغ^{۱۱} - مس در طبیعت به صورت خالص وجود ندارد و معمولاً با فلزی مانند قلع یا «روی» در معادن موجود است. لذا در هنگام ذوب در چند هزار سال پیش معمولاً آلیاژی از آن به دست می آمد که اشیای مختلف با آن ساخته می شد. مفرغ، آلیاژ مس و قلع است. منظور از عصر مفرغ، عصری است که در آن استفاده از این فلز (آلیاژ مس و قلع) به طور کامل رایج شده است. در حدود ۳۰۰۰ ق. م عصر مفرغ در خاورمیانه شروع شد. در اروپا ۲۰۰۰ ق. م عصر مفرغ آغاز شده است. در عصر مفرغ، ساخت اسلحه های فلزی و «داد و ستد» آغاز گردید.

عصر آهن^{۱۲} - با کشف آهن که در حدود ۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰ ق. م صورت گرفت، عصر آهن آغاز گردید. آهن در طبیعت فراوان است و اشیای آهنی از اشیای مفرغی محکم تر و بادوام تر هستند. به همین جهت استفاده از آهن مزیت های بسیاری بر مفرغ دارد. استفاده از آهن به بشر امکان داد که اشیای فلزی بیشتر و محکم تری بسازد. عقیده بر این است که عصر آهن تا زمان حال ادامه دارد زیرا فلزی که بیش از همه در ساختن اشیای از آن استفاده می شود، آهن است.

در دوران کنونی به دلیل استفاده از نفت، مواد پتروشیمی و اتم اصطلاحاتی مانند عصر نفت، عصر اتم نیز به وجود آمده، اما رواج چندانی نیافته است.

تقسیمات فلسفی و تمدنی

بعضی از مورخان و فیلسوفان با مطالعه در تاریخ جهان و تفکر درباره مراحل و منازل زندگی مادی و معنوی انسان، تقسیماتی را ارائه کرده و معتقدند که تاریخ و تمدن بشری از این مرحله ها گذشته است. بعضی از این نظریه ها به شرح ذیل است:

ویکو^{۱۳} مورخ ایتالیایی معتقد است که تاریخ بشر سه مرحله داشته است:

۱ - مرحله قهرمانی

۲ - مرحله ربانی

۳ - مرحله انسانی

اگوست کنت^{۱۴} جامعه شناس فرانسوی به این تقسیم بندی معتقد است: ۱ - ربانی، ۲ - فلسفی، ۳ - علمی

از نظر سولویف^{۱۵} دانشمند روسی: ۱ - دوره طایفه ای، ۲ - دوره ملی، ۳ - دوره جهانی

از نظر آرنولد توین بی^{۱۶} مورخ انگلیسی: ۱ - مرحله جوانی (مبارزه طلبی)، ۲ - مرحله رشد (آشوب و اغتشاش)، ۳ - مرحله انحطاط (انحطاط تدریجی)

از نظر سوروکین جامعه شناس روسی: ۱ - مرحله تصویری، ۲ - مرحله ایده آلیستی، ۳ - مرحله حسی

از این گونه نظریه پردازی ها و دوره بندی ها نمونه های فراوانی وجود دارد. در حقیقت هر مورخ یا فیلسوفی بر اساس دیدگاه و اعتقاد خود با اهداف و اغراضی که داشته به نتیجه ای رسیده و چه بسا که خود بعدها آن را نقض کرده است. بنابراین یک نظریه واحد که قبول عام یافته باشد وجود ندارد.

یکی از تقسیمات مشهور تاریخ جهان تقسیم آن به مراحل پنج گانه زیر است:

۱ - دوران ماقبل تاریخ

۲ - دوران باستان یا قرون قدیم

۳ - دوره قرون وسطی یا قرون میانه

۴ - دوره قرون جدید

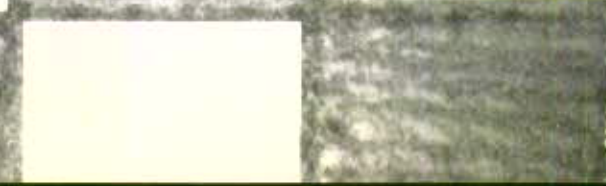
۵ - دوره قرون معاصر

بی نویس:

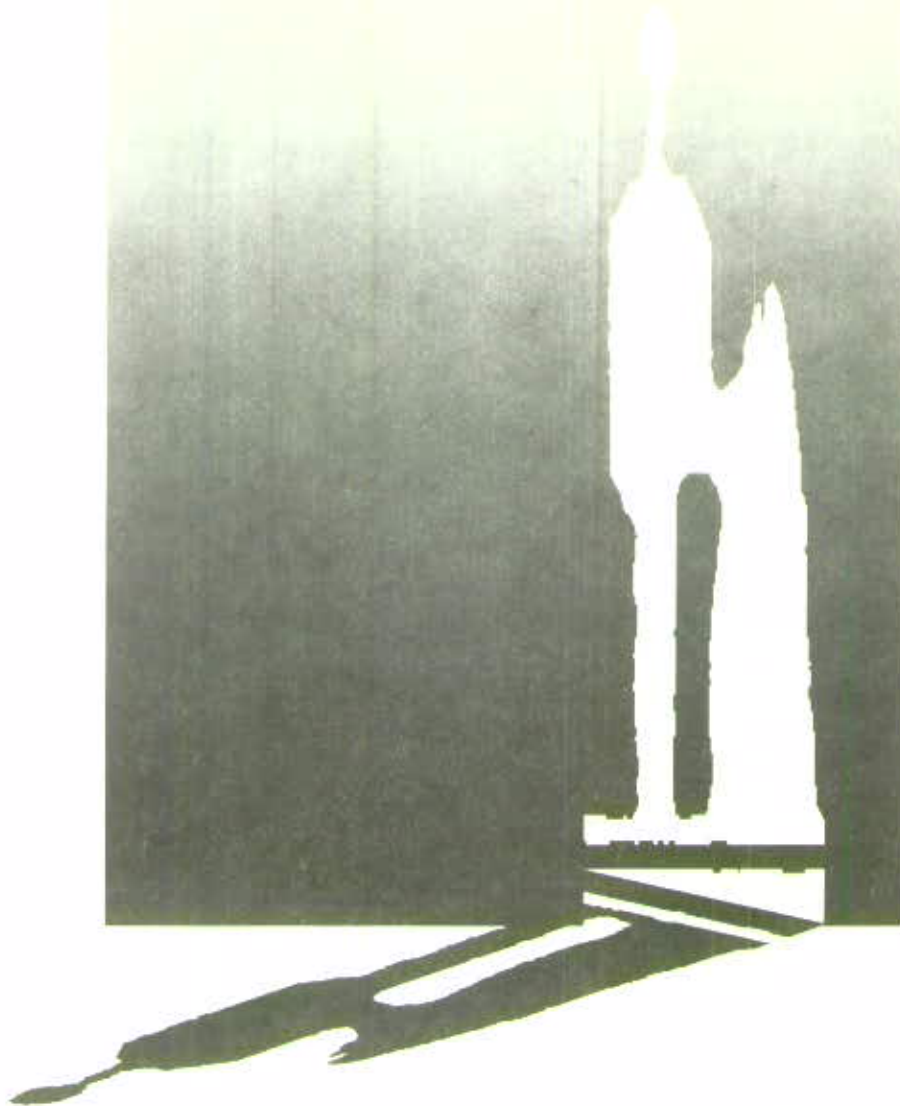
1. Prehistoric Period 2. Historical Period 3. Pictograph 4. Ideogram 5. Syllabic

منظور از سیلاب نگار تقسیم کلمات و صداها به هجاها است که در آن صامت و مصوت در یک واحد تفکیک ناپذیر ارائه می شوند.

6. Precambrian 7. Paleozoic 8. Mesozoic 9. Cenozoic 10. Holocen
11. Quaternary 12. Ice Age 13. Stone Age 14. Old Stone Age 15. Paleolithic
16. Intermediate Stone Age 17. Mesolithi 18. New Stone Age
19. Neolithic 20. Prepottery Neolithic 21. Potter Neolithic 22. Chalcolithic
(stone and copper) 23. Bornez Age 24. Iron Age 25. Vico 26. Conte
27. Soloyiv 28. Toynbee



آنتونی گیدنز
ترجمه: منوچهر حسینی



جامعه‌شناسی به زبان ساده (۳)

نتایج خواسته و ناخواسته کنش انسانی

جامعه‌شناسان تمایز مهمی بین مقاصد رفتار و رفتار حاصل آن، قصد انجام‌دادن را داریم و نتایج ناخواسته‌ای که رفتارمان به‌دور می‌آورد قابل می‌شوند. ممکن است مقاصد خوبی داشته‌ایم، اما به‌دلیل فعالیت می‌کنیم یا نتایجی که به‌دور خود می‌آید، حتی نتایج ناخواسته‌ای داشته‌ایم. ما از این راه می‌توانیم چیزهای زیادی درباره‌ی جوامع بفهمیم. به‌عنوان مثال، مدارس به‌منظور آموختن مهارت‌های خواندن و نوشتن و فراهم کردن امکان کسب معلومات جدید برای کودکان تاسیس

انور احمد بیگ

می شوند. با این همه، وجود مدارس نتایجی نیز دارد که چنین آشکارا شناخته شده یا مورد نظر نیستند. مدارس، کودکان را تا رسیدن به سن معینی خارج از بازار کار نگاه می دارند. نظام مدرسه همچنین با سوق دادن کودکان در جهت مشاغل مختلف بر طبق توانایی تحصیلی آنها، گرایش به تقویت نابرابری ها دارد.

بیشتر دگرگونی های مهم در تاریخ احتمالاً ناخواسته هستند. پیش از انقلاب ۱۹۱۷ رومیه، گروه های مختلف سیاسی کوشش می کردند رژیم موجود را سرنگون کنند. اما هیچ یک از اینان - از جمله حزب بلشویک که سرانجام به قدرت رسید - فرایند انقلاب را که عمداً رخ داد پیش بینی نکردند. یک رشته نیش ها و برخوردها فرایندی از دگرگونی اجتماعی را پدید آورد که بسیار ریشه ای تر از آن چیزی بود که هر کس در ابتدا کوشش می کرد به وجود آورد.

گاهی رفتاری که با در نظر داشتن هدف خاصی صورت می گیرد عمداً دارای نتایجی است که مانع رسیدن به آن هدف می شود. چند سال پیش وقتی قوانینی در شهر نیویورک وضع گردید که صاحبان ساختمان های روبه زوال در نواحی کم درآمد را مجبور می کرد این ساختمان ها را به یک استاندارد حداقل برسانند؛ هدف این بود که سطح پایه مسکن موجود برای بخش های فقیرتر جامعه بهبود یابد. اما نتیجه در عمل برعکس بود. مالکان ساختمان های محروم به آنها راه کلی رها کرده یا استفاده های دیگری از آنها کردند، به طوری که کمبود مسکن مناسب بیش از پیش گردید.

هم تداوم و هم دگرگونی در زندگی اجتماعی را باید بر حسب آینده ای از نتایج خواسته و ناخواسته کنش های افراد درک کرد. جامعه شناسی وظیفه بررسی توازن حاصل بین بازتولید اجتماعی و دگرگونی را دارد. بازتولید اجتماعی، به این که چگونه جوامع در طول زمان «استمرار می یابند» و دگرگونی، به «تغییراتی» که در آنها پدید می آید اشاره می کند. جامعه وسیله ای مکانیکی مانند ساعت یا ماشین نیست که به علت نیروهای محرکی که در آنها بنا شده «استمرار می یابند». بازتولید اجتماعی از آن روی رخ می دهد که در آنچه مردم از روز تا روز و سال به سال انجام می دهند و در شیوه ای عمل اجتماعی که دنبال می کنند تداوم وجود دارد. تغییرات تا اندازه ای به این علت که افراد تعمداً خواستار وقوع آنها هستند رخ می دهند و تا حدی - همان گونه که نمونه انقلاب روسیه نشان می دهد - به علت نتایجی که هیچ کس پیش بینی نمی کند یا خواستار آن نیست.

جامعه شناسی درباره کنش هایمان به ما چه می آموزد؟

به عنوان اعضای جامعه، همه ما چیزهای زیادی درباره خودمان و جوامعی که در آن زندگی می کنیم می دانیم. ما معمولاً فکر می کنیم که علت رفتارهای خود را به خوبی می فهمیم. بدون این که نیازی به جامعه شناسان داشته باشیم که علل آن را به ما بگویند، و تا حدی این مطلب درست است. بسیاری از کارهایی را که در زندگی هر روزه انجام می دهیم به این دلیل است که میثاق های اجتماعی مربوط به آنها را درک می کنیم. با وجود این حدود معینی برای این خودآگاهی وجود دارد. و یکی از وظایف اصلی جامعه شناسی نشان دادن این حدود است.

مثلاً مردم قضاوت های عامیانه بسیاری درباره خود و دیگران می کنند که بعدها معلوم می شود خطا، ناقص یا از روی بی اطلاعی بوده است. پژوهش های جامعه شناسی به ما کمک می کند که محدودیت قضاوت های اجتماعی خود را تشخیص دهیم، و در عین حال آگاهی ما را درباره خودمان و محیط اجتماعی تقویت می کند. یکی دیگر از کمک های اساسی جامعه شناسی نشان دادن این موضوع است که هر چند همه ما بسیاری از کارهایی

را که انجام می دهیم و این که چرا آنها را انجام می دهیم درک می کنیم. اغلب آگاهی اندکی از نتایج کنش های خود داریم. نتایج ناخواسته و پیش بینی نشده کنش ها بر همه جنبه ها و زمینه های زندگی اجتماعی تأثیر می گذارند. تحلیل جامعه شناسی (جامعه شناسانه) ارتباطات ظریف و دقیق بین خصیصه های عمدی و غیر عمدی دنیای اجتماعی را کاوش می کند.

ساخت اجتماعی و کنش انسانی

مفهوم مهمی که به ما کمک می کند این ارتباطات را بفهمیم مفهوم ساخت اجتماعی است. محیط های اجتماعی که ما در آنها زندگی می کنیم تنها شامل مجموعه های اتفاقی رویدادها یا کنش ها نیستند. نظام های اساسی یا الگوبندی هایی در چگونگی رفتار مردم و در روابطی که با یکدیگر برقرار می کنند وجود دارند. مفهوم ساخت اجتماعی به این نظم ها اشاره می کند. تا حدی مفید است که ویژگی های ساختی جوامع را همانند اسکلت یک ساختمان تصور کنیم. یک ساختمان دارای دیوار، کف و سقف است که بر روی هم «ریخت» یا شکل خاصی به آن می دهند. اما این استعاره اگر خیلی دقیق به کار برده شود می تواند کاملاً گمراه کننده باشد. ساخت های اجتماعی از کنش ها و روابط انسانی تشکیل شده اند: آنچه به آنها الگوبندی شان را می دهد تکرار آنها در دوره های زمانی و فواصل مکانی است. بدین سان مفاهیم بازتولید اجتماعی و ساخت اجتماعی در تحلیل جامعه شناسی رابطه بسیار نزدیک با یکدیگر دارند. ما باید جوامع انسانی را مانند ساختمان هایی تصور کنیم که در هر لحظه با همان آجرهایی که از آن

ساخته شده اند از نو ساخته می شوند. کنش های همه ما از ویژگی های ساختی جوامع که در آن پرورش یافته ایم و زندگی می کنیم تأثیر می پذیرند. در عین حال، ما آن ویژگی های ساختی را در کنش هایمان دوباره می آفریم.

توسعه بینش جامعه شناختی

یاد گرفتن این که جامعه شناسانه بیندیشیم به معنی پرورش نیروهای تحلیلی است. مطالعه جامعه شناسی نمی تواند تنها یک فرایند عادی کسب آگاهی باشد. جامعه شناس کسی است که می تواند خود را از تأثیر مستقیم اوصاف و احوال شخصی آزاد سازد. کار جامعه شناسانه بستگی دارد به آنچه می بیند. رایت میلر در عینستی مشهور، تحلیل جامعه شناسانه نامید. در واقع بیشتر کتاب های درسی جامعه شناسی نوعی خوانندگی آیه این اصطلاح جلب می کند، اما نه برخلاف میلر. معصوم لائو را خاملاً غباری از قدرت تحلیل به کار می برند.

تحلیل جامعه شناسانه مخصوصاً مستلزم توانایی دور ساختن اندیشه مان از جریان های عادی زندگی روزانه برای از نو نگریستن به آنهاست. واقعیت ساده نوشیدن یک فنجان قهوه را در نظر بگیرید. از دید جامعه شناختی درباره یک چنین رفتار ظاهر آشنایی با افتاده ای چه می توانیم بگوئیم؟ پاسخ این است: خیلی زیاد.

نخست می توانیم بگوئیم که قهوه تنها یک نوشیدنی نیست که به حفظ میزان مناسب لازم در بدن فرد کمک می کند. بلکه به عنوان جزئی از شعائر اجتماعی روزمره دارای ارزش نمادی است. غالباً شعائر همراه با نوشیدن قهوه جنبی مهم تر از عمل صرف خود این نوشابه است. به عنوان مثال، دو نفر که قرار می گیرند با همدیگر قهوه صرف کنند احتمالاً به دیدار و گپ زدن با یکدیگر بیشتر علاقه مندند تا به آنچه می نوشند. نوشیدن و خوردن در همه جوامع فرصت هایی برای کنش متقابل اجتماعی و اجرای شعائر هستند و این فرصت ها موضوعی غنی برای مطالعه جامعه شناختی ارائه می کند.

دوم قهوه یک ماده مخدر است. محتوی کافئین، که تأثیری محرک بر زوی مغز دارد. معتادان به قهوه را اکثر مردم در فرهنگ غربی به عنوان معتاد تلقی نمی کنند.

این که چرا باید چنین باشد، خود سؤال جامعه شناختی جالبی است. قهوه مانند الکل [در بعضی جوامع] یک ماده مخدر از نظر اجتماعی قابل قبول است. در صورتی که مثلاً ماری جوانا چنین نیست. تا وجود این فرهنگ هایی هستند که مصرف ماری جوانا را تحمل می کنند اما مصرف قهوه و الکل را ناپسند می شمارند.

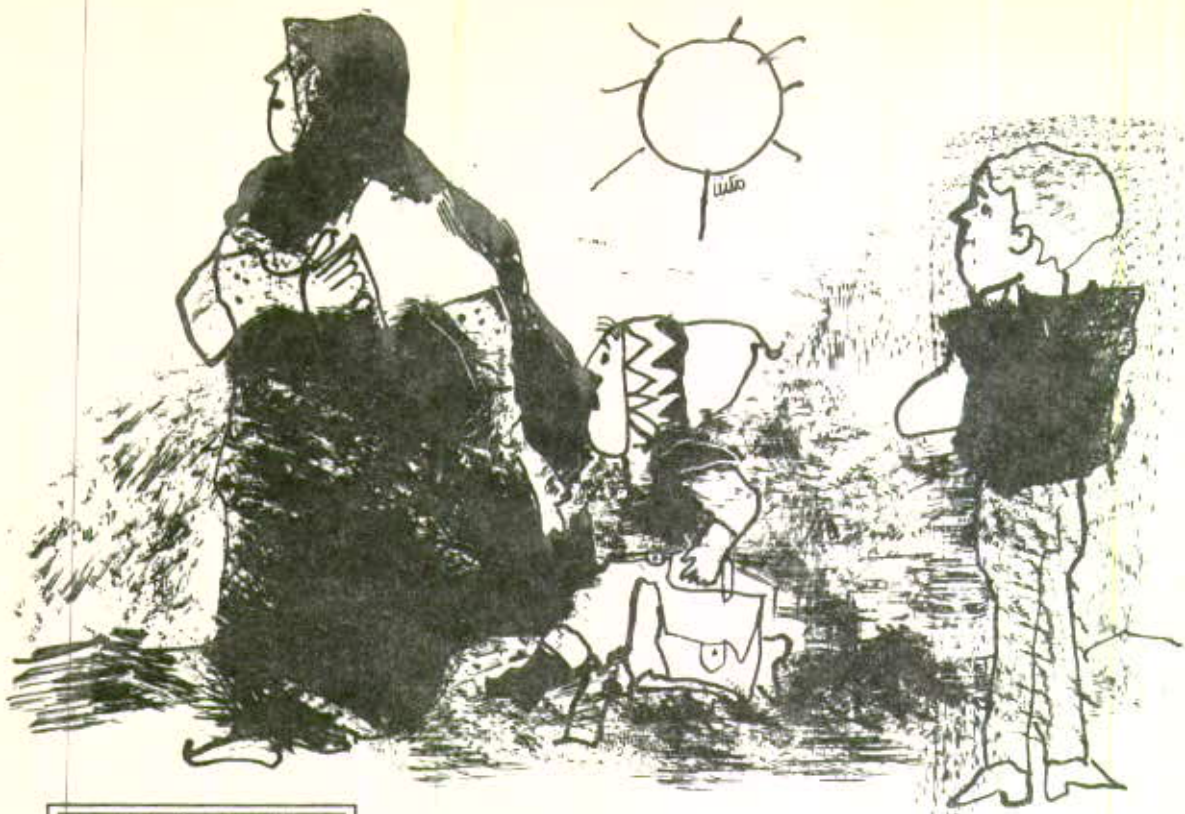
سوم، فردی که دارد یک فنجان قهوه را جرعه جرعه می نوشد در محنت عذوق العاده پیچیده ای از روابط اجتماعی و اقتصادی که در سرتاسر جهان گسترده است درگیر است. تولید، حمل و نقل و توزیع قهوه نیازمند معاملات مستمر بین افراد زیادی است که هر از آن مایل از نوشیده قهوه دورند. مطالعه این گونه داد و ستدهای جهانی یکی از وظایف مهم جامعه شناسی را تشکیل می دهد. زیرا بسیاری از جنبه های زندگی ما اکنون از ارتباطات و مبادلات بازرگانی جهانی تأثیر می پذیرند.

سرا انجام عمل جرعه جرعه نوشیدن یک فنجان قهوه فرصت یک فرایند گسترده تحول اجتماعی و اقتصادی در گذشته را برای ما مطرح می کند. همراه با بسیاری از اقلام دیگر متداول رژیم غذایی غربی - مانند چای، موز، سیب زمینی و شکر سفید - قهوه تنها از فرد نوزدهم به بعد به طور گسترده مصرف گردید. اگر چه مصرف قهوه از خاور میانه آغاز شد، مصرف نوده گستر آن از دوره گسترش استعمار عرب از حدود یک قرن و نیم پیش شروع می شود. در واقع تمام قهوه ای که ما امروز در کشورهای غربی می نوشیم از

مناطق کنونی که توسط اروپائیان مستعمره گردیدند (امریکای جنوبی و آسیای میانه)

پرورش تحلیل جامعه شناسانه به معنای استفاده از مطالب انسان شناسی (مطالعه جوامع بشری) و تاریخ و پرورش خود جامعه شناسی است. بعد انسان شناختی تحلیل جامعه شناسانه بسیار مهم است. به عنوان مثال می توانیم تصور مختلف حیات اجتماعی را مشاهده کنیم. به مقایسه آنها، شیوه زندگی خودمان، به تفاوت الگوهای ویژه و خودمان بشری می بینیم. بعد تاریخی تحلیل جامعه شناسانه نیز به همان اندازه اساسی است. ما باید هنگامی مانتای جهان امروز را می توانیم بازنگری کنیم که بتوانیم آن را با گذشته مقایسه کنیم. گذشته آینه ای است که جامعه شناس باید برای شب حساب او و روز در دست داشته باشد. هر یک از این وظایف مستلزم ادوار ساختن مسئله برای پرسش و محاسبات خودمان است. برای این که شناخت ژرف تری از آنها به دست آوریم.

هنگام جنبه دیگری از تحلیل جامعه شناسانه وجود دارد. جنبه ای که در واقع میلر بیش از همه بر آن تأکید ورزیده است. این جنبه امکانات ما برای آینده است. نقطه می شود. جامعه شناسی به تنها به معنای کمک می کند که الگوهای موجود در دنیای اجتماعی را تحلیل کنیم بلکه امکان می دهد برای آینده های ممکن را فکر برای ما بگشاید. است مشاهده کنیم بی جویی خلاقانه جامعه شناسانه به ما می تواند چگونه وضع موجود را به ما نشان دهد. بلکه می تواند نشان دهد که در صورت ما وضع چگونه می تواند بشود. کوشش هایی ما برای تأثیر گذاشتن بر تحولات آینده، در صورتی که به پایه درک جامعه شناسی آگاهانه رو بدهی جاری مسئول باشد. بهبود و بازگام خواهد آمد.



یک نویسنده، یک داستان

آنجا که خانه ام نیست

نزدیکی های شهرضا بود که از خواب بیدار شدم.

به شهر که رسیدیم، راننده سرعت ماشین را کم کرد. نگاهی به ساعت انداختم؛ نزدیک های سه بعدازظهر بود. زیرپا و پشتم، از عرق خیس بود. سرو صورت هم به عرق نشسته بود. حسام هم خیس عرق بود.

اواخر شهر بود که راننده سرعت ماشین را کاملاً کم کرد و در سمت چپ جاده، جلوی یک قهوه خانه کوچک ایستاد. پیاده شدیم.

قهوه خانه در حقیقت مغازه ای بود مثل قهوه خانه های شهری، که جلوش چند میز و صندلی، زیر سایه درخت های بید، چیده بودند. یک تخت چوبی هم، کنار جوی باریکی که از زیر درخت ها می گذشت، قرار داشت و روی تخت، یک گلیم کهنه و رنگ و

محمدرضا رهگذر در سال ۱۳۳۲ در کازرون به دنیا آمد. دوران کودکی را در زادگاه خود و بقیه زندگی را تا دوره جوانی و ورود به دانشگاه، به تبع از شغل پدرش، در شهرهای مختلف ایران گذراند. در سال ۱۳۵۱ در جهرم دیپلم ریاضی گرفت و به سرپازی رفت. سرپازی او در دوره سپاه دانش گذشت و او در همین دوره نوشتن را به طور جدی و گسترده آغاز کرد. رهگذر در سال ۱۳۵۴ وارد دانشگاه علم و صنعت تهران شد و همزمان با تحصیل در رشته مهندسی صنایع، نوشتن را نیز ادامه داد. کتاب های او به نام خرگوش ها، اصیل آباد، اگر بابا بمیره، و گرداب سکندر حاصل کار او در این سال هاست.

پس از انقلاب تا به امروز، رهگذر همچنان در کار نوشتن و فعالیت های فرهنگی بوده است. صدای او در «قصه ظهر جمعه» ی رادیو، نزدیک به بیست سال است که نداوم یافته و به گوش همه آشناست. علاوه بر این رهگذر در کار اصلی خود که نوشتن داستان، نقد ادبی و فعالیت های مطبوعاتی است همچنان پی گیر است. یکی از کارها و شاید مهم ترین کار رهگذر بازنویسی زندگی پیامبر اسلام (ص) است که به صورت کتاب در چندین جلد منتشر شده است. آنچه در اینجا می خوانید، بریده هایی است از کتاب آنجا که خانه ام نیست. این کتاب که یکی از آثار محمدرضا رهگذر است در طول بیست سال گذشته، به شهادت شمارگان آن، همواره مورد توجه نوجوانان کتاب خوان قرار داشته است. ناشر کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است.

رشد

آرش مهر

سنگوت کتد بخشن بود. عالم می جو دست
 قاری سداشم و می توانستم سعت ها
 همدل جا، روی تخت دراز کشتم، به رقص
 ملایم شادخاها و برگه های باز که بهادر نسیم
 چشم باد زده، نمیدان گوشوار آب که از
 لاله لای قنود سنگ ها و سنگ پرده های کف جو
 راهش، ساز می کرده خنود می رفته نوری
 گوشم پیچید، و این خنود های تار تار
 طرف تار می آمدنی و این که
 در همین وقت، آمده گفت: «از بخار
 اصغهار، همه اش هشتاد کلمه است»
 دیگر چیزی نمیداد، بالاخر بعد از این
 حسنگی، اغلب می توانی نوری جاده خودت
 یک است بحث جویی بکنید.
 حرفهای چه شیرین بود، جیر نمادست که
 نامه تهر آن تر بود و خنودان تعریف شده، این
 است بحث خبری بسیار



من و حاتم، گاهی به قهوه انداختیم و
 بخندادیم، آنکه هر دو همان مصحفی بود
 معلوم بود حسنه هم نگران بود
 رانده، در جانی که به دست یک می زد،
 گفت: «هور وید درید، نگردید بخوابید یا
 این که لا اقل یک کلمه دراز نکشید» یا سیم
 برایتان چکار می توانم بکنم
 تازه باید آمد که از قهوه به بعد، درست از
 آنها جدا می شدیم.
 حاتم گفت: «این است که تغییر شده، در
 یک مکتب پیدا کنم و آن بیگم»
 رانده گفت: «چه مکتبی می دانی یا لا اقل
 ساعت چهار بعد از ظهر هم نشده، تا اصغهار
 همه اش یک ساعت است، است، آنکه به انسان
 ماشین پیدا می کنم، حالا یک کلمه است است
 کنید»
 پس آنکه چیزی بگوئیم، روی تخت دراز
 کشیدیم
 نمی دلم چقدر گذشته بود، پس خواب و
 بیداری بودم، که از صدای حتم فلهایی، از جا
 پردام
 از صحنه ای که دیده، سر خا خشکم زد
 تمکین رانده و رانده، با صفت لایق و جوی
 شه فرمان دو چرخه نوری دستش بود، و لای

رو رفته پهن شده بود
 کمی پایین تر از قهوه خانه، یک میگالیک می بود، و بعد از آن دیوار کتوم کلی یک باغ و قه
 ده هر متر پایین تر ادامه داشت، و بعد از آن خشک و باغ، بالاخر از قهوه خانه هم چندتا معارف بود
 از درهای خاک گرفته شان معلوم بود که سال ها بود خراب شده بودند. بعد از آن دیوار کاه گلی یک
 خانه و باز ادامه همان معارف های متروک، آن طرف جاده هم که خشک و لغت بود
 رانده از جلو، و من و حاتم از پشت سرش، به افتادیم، شلوار و پیراهن حاتم، از عرق
 شوره شده بود و هنوز تم داشت، کمک رانده، افزوده ای را که حسنه قهوه خانه بود در داشت و
 به سراج ماشین رفت و مشغول ریختن آب نوری را داشت و آن شد
 رانده، کنار جوی چپا شده زد، من و حاتم هم همین کار کردیم، و مشغول شستن
 دست و صورتان شدیم، آب حکه و زلالی بود، حصانی حاتم را آورد
 بعد، رفتم و روی تخت نشستم، سیم ملایمی می ورید و حسنگان می شد، رانده،
 همدل طور با کفش، روی تخت دراز کشید، کمی بعد، کمک رانده هم دست و پا را شست و نشست
 و آمد بپلوی ما
 ناچار تمام شده بود، قهوه جی، برایشان آملاب درست کرد، بعدش هم چند استکان چای
 پر رنگ برایشان آورد.
 دیگر کاملاً سنگین شده بودیم، کمک رانده، دوباره رفت سریع ماشین، بعد هم دیگر او را
 ندیدیم، رانده روی قهوه خانه نشست، پاهایش را از آن تخت آویزان کرده، قیاس می ریختی را که
 قهوه جی برایش آورده بود بغل دستش گذاشت، و مشغول یک دراز کش شد.
 سنگوت دل پذیری بود، فقط حیک حیک گنجه شک ها، فل فل گاه به گاه قیاس، و هر چند
 دقیقه یک بار صدای عبور ماشینی از جاده خواب رده، سنگوت را می شکست
 من و حاتم، هر دو روی جاده، چهارزانو، روی تخت نشسته بودیم و به سنگوت گوش
 سپرده بودیم، مثل این که هیچ یک، دلمان نمی خواست این سنگوت را بشکنیم
 بعد از حدود هشت ساعت نشستن نوری آن اتفاق افتاد که بر سر و خنده، این حسنگی و

امروز که می بینیم

سرمه‌ان ایستاده بودند.

حسام هم مثل این که تازه از خواب بیدار شده بود. هر دو، به پاسبان نگاه کردیم: قدبلند بود. صورت لاغر و تکیه‌ای داشت. بایک سیل باریک و آویزان. وجود پاسبان، آن هم در آن وضع، نشان می‌داد که باید حیرتهایی باشد.

زاننده، مثل این که متوجه وحشتمان شد. با مهربانی گفت: «چیزی نیست! سرکار می‌بردتان شهر بانی. آنجا برایشان یک ماشین مقلش گیر می‌آورند و می‌فرستند آن‌ها. و برای آنکه شک را از دل‌شان پاک کند، گفت: «آخه بد دوره و زمانه‌ای است. نمی‌شود به کسی اطمینان کرد. هر چه باشد، اینها مأمور دولت‌اند. کارشان این است.»

هاج و واج مانده بودیم. نمی‌دانستیم باید خوشحال باشیم یا ناراحت. اما هنوز دل‌هره داشتم. اگر در کلاتش می‌فهمیدند که دروغ گفته‌ایم، و ما را برمی‌گردانند خانه، آن وقت بابا... حتی از فکرش هم مویر لدامم راست می‌شد. می‌توانستیم محکم کنم که بابا وقتی فهمیده است، فرار کرده‌ام، چقدر عصبانی شده و حضور خوش آورده است... حتماً از صبح سراسیم کشی هم نقشه کشیده بود. اگر برمی‌گشتم، حتماً آنکه بزرگ بندم، گوشم بود.

پاسبان، در حالی که سعی می‌کرد قیافه مهربانی به خودش بگیرد، با لهجه مخصوصی که بعداً فهمیدم شهرضایی است، گفت: «آره... نمی‌شود به مردم اعتماد کرد. من پاسبانم و سروکارم با این آدم‌هاست... مخصوصاً که یکی دو ساعت دیگر هم آفتاب غروب می‌کند و آن وقت دیگر کارتان مشکل‌تر می‌شود.»

بعد، بی‌آنکه نظر ما را بپرسد، رو به من کرد و گفت: «تو بشین جلو...» و اشاره به حسام کرد و گفت: «تو هم بشین ترک چرخ.»

چاره‌ای نبود. سوار شدیم. کمک‌راننده هم سبک‌هايمان را از ماشین آورد و به دستمان داد...

چند روز طول کشید تا توانستیم جای مناسبی برای پهن کردن بساطمان پیدا کنیم. دو متر نایلون سفید را خربده بودیم و هر روز یک جا، بساط را پهن می‌کردیم. تا آنکه تصمیم گرفتیم نوری پیاده‌رو خیابانی که در ضلع شمالی پارک شهر است، ماندگار شویم. کارمان این بود که نایلون را روی زمین بغل دیوار پارک شهر پهن می‌کردیم و جعبه‌های سوهان و گز و ظرفهای حلوازده را روی آن می‌چیدیم. بعد هر کدامان یک طرف بساط، روی سکوی سنگی دیوار می‌نشستیم و به ترده‌های سبز رنگ آهنی آن تکیه می‌دادیم و به انتظار مشتری می‌نشستیم. روزهای اول، فروش زیادی نداشتیم. ولی بعدها کار و کاسبیمان نسبتاً بهتر شد.

شب قبل، بعد از دو هفته دوری، به مسافرخانه قبلی برگشتیم. محمود آقا هم با شغل جدیدمان مخالفت زیادی نداشت.

دیگر مهرماه شروع شده بود. اوایل من از این کار (یعنی فروشنده‌گی) خیلی خوشم می‌آمد. از اینکه راحت و آزاد بودیم و کسی کاری به کارمان نداشت و مجبور نبودیم صبح تا شب حملی کنیم، خوشحال بودم. سر و لباسمان هم تر و تمیزتر شده بود. اما هر چه روزها بیشتر می‌گذشت، آن شور و شوق می‌خوابید و کم‌کم خسته و کسل می‌شدم.

آن روز، بی‌خیال، پشت بساط، روی سکوی سنگی دیوار پارک شهر نشسته بودم و گرم تابشای رفت و آمد مردم بودم. حسام هم رفته بود توی پارک، تا آب بخورد. هوا خنک بود، و من که تنها یک پیراهن آستین کوتاه تنم بود، کز کرده بودم و دستهایم را زیر بغلم گذاشته بودم.



ایستاده‌اند

ساعت، پس نه و ده بود. (السته، یکی دوروزی بود که سر ساعت نه صبح، کاسبی را شروع می‌کردیم. روزهای قبل، صبح زود، آفتاب نروده از مسافر خانه بیرون می‌زدیم و بساط را پهن می‌کردیم. اما در همان مدت متوجه شدیم که تا قبل از میادین، مشتریانی به آن صورت، نداریم.)

در این حال، مادری را دیدم که دست بچه هشت- نه ساله اش را گرفته است و او را به دیال خودش می‌کشاند و غرغر می‌کند.

پسرک که کتف چرمی قهوه‌ای رنگ و نوری به دست داشت حاضر نبود دیال مادرش برود، و مرتب گریه می‌کرد.

من که تا آن روز اصلاً از فکر مدرسه و درس غافل بودم و حتی نمی‌دانستم که چند روز است مدرسه‌ها باز شده، یکدفعه به فکر می‌ورفتم. اگر خانه بودم، حالا من هم به مدرسه می‌رفتم. آن سال کلاس هشتم، یک سال دیگر ششم، سال بعدش دهم. و روی همه رفته، چهار سال دیگر می‌توانستم دیپلم بگیرم و بعد از سرپاری، یک جایی استخدام شوم و روی پای خودم بایستم.

یاد حرفهای زن صاحبخانه مان افتادم که همیشه بعد از تمام شدن دعاهای بابا یا الله، وقتی چشم‌ها را دور می‌دید، رویه‌ها را اخمد می‌کرد و می‌گفت: «توی خانه این مرد که جرّ و جیغ بدیختی چیزی نصیب نه‌تان نشد. مگر اینکه شماها به جایی برسید و تلاقی کنید!»

من، آن وقتها، همیشه وقتی تنها می‌شدم و به آینده فکر می‌کردم، با خودم می‌گفتم: «فدیلو که گرفتم، جایی استخدام می‌شوم و سه روز از دست بابا خلاص می‌کنم.»

آن روز ظهر، وقتی که مدرسه‌ها تعطیل شد و گروه‌ها و بچه‌ها را دیدم که از مدرسه می‌آمدند، نگاه حوردم. نمی‌دانم چرا بی‌اختیار دلم گرفت. راستش، من هیچ وقت از مدرسه خوش نمی‌آمدم. اما همیشه فکر می‌کردم، راه نجات همه‌مان از آن زندگی تلخ، در این حوادث است.

تا شب از فکر این موضوع بی‌رون

بماندم.

حالا پنج سال از آن ماجرا می‌گذرد. من چند ماهی می‌شود که تحصیلات دبیرستانی ام را تمام کرده‌ام و دارم خودم را برای رفتن به سرپاری آماده می‌کنم. پدر هنوز کاملاً اخلاقی گذاشته اش را از ترک نکرده است. اما از حق نمی‌شود گذشت، خیلی بهتر از آن وقتهاست. اما من هم اگر چه هنوز خیلی از زندگی اش را قبیح نیست، اما خیلی متفاوت از گذشته است. چون عقده دارد که ده سال دیگر که من از سرپاری می‌آیم و سرکش می‌روم، وضع زندگی همه‌مان به کلی عوض خواهد شد.

راستی، دانشیادم می‌رفت که بگویم عاقبت حرم هم برگشت. اما تقریباً یک سال بعد از من به همین بست، حالا یک سال دیگر دارند درمیش را تمام کند.

ما هنوز، مثل گذشته، با هم دوستیم و به حدی هم رفت و آمد می‌کنیم. اما حالا دیگر هیچ‌یک فکر فرار از خانه نداریم. با این حال، هنوز تصمیم نداریم سرپاری مان که تمام شد، همک اینجاده‌ها بخداری و

پرویش (نور عبود را)
سال ششم
این بار، به پسر
حساب شده‌تر
و معشوق تر...



آدم‌ها را
از سرپاری
بیاورند



عاشق لرا عاشق ها آوازندگان سنتی آذربایجان



- ۱- روستای کندوان با خانه های شکفت انگیز
- ۲- دام داری در مراتع گنبد
- ۳- کلیسای سن استفانوس در جلفا
- ۴- معدن مس در اهر
- ۵- برج ساعت تبریز
- ۶- عسلایکو میاه های سهند

کارگاه رنگرزی در خوی

ایران شناسی

آذربایجان و زنجان

عکس ها از:

۷ اقلیم ایران ، و جغرافیای آذربایجان شرقی دوم دبیرستان



گیمشگاه زنجان

